

چه چیز است یا اینکه مجلس مقصودش نیست که به طریق شرعی و بطوری که واقف در وقتنامه معین کرده است عمل شود برای اینکه مقصود مجلس نمایندگان این است که ببینیم این قانونی که از مجلس گذشته است آیا لازم است که حالاً تماماً در آن تجدید نظر بشود یا لازم نیست

**حاج شیخ اسدالله** - فرمایشی که فرمودند که در موقی که این قانون نوشته میشد بعضی از آقایان بوده اند و از این جهت حالاً نباید در این ماده رأی داد بنده عرض میکنم در اصل مطلب همین قسم که فرمودند اشکالی نیست و آن هیئت علمیه که در کمیسیون بوده اند و در آن ماده نظر کرده اند نظرشان بر این بوده است که با اجازه سلطان باید وزارت اوقاف این قسم از اوقاف را اداره بکنند و نظرشان با آن وقت فرقی نکرده است و اختلافی در اصل مطلب نیست چیزی که هست این است که میگویند این عبارت یک نوعی نوشته شده است که این مراد از آن فهمیده نمی شود و بیشتر از این هم نزاعی نیست و این اندازه هم مذاکره لازم ندارد برای اینکه مجلس می تواند این اتهام را تصریح بکند و یک ماده الحاقیه باین ماده ملحق نماید که رفع این اشکال بشود و سوء تفاهمی که در ماده قبل شده است برداشته شود و آن سوء تفاهم هم این است که در آن قانون می نویسد که وزارت اوقاف اداره میکند اوقافی را که تولیت آن راجع به سلطان عصر یا دولت است دیگر این را که با اجازه سلطان باید باشد نمی نویسد در حالی که لازم است این قید شده باشد حالاً اگر میگویند چون در ماده دیگر آن قانون نوشته شده است که موقوفاتی که متولی مخصوص دارد اگر وزارت اوقاف بخواهد آنها را اداره بکند باید با اجازه آن متولی مخصوص باشد این مطلب را می رساند و دیگر لازم قید دیگری نیست بنده عرض می کنم چون آن راجع به موضوع دیگر است یعنی راجع است به موقوفاتی که متولی مخصوص آن غیر از سلطان باشد و این ماده هم بطور اطلاق میگوید که وزارت اوقاف موقوفاتی را که تولیت آنها راجع به شخص سلطان یا دولت است و از اجازه گرفتن از سلطان سکت است و اسمی نمیرسد خیلی سوء اثر کرده است و آن سوء اثرش هم خیلی واضح است بجهة اینکه میدانید وزیر وقتیکه معرفی شد بهست وزارت خودش دیگر شخص سلطان نمیتواند یعنی مسئولیتی ندارد تا اینکه دخالت بکند در امر اوقاف بلکه مسئولیت سلطان با همان شخص وزیر است و اگر بخواهد مداخله بکند در همان موقوفاتی که تولیت آنها راجع به شخص او است امراً بوجه این ماده و این قانون نمیتواند مداخله بکند و حال اینکه اگر هر آینه دخالت وزارت اوقاف در آن موقوفاتی که تولیت آنها راجع به شخص سلطان است با اجازه سلطان باشد باید که از اوقاف دیگر بخواهد بگوید بوزارت اوقاف که دخالت در فلان موقوفه که تولیت آن بامن است نکنند این حق را داشته باشد چون تولیت آن با خود سلطان است و تعیین مباشر آن بسته به میل و اختیار او است اما این ماده این مطلب را نمی رساند بلکه این ماده بطور اطلاق همینقدر میگوید که وزارت اوقاف باید اداره بکند این قسم از موقوفات را و وقتیکه بنویسند

این ماده راجع شد اضافه کردن این موقوفات بوزارت اوقاف آنوقت حق تولیت سلطنتی از شخص سلطان سلب میشود بجهة اینکه دخالت در اوقاف ندارد و فرض هم اینست که اداره کردن این قسم از اوقاف را راجع کرده ایم بوزارت اوقاف و این منافست با آن نظریه که واقف داشته است که تولیت آنها را راجع کرده است بشخص سلطان پس باید نوعی باشد که این ماده منافی با فرض و اصول تولیت مجموعه از طرف او نباشد در اینجا مذاکره میشود که مراد از تولیت سلطان این نیست سلطان خودش برود دخالت بکند این را هم قبول دارم ولی نظر واقف هم این نیست که هر وقت سلطان بخواهد بوزارت اوقاف بگوید که تو دخالت نکن میتوانی اگر چه مقصود کسانی که این ماده را نوشته اند این بوده است که میتوانی ولی عبارت این ماده اینست که از نامیرساند بلکه میگوید که سلطان مستقیماً نمیتواند دخالت بکند پس شما چرا از این مطلب قطع نظر میکنید و یک مطلب ساده و واضحی را این هم در آن مذاکره میکنید و صورتیکه این ماده الحاقیه خیلی لازمست که در اینجا نوشته شود برای اینکه آن عبارتی که در آن ماده قانونی نوشته شده است خیلی نازک است و توضیحاً باین ماده باید این ماده نوشته شود و بآن ماده الحاقی شود که سلطان اختیار داشته باشد در اینکه هر وقت بخواهد دخالت بکند در آن موقوفاتی که تولیت آن راجع به شخص او است آنچه اجازه هم بدهد بوزارت اوقاف که در موقوفاتی که تولیت آن راجع به شخص من است دخالت بکن و هر وقت هم که بخواهد از او جلوگیری بکند و نگذارد که مداخله بکند ولی نوشتن این ماده سلطان نمیتواند وقتی که وزارت اوقاف دخالت در اوقاف میکند اگر قبل نداشته باشد جلوگیری بکند و بگوید دخالت نکن باینجه بنده این را خیلی لازم میدانم که امروز از مجلس بگذرد و اگر نگذرد عرض میکنم که آن ماده مطابق قانون اساسی قانونت ندارد

**رئیس** - گمان میکنم که امروز نتوانیم موفق بشویم که اینکار را تمام بکنیم و این ماده را از مجلس بگذرانیم برای اینکه اولاً چند فقره اصلاح پیشنهاد شده است تا بنابر درخواست کمیسیون میبایستی وقتی که یک ماده الحاقیه را پیشنهاد میکنند باید آن ماده را هم که این ماده را میخواهند بآن الحاق بشود متذکر بشوند و در راپورت بنویسند که مبادا یا هم منافاتی داشته باشد از اینجه گمان میکنم بهتر این است که این مطلب بماند برای روز سه شنبه تا اینکه آن ماده هم بنظر آقایان برسد (گفتند صحیح است)

**ذکاء الملک**

بنده همین قدر توضیحاً میخواستم عرض بکنم که عرایض بنده راجع به مخالفت با این قانون نبود بلکه راجع به سوء ظنی بود که از بیانات آقای آقا شیخ حسین نسبت بمذاکره جلسه دیگر بخواهد بگوید بوزارت اوقاف که دخالت در فلان موقوفه که تولیت آن بامن است نکنند این حق را داشته باشد چون تولیت آن با خود سلطان است و تعیین مباشر آن بسته به میل و اختیار او است اما این ماده این مطلب را نمی رساند بلکه این ماده بطور اطلاق همینقدر میگوید که وزارت اوقاف باید اداره بکند این قسم از موقوفات را و وقتیکه بنویسند

**رئیس** - حالا بقیه مذاکره این مطلب بماند برای جلسه بعد تقاضائی شده است از طرف عده از نمایندگان خوانده میشود (ببابت ذیل قرائت شد) ما امضاء کنند آن ذیل تقاضا میکنیم که چون در محاسبات آقای وکیل الرعایا تا حال دو هیئت تقشیش

از طرف مجلس مقدس تعیین شده است و در این باب بصیرت دارد در وقت رسیدگی و تقش (مستروست) بحساب محاربه از آقایانی که در آن دو هیئت بوده اند برای توضیحات بسابقه که دارند چند نفری منتخب شوند و حضور داشته باشند (امضاء بیست و یک نفر از نمایندگان)

**رئیس** - این پیشنهادی است که شده بود و قرائت شد لکن گمان نمیکنم که بتوانیم به آن رأی بگیریم بواسطه اینکه این پیشنهاد چنین میماند و ما میخواهیم یک هیئت را بفرستیم که بروند در کار آن هیئتی که با آنها اعتماد داریم تقش بکنند و این البته با آنها بر میخورد اگر آنها بخواهند اطلاعاتی از آن هیئت تقشیه پارسال پیدا بکنند با آنها نوشته خواهد شد که همچو هیئتی بوده است و تقش کرده است و نوشتجاتی هست تماش را میفرستیم بوزارت مالیه اگر توضیحاتی هم خواستید ممکن است چند نفر از آقایان را برای دادن توضیحات بخواهند (گفتند صحیح است)

**رئیس** - ولی چون تقاضائی است که گذشته است مجبوریم رأی بگیریم آقایانیکه این پیشنهاد را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نکردند)

**حاج آقا**

اگر چه بنده شخصاً متأسفم از اینکه امروز یک مدت زمان را که باید خرج اصلاح امور مملکت بکنیم بترتیب شخصی برداشته میشود ولی از آنجا که همان طور آقای رئیس در اول جلسه فرمودند بر هیئت نمایندگان مجلس شورای ملی و بر تمام مردم لازمست که حفظ شرف مقام و کات را کرده باشند لایم که این تقاضا را امروز از مجلس کرده باشم چندی قبل یک کتابچه در اینجا طبع و منتشر کردند و بتوسط یست شهری یکدانه هم بجهة خود فرستادند و گمان میکنم که برای غالب و کلا هم فرستاده باشند و غالب و کلا هم اگر برایشان فرستاده باشند آن کتابچه را دیده اند و در آن کتابچه چیزهایی نوشته شده بود که اگر چه مضمون آن مکذب خود کتابچه است و همچنین از طرف وزارت امور خارجه و همان شخص کاربرد از که بلاهم تکذیب شده است ولی بنده محض حفظ مقام شرافت نمایندگی برای حفظ شخص خود تقاضا میکنم از مجلس شورای ملی که بامن مساعدت بکنند در اینکه یک کمیونی برای رسیدگی باینکار تشکیل بشود ابتدا اشخاص هم جزو حزب اکثریت نباشند یعنی بنده خودم این تقاضا را میکنم که از اکثریت نباشد بلکه از اشخاص بیطرف انتخاب بشوند که رسیدگی بکنند و ببینند که واقع این مطلب چیست و این بترتیب از کی بوده است و راپورت خودشان را بعد از تحقیقات بمجلس شورای ملی بدهند و باز بنده تکرار میکنم تقاضای خودم و کاندید میکنم به مجلس شورای ملی که از اشخاص بیطرف امضاء این کمیسیون را انتخاب بکنند از قبیل آقای هشتودی آقای خیابانی آقای لسان الجکماء و یک نفر هم از حزب اقل باشند آقای صدرالعلماء و این تقاضا را میکنم که بامن مساعدت بکنند در اینکه این کمیسیون منعقد شود در تحت نظر آقای حاج امام جمعه و آقای مدرس و

تحقیقات خودشان را در این باب بکنند و رأی بدهند من این تقاضا را که امروز میکنم برای این است که بعد از این مقام شرافت و کلاهی مجلس شورای ملی مصون بماند و کسی باغراض نفسانی نتواند بعضی نسبتها بایشان بدهد

**رئیس** - رأی میکنیم در این تقاضای آقای حاج آقا آقایانیکه این پیشنهاد را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام کردند)

**رئیس** - با اکثریت تصویب شد ولی انتخاب کمیسیون میماند برای جلسه بعد حالا رأی میکنیم در کلیه قانون بودجه مجلس آقایانیکه کلاه قانون بودجه مجلس را بطوری که مواد آن از مجلس گذشته است تصویب میکنند و رفیقید و راهنمادانداخت (اوراق رأی اخذ شده و آقای حاج میرزا رضا خان آنها را بنده (۶۲) ورقه سفید شماره نمود)

**رئیس** قانون بودجه تکمیل مجلس شورای ملی به اکثریت (۶۲) رأی تصویب شد و در جلسه قبل راجع برئیس

کمیسیون داخله بعضی عرایضی که کردم که کمیسیون منعقد نمیشود و اغلب رئیس آن غیبت مینماید این عرایض بنده راجع بود بر راپورتی که خودشان داده بودند بعد رسیدگی شد از روی صورت های جلسات کمیسیون معلوم شد که ایشان بیش از دو جلسه غائب نبوده اند و مخصوصاً این عرض را در این جا می کنم که آقایان بدانند که رئیس کمیسیون بیش از دو جلسه غائب نبوده اند و همیشه خدمتانی را که بایشان رجوع شده است انجام داده اند دستور روز سه شنبه ۲۹

بقیه شور دوم در ماده الحاقیه ماده ششم قانون معارف - راپورت کمیسیون اصلاح نظامنامه انتخابات - چهار فقره راپورت کمیسیون تفسیر راجع ب مواد ۶۰ الی ۶۴ نظامنامه داخلی - اصل ۲۶ قانون اساسی و ماده هفتم متمم قانون وظایف ۱۶ نفر از آقایان تقاضا هم کرده اند که جواب تلگراف خراسان جزو دستور روز سه شنبه گذاشته شود در این تقاضای میکنیم آقایانیکه این تقاضا را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

**رئیس** - با اکثریت چهل رأی تصویب شد یادستور بهین ترتیبی که معین شده است مخالفی هست (اظهاری نشد)

**رئیس** - آقا میرزا مرتضی قلیخان راجع بدستور اظهار داشتید

**آقا میرزا مرتضی قلیخان** - بله می خواستم عرض کنم که سه فقره راپورت کمیسیون بودجه هم جزو دستور بود و یکی متعلق بر خساره خانم بود و امروز مذاکره نشد استدعا میکنم که جزو دستور جلسه آتی نوشته شود

**رئیس** - پس دستور را بهین ترتیبی که معین کردیم مشغول میشویم اگر وقت پیدا کردیم در آن هم مذاکره میکنیم

**ارباب کیخسرو** - بنده تخصیص نمیدهم بر خساره خانم ولی عرض میکنم که دوسه فقره دیگر هم بود که چند جلسه از آنها اسم برده شد خوب است که آنها هم جزو دستور بشود که از مجلس بگذرد **رئیس** - چون در این قبیل مطالب مذاکره نمیشود و بیش از دو دقیقه طول نخواهد کشید از

این جهت آنها ممکن است که جزو دستور بشود در جلسه آتی بگذرد ( رئیس حرکت کرد و جلسه مقارن ظهر ختم شد )

**جلسه ۲۶۵ صورت مذاکرات یوم سه شنبه ۲۹ شهری جمادی الثانی ۱۳۲۹**

آقای رئیس مؤتمن الملک سه ساعت و ربع قبل از ظهر بکرسی ریاست جوس نمود و پس از ده دقیقه مجلس منعقد گردید صورت مجلس قبل را آقای آقا میرزا رضاخان نائینی قرائت نمود

غائبین - لسه - بدون اجازه ناصر الاسلام و غائبین با اجازه آقایان - حاج امام جمعه - و معدل الدوله - غائبین از وقت مقرر آقایان متین السلطنه مباحثه السلطنه - طباطبائی - مزر الملک - دهخدا هر کدام بکساعت و نیم آقایان حاج وکیل الرعایا بهجت - آقا میرزا مرتضی قلیخان هر کدام بنساعت آقا سید محمد باقر ادیب ۴۰ دقیقه - آقا عبدالحسین سی و پنج دقیقه

**رئیس** - آقای بهجت در صورت مجلس اظهاری داشتید

**بهجت** - در صورت مجلس مینویسد که بنده این جور سؤال کردم که در خصوص اطراف دزفول که محل تاخت و ناز است راست است که در اطراف و تمام دهات مورد تاخت و ناز شده است لکن سؤال بنده که کتی بود در خصوص بلوک عربی بود که آن ها بالکلیه از میان رفته است

**رئیس** - یک لفظ عربی باید اضافه بشود **لواء الدوله** - در خصوص سؤال بنده که در صورت مجلس چیزی نوشته شده است

**رئیس** - سئوالی کرده بودید چون موقمش گذشته بود از اینجه نوشته نشده است

**لواء الدوله** - بنده عرض کردم که اگر چه وقت این گذشته است ولی چطور شد وجه اقدامی شده است

**رئیس** - دیگر ملاحظاتی نیست اظهاری نشد) **رئیس** - صورت مجلس نا این اصلاحات تصویب شد دستور امروز شوردوم ماده الحاقیه قانون معارف که ماده (۶) الحاق شده است چهار فقره راپورت کمیسیون تقشیه راجع به نظامنامه انتخابات و غیره شروع میکنیم بشور دوم ماده الحاقیه راجع بماده ششم قانون معارف

**آقا شیخ ابراهیم زنجانی** در این باب خیلی مذاکرات شد بنده میخواهم عرض کنم که این یک چیز واضحی است و اینکه در هر ماده لازم نیست اداره کردن موقوفه غیر تولیت است ممکن است متولی کسی دیگر را برای اداره کردن بکارد متولی عبارت از این است که مثل مال خودش نظر در مذاق آن بکند هر کسی را صلاح دید این کار را با او بگذارد و بطوریکه در امور خودش صلاح میدانند مداخله کند متولی هم شخصی نمیشود متولی یک عنرانی پیدا میکند مثلاً هرگاه کسی بگوید من این ملک را وقف کردم و اگر اولاد کور را نسا بعد نسل متولی قرار دادم این عنوان هر قدر موجود هست آن متولی است و کسی که بخواهد دخالت بکند باید مثل آن اکبر اولاد باشد همین طور لفظ سلطان مثل اکبر

اولاد است عنوان پادشاه است آنوقت یک جزئی از بنده این معنی ندارد هر یک از وزارتخانهها کاری بکنند دولت کرده است امروز پادشاه کس است متولی است او رفت پادشاه دیگری آمد او متولی است همچنین هر پادشاهی باید متوار است میگوید وزارت اوقاف اداره بکند خوب البته اداره اوقاف خودش که متولی نیست پادشاه متولی است که باید باذن پادشاه باشد پادشاه و دولت عبارت است از هیئت جامعه کار را تجربه کرده اند هر کاری را که یکی از آن هیئت بکند او کرده است بعد از رضای سلطان ضمیمه بشود چه ضرری خواهد داشت مذ من مینویسم کسی که میخواهد اداره بکند باذن من باشد این اشکالی ندارد

**رئیس** - شما که موافقید

**زنجانی** - بله اما در جزء نائین مخالف متولی که دولت شد البته وزیری که کار بکند هیئت دولت است مثلاً از طرف دولت حکومت معین میشود راجع بوزیر داخله است از طرف دولت پیشکار مالبه معین میشود وزارت مالیه میفرستد البته معلوم است امور دولت تجزیه میشود بین وزراء هر کدام کاری بکنند دولت کرده است اینجه هیئت دولت در هر یک از امور مداخله بکند آن صحیح نیست و دیگر اجازه از دولت لازم ندارد اجازه یعنی چه هر کار را که وزارت اوقاف کرده است دولت کرده است این جزع اولش لازم است جزء دویمش صحیح نیست همینطوریکه آقای حاج سید ابراهیم فرمودند صحیح است که در جزء دوم قید کردن اجازه صحیح نیست

**رئیس** - آقای مدرس موافقید بفرمائید

**آقا سید حسن مدرس** - مذاکراتی که در آن جلسه شد همچنین مذاکرات امروز تمامش بیان المراد است معروف است بیان المراد لاینفع الايراد يك مطلبی است که مرکز اذهان امضاء کمیسیون و مرکز اذهان آقایان هم هست حالا مقصود این هست که یک عبارتی گفته شود که ایراد نداشته باشد واضح باشد و یک مطلب دیگری است که مدتی بود میخواستم عرض بکنم حالا موقمش هست و متعلق بهین هم هست قانون در هر جایی در چیز های مملکتی دو فلسفه دارد اقتصاص ندارد بجائی که مایه مملتی باشد یا نباشد هر قانونی دو فلسفه دارد یک فلسفه متعلق بمایه است و یک فلسفه راجع بترتیب و اداره و وسایل است سایر دول هر قانونی در هر ملاحظه بکنند هم فلسفه راجع بمایه است مواد هم فلسفه متعلق باداری و مواد دیگر در مملکت مافلسفه متعلق بمایه است و قانون و مایه متعلق به فلسفه عادی آن فلسفه است که بواسطه تغییر رسیده است و آن فلسفه که باید بمجلس شورای ملی و مقصود از انعقاد هم همین است همان فلسفه اداری است که باید ایراد کنند یا به تقلید یا بنون خودشان و آن فلسفه مایه است که متعلق باداره کردن مواد امور سیاسی مملکت است اگر آقایان تامل بفرمایند در عرایض و نظر بنده گرچه نظر بدوی است خیلی اتفاق می افتد که خطا بکنند اگر تامل در اینکار بفرمایند بعد محظوراتی که از گذشتن قوانین در دارالشورای ملی پیدا میشود و بتعویق می افتد عده این است

که غالب ما می‌خواهیم در آن فلسفه عمل بکنیم و اگر آن فلسفه را بهمان فلسفه عادی که پارسیده است بحال خود بگذاریم و در فلسفه ثانی بحث کنیم که فلسفه اداری و امور سیاسی باشد قوانین ما مرتباً و منطقی از مجلس میگذرد بدون هیچ منظوری که داشته باشد مسئله بمحسوسها از این قبیل است یک فلسفه دارد متعلق بسایت سواد که تمام بحمدالله معتقدند که متولی وقف مثل مالک ملک است باید اختیارات راجع باو باشد قانونی که در این جا وضع می‌کنیم باید طوری مطابق با آن ترتیبی که غرض واقف بوده است باشد و عمل شود که حقوقش همه اش برسد و حیث و میل نشود ترتیبات سیاسی را باید در این مجلس مقدس بهمین این فلسفه را که مادر آن مناکره کردیم آن متعلق بفسفه ماهیت است که متولی اختیار دارد در آن عین موقوفه و در آن تصرفاتی که برایش قرار داده اند و در تمام این مطلب بنده که نظر کردم موافق میدانم کلام در یک عبارتی است که این مطلب موافق را توضیح بکنند و اما اینکه بعضی از آقایان فرمودند که قانونی که از مجلس گذشته است الحاقی بخواهند باو بکنند تعریفی ندارد قانونی که از مجلس گذشته است البته مضامین است لکن اگر برخوردند ببعضی محظورات چنانچه قانون نمک از مجلس گذشته بود محظوراتی پیش آمد و آن این بود که فلسفه ماهیت را در اداره داخل کرده بودند ملج مال تمام مسلمانان است فلسفه ماهیت این است که تمام مسلمانان نیست به هم علی السواء هستند در فلسفه اداره داخل کردند این بود که راجع نگرش و ممکن هم نبود که تا هزار سال رواج بگیرد و خود مجلس منتقد شد و نسخ نمود حال هم این فلسفه مسئله ماهیت است معنوم است که متولی اوقاف اختیار موقوفه را دارد اختیار نامه کلام در ترتیبات سیاسی و اداری او است لفظی که امروز مناسب این است که دلالت دارد در این مطلب ببینید آن چه لفظی است لفظ مناسب را بگذارید اگر این کافله‌هایی که از اطراف می‌آید بنظر آقایان برسامیم و بخوانیم اسباب تطبیع وقت است که بجهت اجمال در اشکال افتاده اند و الا مراد واضح است و عبارت اشکالی ندارد و اما فرمایشی که آقای شیخ ابراهیم فرمودند فی الجمله صحیح است مدنی سابق بر این اسم دولتی در وقت نامه نبوده است بنده در هر جا دیده‌ام همه اش حکایت سلطان عصر است اگر من بعد از این باین دولتی که الان هیئت مجریه هست اگر رقیق تولیتش را با هیئت دولت قرار دادند احتمال قوی بر این دارد که همین نسی که فرمودند راجع بوزارت اوقاف است لکن سابق بر این این عنوان نبوده است ابتدا این بیانات نبوده این است اصلاح بنده بیکر اختیار با آقایان است

**آقای سید سید حسن اردبیلی** - تقریباً چندین جلسه است که وقت ما مصروف یک مباحثه لفظی میشود بواسطه اینکه بنده می‌بینم که مخالفین این ماده هم از روی یک معنوی مخالفت ندارند در اصل معنی مخالفتی نیست بجهت اینکه قابل مخالفت نیست یک چیزی است که از روی قوانین شرعی ما مجری شده است مسلم است که یک حقیتی که در خارج مقرر است ما نباید در آنجا اختلاف بکنیم فقط اختلافی که هست که این مطلب

میرهن راما فعلاً بواسطه ضمیمه کردن یک قانونی توضیح بکنیم یا آنکه لازم نیست بعضی از آقایان در زمینه موافقت بقدری تندروی میکنند که میگویند اگر این ضمیمه نشود اصلاً قانونیت نخواهد داشت چنانچه در جلسه قبل باندازه جدید کردند و تند رفتند و بقیه هم این اندازه جدید لازم داشت بواسطه اینکه این یک و هفتی است تمام نمایندگان خصوصاً نمایندگان که در این مجلس سمت قضاوت و اجتهاد دارند بواسطه اینکه همه آنها حاضر بودند در این مجلس که این ماده قانونی گذشت علاوه بر این کمیسیون معارف و اوقاف هم سابق که میخواهند راپورت این مسئله را بدهند هم بنظر که آقا فرمودند برای اینکه علماء مجلس را که تشریف داشتند دعوت نمودند هدف بهمان نقطه نظر بالاتفاق باین ماده گذشته شد بود راپورت داده شد و در مجلس هم بعد از دوشور در صورتی که تمام آن علماء حضور داشتند و موافقت داشتند گذشته است حالا اگر بگوئیم این ماده بدون این ضمیمه خلاف باینکه قانونیت نخواهد داشت این دور از انصاف است نظراً بر این است که باید بوضع قانونی یک تفویض حقیقتی قائل شویم و نگه بداریم و در هر دو روزی بواسطه جزئی ملاحظاتی تجدید نظر نکرده باشیم و دست بآن نزنیم که این ترتیب خوبی نیست یک وقت هست که مادر خصوص بودجه در بار ملاحظه اینکه لازم بوده است نظر والا حضرت آقای نایب السلطنه حالیه نیز ضمیمه او بشود یک قانون تصویب شده راپر برای تجدید نظری توقیف بداریم اینجا چه بگوئیم میگوئیم که علمای مجلس امعان نظری نکرده اند بواسطه یک توضیحی اورا تغییر بدهیم این را که نمیتوانیم بگوئیم بواسطه اینکه آقایان علماء تشریف داشتند چه در کمیسیون و چه در مجلس و اینکه نظرات حجج الاسلام را در وضع قوانین دخالت داده‌ایم برای سهولت جریان کار مجلس بوده است و هیچ نظر دیگری نبوده است و قتیکه یک قانونی وضع میشود فرضاً تصور میکنیم که هیچ یک از علماء اعلام در مجلس عضویت نداشته باشند یعنی یک نفر هم معترض در میان آقایان و کلاً نباشد باز تصور نیست که قوانین موضوعه ما مخالفت با شرع داشته باشد بواسطه این که مذاکره در مجلس علنی میشود و در روزنامهها هم درج و منتشر می‌گردد در خارج مجلس علماء اعلام اگر مخالفتی و نظری داشته باشند البته میتواند اختصار کنند و علاوه بر این در صورتیکه مخالفت داشته و از مجلس گذشته باشد آنوقت هم ملاحظه و نظر آقای نایب السلطنه میرسد و باید امضاء کنند تا قانونیت پیدا کند قبل از امضاء مسلماً مقام سلطنت هر تحقیق و تطبیقی که لازم باشد از علماء و مجتهدین خواهند کرد وقتی که مسلم شد که با موازین شرعیه مخالفت ندارد امضاء میشود و قانونیت پیدا میکند پس در صورتیکه هیچ عضو فقهی در مجلس نداشته باشیم باز از ما ائمت با شرع مطمئن خواهیم بود و حال آنکه اکثر اهل مجلس گذشته از اینکه اطلاعات کامله فقهیه دارند اغلب سمت اجتهاد هم دارند با وجود این باز میگوئیم که یک چند نفری هم از حضرات حجج الاسلام که

رسمیت مخصوصی دارند باید باشند که اگر خدای نکرده قانونی بخلاف شرع بخواهد بگذرد و آنها تشریف داشته باشند و فوری جلوگیری شود اگر چه در مجلس اسلامی قانونی که بگذرد متصور نمیشود که برخلاف باشد آنگاه که اصل دوم قانون اساسی را وضع کرده‌اند نظرشان بر این بوده است که شاید قانونی که میگذرد و یک اشکالی داشته باشد تجدید نظر در خارج اسباب تأخیر میشود و ممکن است بعضی نکات سهواً فروگذار شده باشد پس خوب است که آن آقایان در مجلس حاضر باشند در موردی که قانون میگذرد مخصوصاً نظر داشته باشند که قانونی بخلاف شرع نگذرد و الا همه میدانیم که این یک چیزی است که در سایر ممالک دنیا اینطور نیست مشروطیت را که ما از سایر جاها اخذ کرده‌ایم هیچ جا این مسئله نبوده است که ما قرار داده‌ایم البته سایرین هم شرایع و ادیانیه که دارند میخواهند قوانین خودشان را با قوانین مذهبی تطبیق داده باشند پس چگونه میشود که هیئت مخصوصی از روحانیین خود را برای این تطبیق اختصاص نداده اند حالا در سایر دول شاید شرایع و ادیانشان طوری است که برای قوانین شان لازم یا صلاح میدانند که روحانیین را در آن دخالت بدهند ولی مملکت اسلامی عثمانی را می‌بینیم که هیچ همچو ترتیبی نیست که یکمده از حجج اسلام برای تطبیق قوانین در پارلمان تشریف داشته باشند ولی این مسئله را مقنن بهین ملاحظه در قانون اساسی ایران گذاشته است که عده از علماء اعلام در دارالشوراء تشریف داشته باشند در موردی که قانون می‌گذرد و نظریات خودشان را فوراً در آن جا اظهار بدارند اگر مخالفتی داشته باشند موازنه نکنند و مطابق بدهند با قوانین شرع معطره که اسباب سهولت جریان کار باشد پس اگر امروز بایم این ضمیمه را به ماده ششم معارف اضافه بکنیم بخلاف روح آن قانون رفتار میکنیم زیرا آقایان که در کمیسیون هم دعوت شده‌اند تجدید نظر هم کرده‌اند شور و مباحثات زیادی در آن شده است از مجلس گذشته است و بتصدیق و امضای والا حضرت آقای نایب السلطنه رسیده است در تمام این موارد تشریف داشته‌اند اگر یک چیزی مخالفت نداشته است با روح قوانین اسلامی مسلم است نمیتوانستند قبول بکنند و در میکردند پس مخالفتی نداشته است با موازین شرع بلکه همان طوری که بعضیها یعنی موافقین این ماده الحاقیه میگویند فقط حالا توضیح واضح میشود پس اینرا بفرمایند که اگر این توضیح نشود قانون لغو است و قانونیت ندارد باینکه سوء اثر میکند عقیده بنده اینست که اعم از اینکه این چیز را باین ماده بیفزاییم یا بیفزاییم یک حققت واضح برهن زوشنی است و بموجب بیانات و قوانین اسلامی ما که در خارج مجری شده است در جای خودش ثابت و مقرر است البته مادامیکه اجازه دادن سلطان عصر بوزارت اوقاف مخالف باقرض واقف باشد مسلم است که نمیتواند اجازه بدهد پس اضافه کردن این الحاقیه مثل اینست که ما بگوئیم تصرف کردن در رخت و لباس متصرفی

یک شخص مادامیکه رضایت او نباشد جایز نیست مسلماً این در جای خودش ثابت است توضیح لازم ندارد و آنهم چه توضیحی که قانون را متزلزل میکند و گمان میکند که قانون را از وفر میاندازد باین ملاحظه بنده این را تصویب نمیکنم و قبول نمیکنم و اساساً اگر بیک نظر دقتی بمسئله تولیت سلطان عصر بپردازیم و روح این مسئله را ملاحظه کنیم خواهیم دید که این فرق میکند مابین سلاطین عصر قدیم و حاضر آن اشخاصیکه تولیت را راجع میکنند به سلاطین عصر بچه ملاحظه است فقط از این نقطه نظر است که شاید بواسطه تغییر اعصار و قرون اشخاص قوی پیدا شوند و آن موقوفات را از میان ببرند آمده‌اند قویترین شخص را که در یک مملکت متصور است تولیت را باو راجع کرده‌اند که از هر تفرض و تغییر و تبدیلی مصون باشد و سلطان عصر عبارت از فلان اوصاف و اسامی و اشکال معین نبوده است سلطنت نوعی بوده است پس در واقع آن اوقاتیکه راجع بوده است اعلیحضرت سلطان احمد شاه و یا سلاطین ماضیه به شخص او راجع نبوده است و اگر او رفت تولیت او هم بباکیر اولاد او برسد این راجع به وصف است یعنی سلطنت از حیث حامل بودن اوصاف و اعتبارات سلطنتی پس اگر این نقطه نظر را بگیریم آنوقت باید دقت بکنیم در اوقافی که تولیت او راجع به شخص سلطان باشد در صورتیکه سلطنت او سلطنت مشروطه باشد چون در سلطنت مشروطه شخص سلطان از تمام افعال و اعبالی که مستلزم مسئولیت است میراست و یک مقام مقدس را اتخاذ کرده است پس باین ملاحظه باید بگوئیم آن کسانی که حامل اوصاف سلطنتی و دارای پروازات و افعال سلطنتی هستند همان ها باید متصدی وقف هم بشوند برای اینکه شخص که من حیثه و شخص متصدی اشکار نخواهد شد بلکه واقف این وقف را راجع بیک شخصی کرده است که اوصاف و اعمال و ظهورات سلطنتی را دارا باشد و امروز اعمال و ظهورات سلطنتی تجزیه میشود باین هیئتی که حامل اعمال و افعال و پروازات سلطنتی هستند یعنی وزراء و ادارات دولتی پس آن شخص هم که این مسئله را یکروزی راجع کرده است بشخص سلطان اگر از خود او سؤال کنند که حالا نظر شما چیست حالا شما تولیت را راجع بکی میدانید بشخص سلطان یا اینکه دولتی و هیئتی که امروز مظهر اعمال و افعال سلطنتی هستند البته خواهد گفت بآن هیئت دولت بدلت اینکه خودش هم خیال خواهد کرد که شخص سلطان متصدی کاری نیست باید آن هیئتی که اداره کننده افعال سلطنتی هستند و منشاء تمام اقتدارات سلطنتی هستند متصدی آن کار باشند پس حقیقت سلطنت مشروطه را وقتی بخواهیم بدانیم که تولیت بکی راجع میشود باز راجع خواهد شد بوزراء این قانون هم تقریباً یک همچو حقیقتی را اینجا توضیح کرده است که در مملکت مشروطه اوقافی که متولی او شخص سلطان است باید از طرف وزارت اوقاف اداره بشود و حقیقتاً غیر از این نخواهد بود پس باین ملاحظات اولاً از این عرض ولانی خود معذرت میخواهم و ثانیاً لازم میدانم که این توضیح

اینجا بشود و گمان میکنم نظریات آقای مغیر هم که توضیحات دادند و باز هم توضیح بفرمایند همین بوده است .

**ذکاء الملک** - بنده در جلسه گذشته توضیح دادم که وقتیکه این ماده در کمیسیون نوشته شد و از مجلس هم گذشت مسلماً هم اعضاء کمیسیون هم نمایندگان محترم مجلس همین ترتیباً که اظهار می شود داشته اند و بعضی از اعضاء کمیسیون که از جمله آن‌ها شاید خود بنده بودم این مطلب را به درجه واضح میدانستند که هیچ ذهنشان بجای دیگر نرفته بود لهذا هم بنظر آمده به مجلس و از مجلس گذشت و رأی بآن داده شد و آقایان مجلس هم بهیچوجه متوجه نشدند باینکه چنین احتمال هم می‌رود ولیکن حالا این احتمال رفته است البته خوب بود که نیت مجلس مردم مشتبه نشده و چنین احتمالی داده نمیشد و حتی اگر اظهار هم میشد خوب بود جواب داده شود که مسلم و واضح است که ممکن نیست برخلاف نیت واقف مجلس رأی بدهد که بدون اجازه متولی خاص وزارت اوقاف در موقوفات آنها دخالت بکند ولی حالا چون این سوء تفاهم شده است و ما هم موافق بوده‌ایم یعنی نیت ما همین بوده است که باید با اجازه متولی باشد دیگر بقیه بنده این مذاکرات لازم نیست و همین اندازه مذاکراتی که شد آن مقصود را میفهماند و حالا ما میتوانیم این را در واقع یک نوع تفسیری فرض بکنیم و البته مجلس شورای ملی میتواند حق دارد که قوانین را تفسیر بکند و این ماده الحاقیه هم تفسیری است از آن ماده که سابقاً از مجلس گذشته است و یک قانون علیحده نیست که ما بخواهیم وضع بکنیم بنابر این تصور میکنم که دیگر کفایت میکند و زیاد برای مذاکرات لازم نداشته باشد .

**رئیس** - آقایان مذاکرات را کافی میدانند (گفتند کافی است)

**رئیس** - بدو فرقه اول از آقای حاج سید ابراهیم و آقای افتخار الواعظین رسیده است هر دو قرائت میشود (پس ترتیب ذیل قرائت شد)

**از طرف آقای حاج سید ابراهیم**

بنده پیشنهاد میکنم که این ماده الحاقیه تجزیه و در هر یک علیحده رأی گرفته شود فقره اول اداره کردن اوقافی که مستقیماً راجع بشخص سلطان است فقره دوم اوقافی که تولیت آنها راجع بسلطان است .

**۲ - از طرف آقای افتخار الواعظین**

بنده پیشنهاد میکنم که یک لفظ (طوعاً) بر ماده ششم قانون معارف افزوده شود کافی خواهد بود .

**ذکاء الملک** - این پیشنهادی را که آقای افتخار الواعظین کرده اند گمان نمیکنم بتوانیم در آن رأی بگیریم بجهت اینکه قانون که از مجلس گذشته رأی داده شده و قانونیت پیدا کرده است دیگر نمیشود در عبارات آن تصرفی کرد و بهمین نظر بود که وقتی این مطلب در کمیسیون مطرح شد فکری که کردیم از برای اینکه رفع این ابهام را بکنیم این بود که یک ماده الحاقیه اضافه بکنیم والا قانونی که از مجلس گذشته و رأی بآن داده شده دیگر نمیشود برای آن اصلاح عبارتی پیشنهاد کرد

یا چیزی بر آن افزود علاوه بر این لفظی را که پیشنهاد کرده اند که اضافه بشود از سیاق عبارت آن قانون خارج است و نمی‌توانیم در آن رأی بگیریم .

**افتخار الواعظین** - فرمایشات آقای مغیر بنده را قانع کرد و پیشنهاد خودم راس میگیرم .

**رئیس** - بسیار خوب پیشنهاد شما (خطاب بآقای حاج سید ابراهیم) هم در واقع پیشنهاد نیست در موقع رأی گرفتن ماده را تجزیه میکنم .

**حاج سید ابراهیم** - بله صحیح است .

**رئیس** - قسمت اول ماده الحاقیه خوانده میشود و رأی میگیریم (بعبارت ذیل قرائت شد) اداره کردن وزارت معارف و اوقاف موقوفات را که تولیت آنها مستقیماً راجع بشخص سلطان عصر است با اجازه سلطان عصر خواهد بود .

**رئیس** - رأی میگیریم باین قسمت اول که خوانده شد آقایان اینکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند .)

**رئیس** - با کثرت (۳۸) رأی تصویب شد حالا قسمت دوم بطوریکه آقای حاج سید ابراهیم پیشنهاد کرده‌اند خوانده میشود (بعبارت ذیل خوانده شد) اداره کردن وزارت معارف و اوقاف موقوفاتی را که تولیت آن با دولت است با اجازه دولت خواهد بود .

**حاج سید ابراهیم** - عرض میکنم که در این ماده که از طرف کمیسیون پیشنهاد شده است نوشته شده است که اداره کردن وزارت معارف و اوقاف موقوفاتی را که تولیت آنها مستقیماً راجع بشخص سلطان عصر یا دولت است و دولت خیالش واضح است که مراد وزراء و کارکنان دولت است و البته اوقاف که تولیت آنها با دولت است اداره کردن آن ها با وزارت اوقاف است دیگر اجازه گرفتن لازم ندارد از این جهت بود که بنده پیشنهاد کرده‌ام که تجزیه بشود و نوشته شود که در صورت اول محتاج با اجازه سلطان عصر است ولی در قسمت ثانی بنده عقیده ندارم که نوشته شود اجازه گرفتن لازم است و هیچ اشکالی ندارد بجهت بیانی که کردم و اگر باز هم لازم باشد حاضر عرض بکنم که بوقوفاتی که متولی او دولت است آن را باید وزارت اوقاف اداره بکنند و اجازه هم لازم ندارد از این جهت پیشنهاد کرده‌ام و بدو فقره تفکیک بشود معنی این است و نشر را بنده برداشته‌ام دو فقره تجزیه کرده‌ام که فقط در مواردی که تولیت با سلطان عصر است اجازه او لازم باشد و هیچ محل اشکالی هم نیست و قسمت دوم راجع بنده محتاج الیه نمایانم از این جهت لازم نمایانم بیات اخیری این ماده الحاقیه دو قسمت دارد یک قسمت آن را محتاج الیه بود که رأی گرفتیم و گذشت ولی قسمت دوم را بنده چون غیر محتاج الیه میدانم بیفایده میدانم که رأی در آن گرفته شود .

**رئیس** - تفاوت نمیکند شما قسمت دوم را زائد میدانید یعنی میگوئید که باید حذف بشود ولی رأی بحذف که نمیشود گرفت قسمت دوم را بخواهیم و رأی میگیریم منتها آنها که معتقد بحذف هستند

رای نخواهند داد حالا مجدداً قسمت دوم خوانده میشود و در آن رای میگیریم .  
( مجدداً قسمت دوم قرائت شد )  
**رئیس** - رای میگیریم باین قسمت دوم - قیام نمودند )  
**رئیس** - رد شد - حالا دوباره باید رای بگیریم در آن قسمتی که رای گرفته ایم ( مجدداً قسمت اول قرائت شد )  
**رئیس** - رای میگیریم در این قسمتی که خوانده شد - آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند )  
**رئیس** - با اکثریت ( ۴۳ ) رای تصویب شد  
**حاج امام جمعه** - در راپورت جزء سیمی هم داشت من هیچ ندیدم که يك ماده را این طور رای بگیرد .  
**رئیس** - جزء سیمش کدام است .  
**ذکاءالملک** - راپورت کمیسیون همان است که نوشته شده و تقدیم شده است .  
**رئیس** - ماده راپورت کمیسیون قرائت میشود ( عبارت ذیل قرائت شد )  
ماده الحاقیه منطبق بر ماده ششم قانون معارف و اوقاف - اداره کردن وزارت معارف و اوقاف موقوفاتی را که تولیت آنها مستقیماً راجع بشخص سلطان عصریادوات است باجز سه سلطان در اول و دولت در ثانی خواهد بود و این در مواردی است که اجازه سلطان عصر یا دولت بوزارت اوقاف - منافی غرض واقف نباشد .  
**حاج سید ابراهیم** - اجازه بدهید ماده عرض دارم که لازم است عرض کنم .  
**رئیس** - چیزیکه گذشته است دیگر چه اجازه بدهم قبل از وقت باید این فکر را کرده باشید که دیگر بعد از گذشتن اجازه نخواهد راپورت کمیسیون تفسیر راجع ماده ( ۸۵ ) نظامنامه داخلی قرائت میشود ( عبارت ذیل قرائت شد )  
بنا بر تقاضای آقای رئیس از کمیسیون تفسیر سؤال شده بود که در ماده ( ۸۵ ) نظامنامه داخلی که راجع باخذ رای عینی یا اوراق است مضافه معلوم شود که آیا فقره دوم و سیم ماده مزبور اخذ رای باو راق در هر يك از مواد لوایح قانونی الزامی کند یا نه کمیسیون تفسیر چنین رای میدهد که هر چند تاکنون در مجلس عمل بر این بوده که در هر يك از مواد لوایح قانونی مذکور و فقره دوم و سیم ماده ( ۸۵ ) با اوراق اخذ رای شود لکن ماده مزبور این ترتیب حتمیت نداشته و رای با اوراق در موقع اخذ رای کلی لوایح مزبور کفایت میکند .  
**رئیس** - ماده ( ۸۵ ) نظامنامه داخلی هم قرائت میشود .  
( عبارت ذیل قرائت شد )  
ماده ( ۸۵ ) در موارد ذیل اخذ رای عینی یا اوراق حتمی است .  
اولاً بعد از اینکه دو دفعه بواسطه قیام نمود نتیجه مشکوک باشد - ثانیاً در تمام لوایح قانونی که تقاضای اجازه مخارج مینماید - ثالثاً در لوایح قانونی که مالیات یا عوارض بر قرار میکنند و

یا مالیات و عوارضیکه سابقاً برقرار بوده است تغییر میدهند .  
**رئیس** - در این باب مخالفی نیست ؟  
**حاج عزالمالک** - اینجا کمیسیون تصریح کرده است که در لوایح قانونی یعنی لوایحی که راجع به برقرار نمودن مالیات یا عوارض یا تغییر آنها است فقط رای کلی آن باید با ورقه گرفته شود و این برخلاف سابقه است که در مجلس بوده و بآن عمل شده است و بنده این را مخالف هستم بجهت اینکه لوایح قانونی که از مجلس میگذرد در ماده آن یک ترتیب و تکلیف علیحدده در دو مورد است در يك ماده آن انسان مخالف باشد ولی در ماده دیگر آن موافق باشد و در هر دو مورد در قانون تفرقه نگارنی و سایر قوانین نظیر این خبی نیده ام چون کافیه اینهمه که فقط در کلبه آن یک رای عینی با اوراق گرفته شود آنوقت آن مقصودی را که از مقصودت با بعضی از مواد آنها داریم حاصل میشود از این جهت تصور میکنم که در هر ماده که تصویب حتمی میشود باید که عینی تصویب و بر ملت بعمل میشود باید با اوراق رای گرفت والا این که رای در مواردی بقیه تصور بگیریم و رای کلی را با اوراق تصور نمی کنیم که آن مقصودی که در نظر است از آن حاصل بشود .  
**ذکاءالملک** - اینجا در نظر است یکی این است که نظامنامه در این خصوص چه می گوید و یکی این است که چه ترتیبی خوب است باشد اما آنچه در نظامنامه است بطوریکه ملاحظه میفرمائید این عبارت هیچ نرساند که باید در تمام مواد یکی یکی با اوراق رای گرفت بلکه میتوان گفت که دلالتش بر عکس این ترتیب بیشتر است و اما در خصوص اینکه آیا اصلاح در این است که در تمام مواد با اوراق رای بگیریم یا چنانکه اینجا میفرماید فقط رای آخری یعنی رای کلی را با اوراق بگیریم همین موردی که فرمودند ممکن است که در بعضی از مواد يك لایحه کسی مخالف باشد و در بعضی موافق ولی این چندان قانونی نمی کنند در اینکه رای بقیه و قیام گرفته شود یا با اوراق بجهت اینکه آن کسیکه با یک ماده مخالف است در صورت مخالفت خودش را اظهار می کند و رای با اوراق فقط این تفاوت را دارد که بعد معلوم خواهد شد کمی موافق بوده است و کمی مخالف و این هم يك مصدق است که البته شاید بعضی از نمایندگان میل داشته باشند این قسم رفتار شود به از قاضی ممکن است وقتی که در يك ماده بنده مخالف هستم و رای گرفته میشود میل داشته باشم مردم بدانند که من مخالف بودم ولی چون در این موارد يك راهی برای این کار باز است که در جای دیگر نظامنامه داخلی ذکر شده است که نمایندگان حق دارند در هر موقع تقاضای رای عینی با اوراق نمایند تا معلوم باشد موافق کیست و مخالف کدام است و چون رای گرفتن با اوراق در تمام مواد خیلی اسباب تعویق جریان امور در مجلس میشود چرا که اگر يك لایحه بیاید بمجلس کمیست یا سی ماده داشته باشد خیلی پیش از این هم ممکن است و بنا باشد که در هر کدام از آنها رای با اوراق گرفته شود يك مدت خیلی گزافی از مجلس صرف خواهد شد و چندان فایده هم ندارد و نظامنامه داخلی ما هم که تصریح نمیکند که در هر يك از

مواد باید با اوراق رای گرفته شود از این جهت کمیسیون ملاحظه نمود و این قسم رای داد که فقط رای کلی با اوراق گرفته شود چنانکه عبارت نظامنامه داخلی هم ظهور در همین مقصود دارد و ضرورتی ندارد که ما يك قسمی بکنیم که اسباب این بشود که وقت مجلس را تلف بکنیم و فایده چندان نداشته باشد و بر فرض که در بعضی موارد فایده داشته باشد بطوری که عرض کردم راهش باز است میتوان تقاضا کرد که با اوراق رای گرفته شود .  
**حاج شیخ اسدالله** - همین قسمی که مذاکره شد این ماده از نظام نامه داخلی حتمی میکند که در مواردی که در دو فقره اخیر این ماده ذکر شده است با اوراق رای بگیریم بسااست که در يك لایحه قانونی در ضمن چند ماده مخارج مختلفه تقاضا شده است که بعضی از نمایندگان تصویب میکنند و بعضی وارد میکنند همین طوریکه فرمودند اگر چه نظامنامه داخلی اختیار داده است بنمایندگان که در هر ماده و در هر موقعی که بخواهند تقاضای رای با اوراق را بکنند و آنچه اعم است از این که آن لایحه قانونی راجع بتصویب مخارج یا وضع مالیاتی باشد یا راجع بقانون دیگری و لایحه این يك امر خارجی است که ابتدا ربطی باین ماده ندارد و يك اختیاری است نظامنامه داخلی بنمایندگان داده است و این ماده بنظر بنده بهتر میباشد که همین طور بحال خودش باقی باشد برای اینکه در هر ماده بسیار اتفاق می افتد که اختلاف نظر برای نمایندگان حاصل می شود و باید اختلاف نظر آنها بعد از گذشتن آن ماده هم معلوم باشد از این جهت بنده تصور میکنم که بطوریکه سابقه هم دارد در هر ماده باید رای عینی با اوراق گرفته شود و ابتدا نباید محتاج باین باشد که در هر ماده يك نماینده بجهت نظر شخص خود مجبور باشد تقاضای رای عینی با اوراق نماید و بنده به همان کیفیت که در سابق بوده است بهتر تصویب میکنم و این پیشنهادی را که کمیسیون کرده است که فقط رای کلی با اوراق باشد و در مواد بقیام و قیام رای گرفته شود رد میکنم  
**حاج سید ابراهیم** - بنده گمان میکنم که معاد این ماده از نظامنامه داخلی هم همین است که فقط در يك لایحه رای با اوراق گرفته شود بجهت اینکه میگویند در تمام لوایح نوشته است که در تمام فقرات لوایح و این مثل این است که بگوئیم حق طبع کتاب محفوظ است برای صاحبش معنی این نیست که حق طبع تمام صفحاتش هم محفوظ است پس در صورتی که این طور نیست بلکه مقصود این است که حق طبع مجموع این کتاب محفوظ است و این مثل هم از همان قبیل است رای با اوراق در تمام لوایح یعنی هر لایحه که بمجلس میآید در کلبه آن باید يك رای عینی با اوراق گرفته شود حالا اگر بیشتر يك نظری برخلاف این عمل شده است ربطی بمقصود این ماده ندارد و از این گذشته اگر ملاحظه کنیم برای وقت مجلس هم میبینیم که این ترتیب بهتر است برای اینکه بقیام و قیام و قیام رای گرفته شود و در تمام مطالب از مجلس میگذرد و معطل نمیشود و مستفاد این ماده هم همین دلالت را دارد که فقط يك رای با

اوراق باید در کلبه لایحه گرفت و این عبارت هیچ دلیل بر این نیست که در هر يك از مواد هم باید رای با اوراق گرفته شود .  
**رئیس** - چون دو شور باید درین بشود گمان میکنم که برای شورا اول همین قسم مذاکره کافی باشد ( گفتند صحیح است ) .  
**رئیس** - راپورت دیگر کمیسیون تفسیر قرائت میشود .  
( عبارت ذیل قرائت شد )  
بنا بر تقاضای آقای رئیس کمیسیون تفسیر در مواد ( ۶۰ ) یا ( ۶۴ ) نظامنامه داخلی راجع به اصلاحاتی که از طرف نمایندگان در طرحها و لوایح قانونی پیشنهاد میشود وقت نظر نموده اینطور رای میدهد که رعایت سهولت و سرعت جریان امور و استفاده از نظر نمایندگان چنین اقتضا میکند که قبل از شور دوم لوایح قانونی آنچه اصلاحات از طرف نمایندگان پیشنهاد میشود بدون قابل توجه شدن بکمیسیون رجوع شود تا کمیسیون در آن ها اعمال نظر نموده اتخاذ رای نمایند ولی در شور دوم هر گاه اصلاحی پیشنهاد شود ارجاع آن به کمیسیون موقوف بتقاضای مخیر یا قابل توجه شدن در مجلس باشد علیهذا رای کمیسیون تفسیر بر این است که جمله اخیر ماده ( ۶۰ ) که میگوید ( اصلاحاتی که از طرف نماینده پیشنهاد میشود مانند طرح قانونی قبل از وقت باید قابل توجه شود ) و لفظ ( اول ) در ماده ( ۶۲ ) حذف شود .  
**رئیس** - ماده ( ۶۰ ) و ( ۶۲ ) نظامنامه داخلی هر دو قرائت میشود .  
( بترتیب ذیل قرائت شد )  
ماده ( ۶۰ ) اصلاحاتی که از طرف يك یا چند نفر از نمایندگان پیشنهاد میشود ماده قانون یا فصل بودجه را که اصلاح راجع بان است باید تصریح نمایند .  
اصلاحات مزبوره نوشته شده ترتیبی داده میشود و رئیس آسرا بکمیسیون مربوط بان میفرستد اصلاحاتی که پس از توضیح و تشریح تأیید و مذاکره میشود مجلس درباره آن شور خواهد کرد .  
اصلاحاتی که از طرف نماینده پیشنهاد میشود مانند طرح قانونی قبل از وقت باید قابل توجه بشود ماده ( ۶۲ ) اصلاحاتی که در ضمن مباحثات شور اول و ثانی پیشنهاد میشود در صورتیکه مخیر کمیسیون مربوط بان تقاضا نماید باید رجوع بکمیسیون شود  
**حاج وکیل الرعایا** - نظر کمیسیون در موضوع این پیشنهاد بر این بوده است که بگذردی وقت مجلس کمتر صرف شود و بنده گمان میکنم که چون وقتیکه در مجلس پیشنهادی میشود اگر رای بقابل توجه بودنش گرفته شود اذهان حاضران است و مذاکرات بعمل آمده است و فوری رد میشود یا اگر قابل قبول است قبول میشود تصور میکنم که وقت مجلس کمتر از این راه صرف بشود تا اینکه اینها را بفرستیم بکمیسیون و بعد که از کمیسیون برگشت آنوقت قبول یا رد بشود برای اینکه آن وقت در هر صورت باید معلوم بشود چرا که آن پیشنهاد بتخلیل نمیرود در هر حال باید بمجلس بیاید و تکلیف آن معلوم بشود و در این صورت مرتبه دوم که آن پیشنهاد به مجلس آمد آن مذاکراتی که

در جلسه اول در موضوع آن بعمل آمده است گفته شده است از این جهت شروع میشود بتجدید مذاکرات تا اینکه اذهان متذکر و مسبوق شود و رای گرفته شود با بنواسطه اگر اینها را اما همین طور بدون تفسیر نگاه بداریم وقت مجلس را کمتر صرف کرده ایم تا آن چیز را که امروز تصور نمیکنم بهتر است این عقیده بنده است تا دیگران چه رای بدهند .  
**ذکاءالملک** - اینجا در این تفسیری که کرده ایم با دو فایده را بنظر آورده ایم یکی همان است که آقای حاج وکیل الرعایا فرمودند که وقت مجلس کمتر تلف میشود و یکی هم این است که بیشتر از نظر نمایندگان استفاده میشود بنده با بنمینی که در شور اول وقتیکه آقایان نمایندگان اصلاحات پیشنهاد میکنند در مجلس مذاکرات زیادی میشود بجهت اینکه فی المجلس يك پیشنهادی شده است از اذهان هیچوجه مسبوق نیست و مثل خود لایحه سابقاً ضمیمه توزیع شده است و قبل از وقت مطالباتی نگذرد اند و در صورتیکه سابقه نداشته اند شاید درست بنظر نآید به پیشنهاد و يك مدتی وقت مجلس برای مذاکره در آن تلف بشود و بالاخره بسااست که بواسطه معقد بودن آن پیشنهاد و بواسطه خفی بودن مصائب آن پیشنهاد رد بشود و وقتی هم که این ترتیب رد دیگر دو مرتبه نمیشود در آن مذاکره کرد و رای گرفت در صورتیکه ممکن است مطلب آن يك مطلب صحیحی باشد از این جهت بود که ما گفتم چون این پیشنهادها غالباً همین طوریکه می بینیم بدون مطالعه است مثل اینکه در بین شور يك چیزی بنظر بنده میرسد و يك پیشنهادی میکنم و يك مدتی وقت مجلس صرف مذاکرات آن میشود و بعد هم رای میگیریم با قابل توجه نمی شود یا اینکه قابل توجه میشود و برود بکمیسیون و در آنجا می بینیم که این خیلی معایب دارد و از این جهت يك مدتی از وقت کمیسیون هم صرف این پیشنهاد میشود بالاخره رد میشود و در شور دوم هم بواسطه اینکه صاحب پیشنهاد اظهار می کند و پیشنهاد من قابل توجه شده بود چرا کمیسیون آنرا منظور نداشت و اصرار میکند و دوم مرتبه آنرا مطرح مذاکره قرار بدهید از اینجهت گفتم چنانچه در شور اول مطلقاً پیشنهاد را رئیس بفرستد بکمیسیون برای اینکه در هر حال کمیسیون باید در این شور اول و دوم يك مطالعه و تجدید نظری در قانون بگذرد آن موقع در این پیشنهاد هائی هم که شده است ملاحظاتی خود را می نمایم و البته هر قدر هم که بیشتر پیشنهاد شده باشد بهتر است برای آنکه انتظار زیاد تر ظاهر شده و کمیسیون ملتفت میشود و اطراف همه را مستجد و يك رائی اتخاذ میکند و راپورت صحیح میدهد و در شور ثانی که پیشنهادی میشود البته اذهان آن وقت حاضران است و بیشتر مطالب را مطالعه کرده اند و انتظارش را ستجیده اند و شاید بکمیسیون رفته اند و کمیسیون را بدلیلی که دارند متقاعد کرده اند و در آن وقت مجلس بهتر رای خواهد داد ماده که پیشنهاد شده قابل توجه است یا نیست و از آن طرف هم باز آن راه ها برای ما باز است که اگر مخیر کمیسیون دید که يك پیشنهادی دارد از مجلس میگذرد و صحیح نیست تقاضا میکنند که برگردد بکمیسیون تا اینکه دوباره در آن تجدید نظر بشود

یا اگر خود پیشنهاد را قابل توجه دست قبول میکند پس از اینکه ما در شور اول رای نگیریم در پیشنهاد زبانی نمیکنیم بلکه در خیلی از موارد منع میبریم .  
**حاج شیخ علی** - این تفسیری که شده است بنده در اول خیلی موافق بودم برای اینکه بگذردی وقت مجلس را کمتر تلف خواهد کرد اما کمیسیون تفسیر يك ماده نظامنامه داخلی را از نظر انماخته است و باین واسطه آن محظور بر آنکه در نظر داشته اند و این پیشنهاد را کرده اند آن محظور رفع نخواهد شد و باین واسطه بنده ماده ( ۵۸ ) را میخوانم که اگر صلاح بداند باز رجوع شود بکمیسیون که این ماده را در نظر بگیرند و يك ماده پیشنهاد بکنند که رفع این محظور را بکنند ماده ( ۵۸ ) در آخرش مینویسد که ( اگر در باب مباحثات ماده بنده رای داده نشد رئیس در لایحه را اعلام میکند و اگر مباحثات ماده بنده قبول شد شروع بمباحثات شده در باب هر يك از مواد و اصلاحات راجعه مذاکرات بعمل میآید پس از آن در خصوص هر يك از مواد لایحه و اصلاحات راجعه رای گرفته میشود ) اینجا باز هم اشکال رفع نمیشود بجهت این که فرض میکنیم که در شور اول رای نگرفتیم و همینطور رجوع شد بکمیسیون در این صورت باز این ماده حکم میدهد که باید در مواد و اصلاحات راجعه رای گرفته شود و آن وقت این محظور را که ما میخوانیم رفع بکنیم رفع نخواهد شد و اگر این عبارتی که در این ماده است راجع باین اصلاحات نیست که خوب است در این ماده هم يك تجدید نظری بشود و اگر مطلق اصلاحات است اعم از آن که در شور اول پیشنهاد شده باشد یا در شور ثانی آن وقت این محظور رفع نخواهد شد لهذا بنده مخالفم در اینکه در این پیشنهاد تفسیری که شده است رای گرفته شود و عرض میکنم که بگذارید بتجدید نظری در آن بشود .  
**رئیس** - حالا رای نخواهیم گرفت برای اینکه این شور اول است .  
**ذکاءالملک** - اولاً همین طوری که فرمودند حالا رای نخواهیم گرفت و این شور اول است و ثانیاً عرض میکنم که این تفسیر نیست که ما میکنیم و کمیسیون تفسیر بعنوان تفسیر این راپورت را نمیدهد بلکه آقای رئیس مناسب دانستند که این مواد بکمیسیون تفسیر رجوع شود از برای این که يك تجدید نظری در آن بشود بعنوان تفسیر اگر میبود شکل دیگری میباشد راپورت داده شود علاوه بر این عرض میکنم این منافاتی ندارد با آن ترتیبی که بمفرده نوشته شده است و دو شور ثانی در باره اصلاحات رای گرفته میشود بجهت اینکه در شور ثانی که در خصوص مواد رای قطعی گرفته میشود اگر قابل توجه نشد که هیچ ، اگر قابل توجه شد بکمیسیون میروود این باب مذاکرات میشود و در ثانی بمجلس میآید و در آن رای میگیرند .  
**حاجی وکیل الرعایا** - مقصود از نتیجه که از این پیشنهاد میخوانیم بگیریم منحصر است

باین که قدری وقت مجلس کمتر صرف بشود و من با دلائلی که دارم میتوانم ثابت بکنم که این ترتیب زیادتر وقت را تلف میکند بجهت اینکه آیینشهاد با اصلاح تقدیم کننده او چگونه دست بر میدارد از حق خودش و در صورتیکه پیشنهاد او بیکه بیرون رفت ورد شد باز در شور ثانی او بر میخیزد و میگوید که من فلان پیشنهاد را کرده بودم چه شد که اصلاح مرا راپورت نماده اند و آنوقت مذاکره آن در جلسه اول سبب شده است از برای این که آن پیشنهاد شده است تجدید میشود و وقتیکه آن مذاکرات را تجدید کردیم خواهیم دید که وقت خودمان را از دست داده ایم و حال این که از اول که آن اصلاحات میشود انظار حاضر و مسبوق است و رأی میگیرند رد و قبول آن معلوم میشود و گاهی واسطه خیلی تخفیف میدهد بوقت مجلس و بعضی اصلاحات هم میشود که ناشی از سهو است مثل این که بنده درین مذاکرات بواسطه یک سهو و اشتباهی که بنظرم رسیده است یک اصلاحی را پیشنهاد می کنم و رأی میگیرند رد میشود اینها چیزهایی است که لازم نیست کمیسیون یک وقت در آن بکند مثل این که چنان که تا بحال دیده ایم شاید بیست فقره اصلاح که پیشنهاد میشود فقط سه یا چهار فقره آن بکمیسیون میرود مابقی در همان شور اول رد میشود از این جهت بنده تصور میکنم که باین ترتیبی که پیشنهاد شده است صرفه نخواهیم برد بلکه وقت مجلس را تلف خواهیم کرد و عقیده این است که تجربه در آینده بمان نشان خواهد داد که دود فیه مبتلا میشویم که در پیشنهاد ما در مذاکره بکنیم یکی در آن روزی که آن پیشنهاد میشود یکی در آن روزیکه در مرتبه اصلاح کننده بر میخیزد مؤاخذه اصلاح خودش را مینماید و می گوید که اصلاح من چه شد .

**رئیس** - مذاکرات کافی است حالا ده دقیقه تنفس داده میشود بعد دو فقره راپورت کمیسیون تقدیر راجع بتقدیر اصل (۲۲) قانون اساسی و ماده (۷) متمم قانون وظایف خوانده میشود . بعد از تنفس پنجاه و پنج دقیقه قبل از ظهر مجددا جلسه تشکیل شد .

**رئیس** - راپورت کمیسیون تقدیر راجع باده هفتم متمم قانون وظایف خوانده میشود (بمبارت ذیل قرائت شد) لایحه از وزارت مالیه در خصوص ماده هفتم متمم قانون وظایف مجلس رسیده بود و بکمیسیون تقدیر ارجاع شده بود که عیناً در این جا نقل می شود .

موافق ماده (۷) متمم قانون وظایف مقرر است که ورثه که حقوق دیوانی شخص داشته باشند سهم هر یک از ورثه ذکور که به علاوه حقوق شخص متجاوز از شصت و چهل و یک تومان و سهم هر یک از ورثه انث که به علاوه حقوق شخص متجاوز از سیصد و بیست تومان باشد تقاضا از سهم ارثی آن ورثه کسر شود و اگر حقوق شخصی ورثه ذکور شصت و چهل و یک تومان یا بیشتر باشد از حقوق متوفی چیزی باو داده نشود و حالا بعضی از ورثه یافت میشوند

که حقوق نقدی آن ها بحدو میزان معینه فوق نمی رسد ولی قسمت حقوق جنسی آنهارا که منظم کنیم از میزان های مذکور تجاوز خواهد نمود بنابراین نباید از حقوق متوفی چیزی بآن ها داده شود ولی قانون وظایف صریحاً این نکته را تصریح ننماید که قیمت حقوق جنسی هم باید جزء حقوق نقدی محسوب شود وزارت مالیه ماده (۷) متمم قانون وظایف را چنین تفسیر میکند که باید قیمت حقوق جنسی هم بانضمام حقوق نقدی ورثه محسوب شود ولی چون این مسئله مصرح نیست تفسیر خود را در ضمن ماده واحده الحاقیه پیشنهاد مجلس شورای ملی مینماید - ماده واحده - قیمت حقوق جنسی ورثه مطابق ترتیب مذکور در ماده (۸) متمم قانون وظایف تعیین شده و بمیزان حقوق نقدی ورثه اضافه میشود در صورتیکه حقوق ورثه ذکور نقداً جنساً مبلغ شصت و چهل و یک تومان و ورثه انثک سیصد و بیست تومان بالغ باشد از حقوق متوفی چیزی بآن ها داده نشود کمیسیون تقدیر نظر وزارت مالیه را صحیح دانسته و ماده پیشنهادی را باین نحو تکمیل مینماید .

ماده واحده - مقصود از حقوق شخصی ورثه که در ماده هفتم متمم قانون وظایف ذکر شده اعم از حقوق نقدی تنها با حقوق جنسی تنها با حقوق نقدی و جنسی بضمیمه یکدیگر است و ترتیب تقدیم حقوق جنسی بقوی است که در ماده هشتم متمم قانون وظایف مقرر است .

**آقای محمد** - سئوالی داشتم **رئیس** - بفرمائید . **آقای محمد** - در صورت چه موافق خود ماده چه مطابق تقدیری که شده است سئوال بنده این بود که ورثه انث و ذکور بیکه حقوق شخصی آن ها با بنده برابر میسرده بیکجا سهم ارثی نمیرند آن سهم را که آن ها میبرند بین ورثه تقسیم میشود یا دولت ضبط میکند .

**ذکاء الملک** - (مخبر کمیسیون) مسلم است که دولت ضبط میکند **رئیس** - کسی دیگر که مخالف نیست (اظهار شد خیر)

**رئیس** - شورا اول این ماده تمام شد راپورت کمیسیون تقدیر راجع باصل ۲۲ قانون اساسی خوانده میشود بمضمون ذیل خوانده شد) وزارت مالیه از مجلس شورای ملی تقاضا کرده بود که اصل بیست و دوم قانون اساسی را تفسیر کنند که آیا اجاره و استجاره را هم شامل است یا نه کمیسیون تقدیر در این باب در جلسات متعدده مذاکرات بعمل آورده بالاخره تصمیم نمود که چون کلیه عایدات و مخارج دولت باید باضلاع و تصویب مجلس شورای ملی برسد اصل مذکور شامل تمام مواد اجاره املاک و مستملات نیز میباشد اعم از جزئی و کلی و هرگاه بنظر آید که این کیفیت بواسطه اثرات موارد خصوصاً درباره املاک و مستملات جزئی موجب اشکال و تعویق جریان امور و تضییع اوقات مجلس میگردد باید بخواطر آورد که این اشکال اختصاص با اجاره ندارد و در نقل و انتقال عین اموال زبیه نیز پیش میآید و رفع آن هم ممکن است چه تصویب مجلس شورای ملی

مستلزم این نیست که در هر مورد خاص لایحه علیحده از مجلس بگذرانند بلکه چون دولت باید هر سال کلیه عایدات و مخارج خود را با تغییراتی که در سالیه پیدا شده و میشود در ضمن قانون بودجه و قانون تعریض بودجه بمجلس شورای ملی پیشنهاد کنند و تصویب برساند آن موارد جزئی سابق الذکر را هم در ضمن قوانین مزبور بصوب مجلس خواهد رسانید چنانکه هم اصل قانون اساسی محفوظ و هم اشکال مرتفع خواهد بود اینکه برای بعضی موارد مخصوص که نظر با اهمیت مبلغ یا مدت یا طرف انتقال باید محل توجه خاص گردد لازم است که قانونی وضع شود که در آن قبیل موارد معاملات دولت بموجب لایحه مخصوص بتصویب مجلس شورای ملی برسد فلذا کمیسیون تقدیر ماده تفسیری ذیل را در اصل بیست و دوم قانون اساسی پیشنهاد مجلس مینماید .

ماده واحده - مراد از این عبارت اصل بیست و دوم قانون اساسی که میگوید (مواردیکه قسمتی از عایدات یا دارائی دولت و مملکت منتقل و فروخته میشود) جمیع وجوه نقل و انتقال اعیان و منافع دولت و مملکت است اعم از بیع و شری اجاره و غیره

**حاج آقا** - برای اینکه بدانیم کمیسیون تقدیری که کرده اند مطابق واقع بوده یا نه در این تفسیر مستفاد از این اصل قانون اساسی میشود یا میشود باید بکمتداری در معنی انتقال تأمل و تعمق کنیم بهینم انتقال چیست و عایدات و دارائی دولت کدر مقدمه این میسوسند کدام است که معنی را اگر سنجدیم آنوقت خواهیم دید که این تفسیریکه برای این ماده کرده اند اصلاً صحیح نیست و باید این اصل (۲۲) قانون اساسی شامل اجاره نخواهد شد و اصل ۲۲ قانون میگوید که مواردی که قسمتی از عایدات یا دارائی دولت و مملکت منتقل یا فروخته میشود) عایدات و دارائی این دوتا را اگر ما ملاحظه کنیم عایدات و دارائی یکی است از جهت انتقال عایدات نیست بلکه اجاره تحصیل عایدی است نه انتقال عایدی اجاره در حقیقت دادن منافع یک ملک است یعنی منافع تصوری یک کسی در مقابل یک عایدی فرض بفرمائید یک خانه یا یک دکانی است یا اراضی اجاره دادن خانه یا دکان یا اراضی چیست یعنی دولت این عین را که دارا هست بطرف مقابل واگذار میکند که از این عین منافعیکه مستفاد و ممکن است بشود آن منافع برای او باشد و در مقابل منفعتی که او برود از آن عین یک چیزی بدولت بدهد و منفعت بردن از هر عینی بنسبت آن عین مختلف میشود منفعت بردن از چراغ سوزانیدن چراغ است منفعت بردن از خانه نشستن در خانه است منفعت بردن از دکان نشستن در دکان و کسب کردن در دکان است منفعت بردن از اراضی زراعت کردن و زراعت برداشتن است از هر یک از آنها یک قسم استفاده میشود بردن از دکان یک ملک و یک عینی که دارد این عین را واگذار میکند نه دولت هر کس که ملکی را اجاره بدهد همین است این ملک را واگذار میکند و اجاره میدهد باو که از این منافعیکه ممکن است استفاده بکند و در مقابل یک چیزی بصاحب مال بدهد در یک مدت معینی و وقتیکه آمدت سر آمد آن عین راجع میشود بصاحب عین مال پس این معنی اجاره را که ما

فهمیدیم که عین هیچ منتقل بکسی نشده است عین را داده ایم بدست یک کسی که از آن استفاده بکند و او را هم بگوئیم که در یک نظری بعضی از علماء گفته اند اجاره تملیک عین هست من جهة المنفعة آن خودش یک نحوه است که معنی اجاره را کرده مثل معنی صلح هب - این یک معنی است که از اجاره کرده اند والا در اجاره عین محفوظ است و همیشه عیناً دارا هستیم چیزیکه هست این عین ما را داده ایم که او انتقالی ببرد و در مقابل منفعت بردن یک چیزی بماندهد حالا ببینیم در موقع اجاره عایداتش را بکسی واگذار کرده است نه بواسطه اینکه عایدی دارد بلکه ملک خودش را واگذار کرده است که او منفعتی از آن ببرد نه آنکه یک قسمتی از عایدات یا دارائیش را واگذار یا منتقل کرده است بکسی این نیست اصلاً قسمتی از دارائی را منتقل کرده است بکسی بواسطه اینکه این ملکش و خانه اش بوده که حالا هم هست این خانه بود که محفوظ است این دکان بود که محفوظ است پس دارائی منتقل نکرده عایدی را هم منتقل نکرده وقتی میتوانیم بگوئیم که عایدی را منتقل کرده که این عینی که بدست دولت آمده بخواهد این عین خودش را بفروشد پس این ماده که اینجا نوشته که مواردی که قسمتی از عایدات یا دارائی دولت و مملکت منتقل یا فروخته میشود این عبارت بهیچ وجه از هیچ طریقی نمیتوانیم تصور کنیم که شامل معنی اجاره میشوند و اجاره شامل یک قسمتی از عایدی است یا انتقال شامل یک خورده از عایدی دولت شده نه قسمت عایدی منتقل شده است و نه قسمت دارائی بهیچوجه اصلاً این اصل قانون اساسی شامل اجاره نیست و نباید ما مستمسک بشویم باصل بیست و دوم قانون اساسی در این که اجاره های دولتی در تحت نظر مجلس شورای ملی باشد نه از آن نقطه نظریکه کمیسیون تصور فرمودند اجاره در تحت نظر مجلس شورای ملی نیست از باب اشکال است نه اینکه میگوئیم که قانون اساسی این حق را بنده داده است ولی اگر یک نظر دیگری مجلس شورای ملی داشته باشد که چون موارد مهمه پیدا میشود در املاک دولت که آن اسباب زحمت باشد و اهمیت داشته باشد و مثلاً هنوز بوزرای خودمان این اطمنان را نداریم که واگذار کنیم بآن ها در یک لایحه پیشنهاد بکنند بمجلس شورای ملی که در موافقی که اجاره هائی داده میشود و مهم است در آن موارد معین بکنند که تا فلان مدت هست و فلان شرط را دارد این دولت باید بنظر مجلس برساند این یک حق است که یک نفر وکیل در موردش میتواند پیشنهاد بکند و ممکن است کم هم در آن موارد رأی بدیم ولی بشون تفسیر ماده (۲۲) قانون اساسی هیچوقت نمیتوانم رأی بدیم بواسطه اینکه معنی این است که در موقع دادن رأی بنده هیچ تفهیمیم که عایدات چیست و دارائی یعنی چه و انتقال عایدات و دارائی یعنی چه از این جهت این تفسیر را بکلی مخالف با اصل (۲۲) قانون اساسی میدانم .

**حاج شیخ اسدالله** - یکفندی که تأمل در بعضی از فصول قانون اساسی بکنم میفهمیم و آن وقت مقصود از این اصل هم بکلی واضح میشود که مجلس با اختیاراتی دارد که از مختصات مجلس شورای ملی است نظارت کردن در کلیه عایدات دولتی و این از وظایف خالصه مجلس است اعم از اینکه

از خالصات دولتی و مستملات باشد یا از مالیاتهای مستقیم بغیر مستقیم در کلیه چیزهایی که بحسب قانون اساسی انتحق راجع بمجلس تخصیص میدهد و بدهد از اینکه این نظر معلوم شد آنوقت مراد از این اصل بخوبی معلوم میشود و لافاقل از اینکه اگر مراد از این اصل معلوم نشود عبارتی است که ذوق عین میشود بعد از اینکه ذوق عین شد آنوقت کمیسیون تفسیر یا مجلس میتواند مراد از این اصل را معین و واضح بکند معین است اجاره یک عایداتی است حالا عایدات بردو قسمت است یک عایدات فرضی است همان قسم که فرمودند و یک عایدات عینی آن عایدات فرضی را خارج از عایدات نمیتوان فرض کرد که آنها عایدات دولت نیستند درسته تنگنویز لایحه در شریعت که بودجه بمجلس میآید پیش بینی که برای عایدات دولت میکنند از مالیاتهای مستقیم و غیر مستقیم یکی از عایدات منافع مستملات دولتی است اینهم داخل در عایدات است حالا اگر این منافع را وزارت مالیه بخواهد مداخله بکند بچه عنوان مداخله میکند آیا با اطلاع مجلس مداخله میکند یا بدون اطلاع مجلس اگر با اطلاع مجلس باشد باید پیشنهاد مجلس بکنند آنوقت عایدات فرضی را درسته تنگنویز لایحه یعنی بکدام قبل از این سال جدید پیش بینی میشود در بودجه مملکتی آیا این عایدات فرضی جزء عایدات دولتی هست یا نیست البته جزء عایدات است که در سه آیه باید بیاید و در بودجه منظور شده است والا بدون اطلاع مجلس باشد اینها را وزارت مالیه بچه ترتیب مداخله میکند اگر مستقیماً مداخله میکند حق ندارد باید اگر بخواهد اجاره بدهد به تصویب مجلس باشد و اگر بخواهد همین ترتیب که اینجا نوشته و تفسیر کردند که با اطلاع مجلس باشد که مراد آنهم همین ماده است و زیادتر از این چیزی نوشته است در این ماده نوشته است در مواردیکه قسمتی از عایدات یا دارائی دولت و مملکت منتقل یا فروخته میشود ولی دارائی معلوم است و اینرا قسم عایدات قرار داده است نه قسم آن یعنی یکی دارائی دولت است یکی هم عایدات است عایدات چه چیز است که قسم دارائی شمرده می شود همان منافع متصوره است که باید اجاره داده شود و این از مختصات مجلس است که میگوید مواردی که قسمتی از عایدات یا دارائی دولت و مملکت منتقل یا فروخته میشود یا تقبیری در حدود و ثغور مملکت لزوم پیدا میکند بصوب مجلس شورای ملی خواهد بود بلکه اگر چه در این عهده تصریح بلفظ اجاره نکرده است که بگوید هر آینه بخواهد مستملات دولتی را اجاره بدهد باید بصوب مجلس باشد این را هم عرض کردم تصریح ندارد و چون مصرح نیست ما محتاج شدیم بتفسیر این اصل اگر تصریح شده بود که ما دیگر احتیاج بتفسیر نداشتیم حالا در صورتی که مراد است که انتقال شامل اجاره هم میشود یا نمیشود از اینجهت مجبوریم که این ماده را تفسیر بکنیم یا اینکه این ماده را ملحق باین بکنند و اختیار اجاره را هم بمجلس میدهند و بنده هیچ اشکالی در این نمی بینم که مراد از عایدات همان عایداتی است که فرض میشود در مستملاتی که با اجاره داده میشود دو قسم تقسیم است با دارائی و بعد از اینکه شامل آن شد و از مختصات مجلس دچار بعضی از مشکلات نشود که متداول برون مستملات را بعنوان اجاره

حاصل آن را بفروشد و اسس را اجاره بگذارند و مثل این دندهای بی درمان در باب خالصه جات که فروخته میشود و اسس را اجاره گذاشته اند و حال آنکه نسبت باعیان موجوده بیع بوده و دولت خودش رفت بدون اطلاع ما اجاره داد و محتاج شد و ما را باین زحمت ها انداخت و بعد از آنکه تصمیم داد که انتقال اهم است از انتقال منافع متصوره و اعیان و اختیارش را بمجلس داده ایم که بد منافی از املاک و متصرفات که بدست دولت میآید دولت آنها را هم اختیارش را بمجلس داده است و همین عایدات شامل آن منافع میشود و باید با اجاره مجلس باشد شامل همان منافع میشود که از عایدات مملکت است .

**آقا شیخعلی شیرازی** - یک مرتبه ما میخواهیم یک لفظی را تفسیر کنیم این انتقال را باید بدانیم که معنایش چیست برای تفسیر لفظ انتقال معنی ندارد که هلت آنرا بیآورند که چون باید تمام عایدات دولت در تحت نظر مجلس باشد یا اینکه در ضمن بودجه کل بیآورند بمجلس و مجلس تصویب بکند این هیچ ابتدا تفسیر اصل (۲۲) نخواهد شد و تانیاً این مغالطه با مقصود ما است بجهت اینکه ما میخواهیم مستلاً در اجاره و بیع املاک نظارت داشته باشیم و بتصویب ما باشد هیچ ربطی بهم ندارد و آیا خود لفظ انتقال که در قانون اساسی هست اگر چه اصطلاح فقها و انتقال را انتقال منافع هم میگویند که اما بنظر بنده همچو میآید عرفاً انتقالی است که در این عصر منافع هم هست مقصود همان بیع و شری باشد بنظر بنده اینطور میآید .

**آقا شیخ ابراهیم** - بنده هم بیان فلسفه آنرا میکنم و هم بیان فقه آنرا هر گاه اجاره را تعریف بکنیم چه تعریف خواهیم کرد و هر گاه پولی از او بگیریم مفت میگیریم یا چیزی باو منتقل میکنیم البته باو یک چیزی میدهم مفت که نمیگیریم و آن چیست دارائی است دارائی چیست آنملک است حالا بنده تعریف میکنم اجاره را نقل عین معلوم بموض معلوم بیع است و نقل منقطع معلوم بموض معلوم اجاره است در هر دو نقل و انتقال است این دارائی من اعم است از عین یا منفعت چرا بجهت اینکه هر گاه من با منافع خود مستطع بشوم از دارائی مستطیع هستم باید حج بروم یا خیر علاوه بر این هیچکس نمیتواند شک بکند که از کسیکه چیزی باو منتقل نکرده ایم چیزی از او میخواهیم عوض است عوض چه چیز است یا ما چیزی باو منتقل کرده ایم عوض هست یا نیست البته عوض هست عوض چه چیز است عوض آن منفعتی است که باو منتقل شده است منفعت یا عین هیچ فر ندارد من میتوانم یکس دیگر انتقال بدهم و او هم یکس دیگر منتقل نماید منفعت و عین هر دو مال من است هر دو را منتقل بکنم میتوانم منفعت را بلاعین و عین را بلا منفعت اما فلسه اش بهیچ تصور ندارد مجلس شورای ملی باید در تمام عایدات و تمام مالیه دولت و آنچه که مالیه دولت گفته میشود باید مصلح بشود و تصویب بکند مخارجش را هم در مقابل تصویب بکند مثلاً فرض بفرمائید آمدند بودجه ما را آوردند تمام مالیاتها را

نوشته اند اما اینرا نوشته اند که خالصجات فلان ده هزار تومان میخوام رای بگیریم در بودجه آبا بخوایم گفت آن خالصجات عایدش چه شد در آن مذاکره نخواهد شد بلکه ترتیبی که در خارج است منظور است که دولت باید پیش بینی بکند برای سال آینده که اسلحه هائی که از کار افتاده است باید فروخته شود و مقدارش باید در عوض خرید شود پیش بینی بکنند چیزهاییکه اجاره داده شده از روی آن اجاره عایدات را تعیین بکنند آن وقت مزایه و مناقصه میکنند با همان حال باقیمانده یا این که ترتیبی شده چیزی باقیمانده در تفریح بودجه پیشنهاد خواهد شد من میخوام بودجه کل که امروز بمجلس آمده است عایدات را میخوام تصور بکنم عایدات ولایات و دکان را هم تصور بکنم قیمت فلان قاطر فلان اسبچه فلان شتر و هكذا قیمت فلان خانه و چه اجاره دکان همه را باید روی هم حساب بکنیم هم در تفریح بودجه جعلور میشود این مخارج از دارائی باشد یا دارائی دولت نباشد ممکن است این منافع حاصل شده است من میگویم بعد از آن که اجاره دادیم آن وجه اجاره را مثل مالیات عایدات میگویم قبل از آن که اجاره بدهیم آنرا دادائی میگویم این دارائی اجاره میبیم و آن وجه اجاره داخل عایدات است شکی ندارد پس منافع از دارائی است وجه اجاره و عایدات دولت است مثل آن که مطالبه دارد وجه اجاره فلان جارا از فلان دکان حالا من مالیات را میگویم اینرا میگویند عایدات دولت هر گاه مالیات فلان جارا انتقال دادیم فلان کس در مقابل فلان وجه اینرا انتقال نخواهند گفت مالیاتی از فلان جسا انتقال داده شد در مقابل فلان منفعت البته نخواهند گفت این انتقال است غیر انتقال چیزی ندارد بگویند فروخته شدن را در عین میگویند و اینرا میگویند انتقال هر چه دولت نقل بکنند در عوض چیزی تحویل بگیرد اینرا میگویند انتقال این شکی ندارد در عین بقی است حالا اگر نباشد این فروختن را که شکر ندارند صریح است در قانون اساسی که باید بتصویب مجلس برسد الا میخوانند قاطر دولت را بفروشد بیاید قاطر را پیشنهاد کنند یک درختی آنجا افتاده میخوانند بفروشد اینرا لایحه بکنند بیاورند تصویب مجلس بشود اینکه نیست اینها کلیه پیش بینی خواهد شد بنحو مزایه و مناقصه آنرا بجاییکه نباید برساند برسانند ملت هم فهییدند که چه شده عین مزایه و مناقصه شده مجلس فهیید کلیه ملت فهیید اجاره فلان جا چه شده بطور مزایه و مناقصه وزارت خانه اعلان کرده است اینرا در بودجه پیشنهاد کرده است میاید در مجلس رای میگیرند اینکه اشکالی ندارد بیع و اجاره هر دو دارائی را شامل است پس این منافع است و آن عایداتی که حاصل می شود عایدات است و اشکال هم ندارد فلسفه اش همین است این این آن قدر قابل مذاکره نیست مانع ما میگویم بخیر اجاره هارا بیاورند بیرون بکنند اینرا میتوانند بگویند خیر نیوانند بگویند در بودجه هم بیاورند علیحده هم بیاورند این چطور میشود ابدأ اشکالی ندارد

**حاج شیخ الرئیس** - بنده از جهت تشکر میکنم بلکه مایه افتخار میدانم که در مجلس مقدس

شورای ملی مطالب علمیه و مسائل شرعیه مطرح مذاکره شود بجمعا که غالباً با کمال لیاقت و طلاقت انبساط وجود میفرمایند ولی بنده ناچارم عرض کنم که پیش از این مذاکرات را در مجلس بی لزوم میدانم و متوجه میبکنم اذهان آقایان را که داخل در شریعت نشویم که عنوان مایه مزاعره مصالحه مسافرات اینها هر کدام عنوانی دارد اگر چه صیغ متعدد که در نتیجه یکی باشد ولی هر کدام در ماهیت یک ترتیب مختلف دارد و هیچکس نمیتواند این را منکر بشود و من حاضرم برای مدافعه و اثبات مدعای خودم را در خارج مجلس و اینکه اجاره انتقال نیست یک چیز واضح مسلمیت و حتی فقها معترضند که اگر اجاره متعلق بهین باید باشد و منافع بالعرض است بعد از آن که بآن صیغه که قانون آسمانی تجویز کرده است بآن ترتیب اجاره داد آن وقت ممکن است و میتواند بیک عنوان معلوم است به تبع عین بردیس اگر همان عنوان را به عنوان صلح بکنیم با ما نمیتوانیم بگوئیم بهین عنوان است اگر چه که مزاعره کند مسافرات کند ممکن است و تمام اینها اگر چه بیک عنوان است انتفاع میرد آن طرف از عایدات آن ملک اگر چه عایدات از فواید است لکن مستقیماً تابع نمیشود بلکه منافع تابع عین است که آن را عین مستأجره میگویند پس بنا بر این تخلیط این صیغ متممده بواسطه حصول یک نتیجه که عادت خبلی از میزان توجهات علمیه خارج است اما یک نکته که میخواستم عرض کنم آنستکه خبلی تعجب میکنم که چون خبلی وقت گذشته است از نوشتن قانون اساسی باید متوجه باشند آقایان که هر مقننی حتی فواید آسمانی تا چه رسد بفواید زمینی البته آن مقنن یک نظریاتی در جعل وضع قانون داشته بمقتضیات آن حال و وقت یک مصالح و منافع که دو نظر میگردانند بآن ملاحظه در بعضی جاها تصویب میکنند و در بعضی جاها توسعه میدهند بنده چون بودم در وقتیکه این قانون اساسی نوشته میشد و نظریات مقننین را میدانستم اگر چه آن وقت خودم یک عنوان رسمی نداشتم ولی بیک عنوان دیگر حاضر و ناظر بودم حالا که فلسفه را فرمودند لازم است عرض کنم بعد از آنکه دولت مظلمه مستبد بجمده تبدیل شد ببولت عدله مشروطه البته در نظر آقایان هست که اگر چه مشروطه گرفتیم ولی یک مجلس بزرگی در مقابل این قوانین جاریه عادلانه بود که بجمده آن مانع رفع شده است چون آن وقت میدانستند کسانی که این مواد قانون اساسی را مینوشتند نگذازند پادشاهی که در این ملک است عایدات دولتی را بهمان بوالهوسیا که داشتند بنا به تعین باین و بآن ببخشند و کیف مایشاه تصرف کنند بلکه بدانند که ملت در عایدات و دارائی دولت یک حقی دارد که نمیتواند سلطان بیاد مبیوطه و اراده شاهانه خودش هر تصرفی بکند بنا بر این نوشته عایدات و دارائی و بنده برعکس جناب آقای حاج شیخ اسدالله عرض میکنم عایدات عبارت است از همان منافع و دارائی عایدات است از عین املاک تالی که شاه بیل خودش ملک خالصه را ببخشد بایک وصنه دولتی را بدخواه خودش بعمرو

وزید به بخشد هیچکس نمیتواند بگوید که عایدات داخل دارائی است و اینکه اینجا قید کرده اند عایدات و دارائی را برای اینست که بتواند کیف مایشا را بمن بگوید مثلا عایدات خالصه و رامن راده ساله ببخشید به شیخ الرئیس یا اینکه فلان ملک خالصه را که بچاه هزار تومان قیمت دارد چنانچه همین طور هم کردند پنجاه اشرفی یا دوازدهاری فلان کس انتقال کردید میتواند دیگر چنین انتقالی بکند بنده عرض میکنم آنوقت بکنند جعل این قانون را میکردند و این ماده را نوشتند ابدأ توجهی با جزرات نداشتند که مثلاً فلان دکان سبزه میدان که پنجاهزار یا زیادت اجاره دارد اینرا بیاورند بمجلس و پیشنهاد بکنند و نظریات مجلس در بودجه و اختصاصات آن اینجا هیچ مداخلت ندارد و مجلس البته نظر کلی دارد بنسب این امر نظر آقایان در این باشد که بخوانند وزراء مبسوط البده باشند و بنده اینرا تصدیق نمیکنم برای آن که امیدوارم وزرای ماطرف اعتماد بمجلس باشند زیرا که اگر نباشند موزولند بلکه منجز حالا اگر صلاح میدانند تصویب نکنند در اختیارات و در آن بنده بعنوان تفسیر ابدأ حاضر نیستم که تصویب بکنم بلکه ممکن است بآن لایحه بنویسند و بکمسیون مبتکرات یا جای دیگری رجوع کنند که اگر بعد ها بخوانند بک های باغ دوشان تبه را بگورده بپرها بفروشد آن راه هم یک لایحه کنند بمجلس بیاورند آن وقت شاید بنده هم رای بدهم لکن باز حاضر مدافعه کنم که این پیشنهاد دیگر از طرف کمسیون تفسیر شده است تفسیر برای است

**ذکاء الملک مشیر کمسیون تفسیر** - بنده داخل در تفسیر و معنی لفظ انتقال نمیشوم که تفسیر آن با علمای مجلس است که این طوریکه میدانند بفرمایند لکن اینجا عرض میکنم که یک نکته را باید متوجه باشند که تفسیر یک اصلی از اصول قانون اساسی یا یک قانون تعارفی که بمجلس اختصاص داده شده است با صلاح متعارفی نیست و اگر بنا بود تفسیریکه ما در مجلس میکنیم بآن معنای متعارفی که در خارج از تفسیر میفهمید بود آن وقت لازم نبود که مقنن این تفسیر را بمجلس شورای ملی اختصاص بدهد ممکن بود که بگویند هر وقت قانونی محس حاجت شد که تفسیر بشود معنی از علماء و ادبا بشینند یک تفسیری بکنند و این که تفسیر را رجوع کرده اند و اختصاص داده اند بمجلس مقصودشان از تفسیر کردن یک قانونی آنستکه یک قانونی وضع بشود و همین قدر که محل نظر است که آیا انتقال شامل اجاره میشود یا نمیشود دیگر نمیتوان گفت که این اصل صریحاً شامل اجاره نیست و بعضی انظار متوجه است اینکه اجاره هم شامل است پس مجلس شورای تفسیریکه میکنند فقط نباید نظرش باین باشد که لفظ انتقال را چه باید تفسیر کرد عبارت اخیری باید گفت این ماده را آن هائیکه وضع کرده اند چه نظر داشته اند و دیگر این که مقتضی اصول مسلمه مشروطیت چه چیز است یک مطلب دیگری هم در اینجا مانده که باید میشود و آقای حاج شیخ الرئیس هم فرمودند که یک وقتی یک قانونی وضع کردند نظر باینکه تصدیق امور و پادشاه عصر هوساکی میکردند راست است تا یک اندازه مشروطیت و وجود قانون اساسی

باین نظر هست ولی تمام نظر هم این نیست که حقوقی هم برای ملت هست که اگر چه فرض کنیم که هیچوقت پادشاهی پیدا نشود که بوسناکی و بی اخلاقی رفتار بکند مملکت مشروطیت یک اصل صعبی است و حقوق ملت ثابت و حکومت ملی اصل مسلمیت است که باید برقرار باشد و لولایتیکه پادشاه و مصادر امور بکلی مزه باشند حالا خواه اعتماد بوزراء داشته باشیم خواه نداشته باشیم بعضی اصول را باید محفوظ داشت و اینست که بعضی از آقایان که مخالف هستند ولی میفرمایند موافق هستیم که قانونی وضع بشود از برای اینکه بعضی اجاره ها را بیاورند به مجلس بنده عرض میکنم نه موافق تفسیر ادبی بلکه موافق تفسیر قانونی همین حرف دلیل بر این است که تصویب اجاره حق مجلس است و باید بیاید به مجلس حالا منظوریکه در راپورت ذکر شده است اینکه گفتیم اجاره باید بیاید بمجلس معنیش این نیست که هر وقت دولت دکانی را اجاره میدهد لایحه پیشنهاد مجلس بکنند که من میخوانم فلان دکان را اجاره بدهم فلان ارمنی که شما باید تصویب بکنید بلکه باید هر یک از اموریکه راجع بمایه مملکت است بتصویب مجلس شورای ملی برسد ترتیبی دارد و چون اینرا تاکنون یا ملتفت نبوده اند یا بهر صورت باین طریق عمل نکرده اند که آن ترتیب صحیح خودش را معرفی دارند و یا ممکن نشده است و اسباب فراهم نبوده است که دولت بودجه کاملی پیشنهاد کند و از مجلس بگذرانند که در ضمن آن بودجه این مطالب را بیاورد و هر وقت یک چیزی را میخواهند بتصویب مجلس برسانند از قبیل اجاره دادن یا امثال آن بموجب یک لایحه مخصوص پیشنهاد مجلس کرده اند این بنظر غریب میآید که چطور میشود اگر دولت بخواند بک های فلان درخت را بجمعی بدهد به مجلس رجوع کند آن بموجب یک لایحه مخصوص پیشنهاد مجلس کرده اند چنانچه مثلا مواجب دادن بر مردم باید بتصویب مجلس باشد اما نه اینکه هر وقت میخواهند سه تومان برای فلان قراش مواجب درست کنند یک لایحه بیاورند بمجلس ترتیب مخصوص دارد که اگر بان عمل شود این مشکلات پیش نیاید و اینکه گفتند اجاره و استجاره باید بتصویب مجلس باشد آنگاه همان ترتیب که سایر معاملات را بیاورند انجام خواهند داد علاوه بر این مقتضی آنست که قانونی وضع شود برای اینکه مخصوصاً بعضی از اجاره ها را بموجب لایحه بدهند بمجلس بیاورند چنانچه سابقاً هم یک طرحی در این خصوص پیشنهاد شده بود و لازم و واجب است که چنین قانونی وضع شود تا تکلیف معین باشد که مثلا بگویند املاکیکه اجاره آن از سه هزار یا از پنجاه هزار تومان زیادت است باید بتصویب مجلس باشد یا اجاره هائیکه میخواهند بدست ده سال یا بیشتر بدهند باید بیاورند بمجلس یا اجاره که مستأجر آن تبعه خارجه باشد باید بیاورند به مجلس یک قانونی مسلماً باید هر چه زودتر وضع بشود که حدود این مسئله را معلوم کند که کدام اجاره باید مستقلاً بمجلس بیاید بعد در مابقی رفع اشکال میشود هم تصویب مجلس بجای خود خواهد بود هم وقت مجلس صرف جزئیات نخواهد شد و ما هم هیچ محتاج

نیستیم که حالا خیلی مذاکره و مشاجره کنیم در اینکه آیا انتقال شامل اجاره هست یا نیست و این یک تفسیح وقتی است و گمان میکنم این تفسیر را خوبست ماقبول کنیم و مدخل نشویم

**رئیس** - مذاکرات کافی نیست؟ بعضی اظهار داشتند - کافی است (بعضی اظهار داشتند کافی نیست)

**رئیس** - رای میگیریم آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

**رئیس** - اکثریت است شوراولش تمام شد شور دوشم پنجروز بعد است - راپورت کمسیون بودجه راجع بر خساره خانم خوانده می شود (بعبارت ذیل خوانده شد)

از کمسیون بودجه بمجلس مقدس - لایحه وزارت مالیه در خصوص رخساره خانم که از نواده مرحوم حسنخان سردار مهاجر ایرانی است قرائت گردید وزارت مالیه شرحی مرقوم داشته اند که بواسطه فقر و پریشانی رخساره خانم و این که مادرش مجنون است و باید متحمل مخارج مادرش بشود لازمست رعایتی در باره او بشود پیشنهاد نموده اند که مبلغ پانصد و هشتاد و یک تومان حقوق عباسقلیخان برادرش که مرحوم شده است با یکصد تومان حقوق شخصی رخساره خانم ضبط و در عوض ماهی ۳۵ تومان در باره رخساره خانم برقرار شود پس از مذاکرات لازمه نظر باینکه مرحوم حسن خان سردار خیمات فوق العاده نموده و مراعات بازماندگان آن مرحوم لازم و رخساره خانم متکفل مخارج مادر مجنون خودش است تصویب می نمایند که در عوض پانصد و هشتاد و یک تومان حقوق عباسقلیخان برادرش که نوشته شده و یکصد تومان حقوق شخصی خودش که مطابق پیشنهاد وزارت مالیه ضبط میشود مبلغ ۳۰ تومان ماهیانه مطابق ماده ذیل در باره رخساره خانم برقرار شود. ماده - مبلغ ۳۰ تومان ماهیانه مادام الحیات در باره رخساره خانم برقرار میشود حقوق مرحوم عباسقلیخان پانصد و هشتاد و یک تومان و حقوق شخصی رخساره خانم یکصد تومان ضبط میشود.

**رئیس** - مخالفی هست؟

**حاجی آقا** - بنده مخالفم.

**رئیس** - بفرمایید.

**حاجی آقا** - بنده باین راپورت هائیکه از کمسیون بودجه میاید دائماً بمجلس ومدتی اوقات مارا صرف میکند و آخرش میگردد یا میگردد بکلی مخالفم ما اگر خوب نظر کنیم میبینیم که از اول انعقاد مجلس تا امروز چندین نمره از این راپورتها را آورده اند بمجلس بعضی قبول شده است و بعضی رد شده است و بعضی بآن تکلیف مانده است در حالیکه تمام آنها راجع بوده است باشخصیکه در راه وطن و حریت و آزادی خدمت کرده و زحمت کشیده اند و با ورته آتھائی بوده که گشته اند یا راجع بخودشان بوده و بنده بایک همچو ترتیبی در آستان این راپورتها بکلی مخالفم اینرا باید نمایندگان یک پیشنهادی بکنند که ما البته باین اشخاص و ورته اینگونه اشخاص که مستحق و مستاصل هستند و زنهاى آنها و بچه های یتیم آنها یکی یکی از نمایندگان را گیر بیاورند و تضرع میکنند و هر کسکه یک وسیله دارد که در

وزارت مالیه یاد مجلس که بتواند یک ترتیبی بشود باینکه یک ترتیب ثابتی برای آتیه خودش بدهد و آتھائیکه کسیرا ندارند موفق نخواهند شد بنده باین ترتیبات بکلی مخالفم باید یک چیزی از مجلس پیشنهاد شود بوزارت مالیه یا بوزارت جنگ و یک کمیسونی معین بشود در آن کمسیون هم اگر بخواهند چند نفری از اشخاصیکه خدمت کرده اند در راه آزادی از مجاهدین از آن کسانی که خیر و بصیرند که میدانند ورته این مقتولان مستاصل هستند آتوقت

**رئیس** - این راپورت راجع بمجاهدی یا ورته مجاهد مقتولی نیست

**حاجی آقا** - مجاهد با غیر مجاهد فرق نمیکند هر کس که مستاصل است و حتماً چیزی باید باو داد عرض نکردم مخصوص مجاهد باید باشد در خصوص کایه اشخاصیکه وزارت مالیه تصویب میکنند در این باب یکی یکی آنها را کمسیون ریز بردارد تحقیقات بکند آتوقت یک چیزی تصویب بکنند و پیشنهاد بکنند که سالانه هزار دو هزار تومان ده هزار تومان وزارت مالیه در حق آنها برقرار کند و تصویب شود که قطع این راپورتها بشود و آن وجه تقسیم شود بین آنها و هر روز وقت ما صرف یک چنین لایحه نشده باشد (در این موقع میرزا مرتضی قلی خان اجازه خواست)

**رئیس** - عرض کنم که بعد از این دو نفر بدیگری اجازه داده نخواهد شد

**میرزا مرتضی قلیخان** - بنده خیلی از فرمایشات آقای حاجی آقا تعجب میکنم و جداً فرمایشات ایشان را رد میکنم انسان بیایه کاری نکند یا اگر کرد باید بلوازه آن عمل کند و موافق باشد که تمام مراتب آنکار را مادا فروگذار و ترک کند و قتیکه قانون اساسی بمجلس حق داد که در بودجه مملکت در جمع و خرج عایدات داخل بشود معنیش آنستکه بشینند دو تومان سه تومان و صد تومان و هزار تومان هر چه باشد تصویب بکنند در مقابل عایدات تصویب بکنند هیچ فرق نمیکند که سه تومان باشد سه کرونر پس و قتیکه قانون اساسی اینحق را داد بمجلس دیگر نباید گفت چرا همه روزه مجلس می نشیند و در جزئیات مداخله میکند و اینکه فرمودند که یک کمیسونی تشکیل باید بشود از برای اینکار مجلس شورای ملی قبلاً اینکار را کرده است باسم کمسیون بودجه که مجبور است تمام امور راجع بودجه را کلاً و جزاً مراقبت بکنند بعد از اینکه تنقیدات خودشان را کردند است یا ضرر دولت است اصل مطلب اینست که حسنخان و حسین خان سرداران مهاجر ایرانی که هر کس عهد نامه ترکمانچای را ملاحظه کرده است میدانند آن ها چه مراتبی داشته اند بمرجه طرف توجه بوده اند که در آن عهد نامه اسمی از آنها برده شده است تمام دا ایشان را ضبط کردند در خارجه و آنها بدون دارائی مهاجرت کردند بداخله و تمام هستیشان منحصر شد یک جزئی حقوقی که دولت بآنها میداد و متدرجاً اینها تمام شدند و فقط باقیمانده

است از اینها يك پیره زن مجنون و يك دختر از آن زن که رخساره خانم است در سنه ماضیه برادرین رخساره خانم فوت شده است ۵۸۱ تومان موجب داشته است و بر حسب قانون وظایفی که شش در مجلس نوشته اید ۲۹۰ تومان از این بادر او میرسد و خود این ضعیفه هم صد تومان موجب دارد که تصویب مجلس را هم لازم ندارد این میشود ۳۹۰ تومان و این ۳۹۰ تومان را بلا حظه این که مادرش مجنون است و ریز است شاید دو سال دیگر بیورد و خود این ضعیفه شاید دو سال بیشتر عمر نکند تقاضا کرده است که دریافتی حقوق این مهاجرین اجداد او که این زحمات را کشیده اند و هستی خودشان را در مقابل دولت نثار کرده اند در مقابل این خدمات ماهی سی تومان بآنها داده شود که در حقیقت عوض سیصد و نود تومان سیصد و شصت تومان میشود که بطور ماهیانه بآنها بدهند حال میخواهید رای بدهید میخواهید رای ندهید.

**رئیس** - ماده را میخواهیم و رای میگیریم (مجدداً ماده قرائت شد).

**رئیس** - آقایانیکه اینجاده را تصویب میکنند ورقه سفید آقایانیکه رد میکنند ورقه کبود خواهند داد در این موقع شروع باخدا و اوراق رای شد و آقای حاج میرزا رضا خان اوراق رای را باین عدد احصاء نمود ورقه سفید (۴۹) ورقه کبود (۲)

**رئیس** - با اکثریت ۴۹ رای تصویب شد دستور جلسه آتی را پورت کمیسیون بودجه راجع بآیت الله زاده طهرانی اپورت کمیسیون تجدید نظر در نظامنامه انتخابات را پورت کمیسیون است و تلگراف و کمیسیون بودجه و کمیسیون خارج راجع به مستخدمینی که برای پستو تلگراف لازم شده است ضمناً هم عرض میکنم بعضی کمیسیونها مطالبی که بآنها رجوع شده است زودتر را پورت بدهند چون کاری نداریم که جزء دستور بگذاریم و مطالبی که بکمیسیون رفته و راپورتش نیامده یکی قانون شرکتها است یکی قانون عتیقات است و یکی قانون معادن است و همینطور قانون رتبه های نظامی است چیزهایی که هست همینها است و از کمیسیونها خواهش میکنم زودتر را پورت اینها را بدهند که جزء دستور شود.

**هشترودی** - حسرتخان نامی است که مجاهد بوده است فقیر است چیزی بنا شده است باو بدهند را پورتش هم از کمیسیون بودجه آمده طبع هم شده است هر روز هم در مجلس جلومار میگیرند بنده گرچه نه خودش را میباشم نه ترتیبش را میدانم ولی را پورتش را دیده ام هر روز خودش جلو ما را میگیرد و رسوائی میکند خوبست آنرا جزء دستور بگذارید.

**رئیس** - اینکه هر روز جلو حضرتعالی و بنده را میگیرد دلیل نمیشود که ما برای آنها دستور درست نکنیم و دیگر آنکه در هر جلسه لازم است مراعات این نکته را بکنیم که پیش از یک را پورت کمیسیون بودجه خوانده نشود در دستور مخالفی نیست؟

**منتصر السلطان** - بنده عرض داشتم در دستور.

**رئیس** - بفرمائید؟

**منتصر السلطان** - چون قانون انتخابات اهمیت دارد و راپورتش آمده است مقرر فرمائید جزء دستور شود.

**رئیس** - جزء دستور هست در این موقع که مقارن ظهر است رئیس حرکت فرموده جلسه ختم شد.

**صورت مذاکرات روز پنجشنبه دویم شهر رجب ۱۳۲۶**

رئیس سه ساعت و ربع قبل از ظهر بجای خود جلوس نمود و ساعت قبل از ظهر رسماً مجلس منعقد گردید صورت مجلس قبل قرائت گردید . قارئین جلسه قبل - بدون اجازه دکتر اسمعیل خان حاج محمد کریم خان تشقائی - ناصر الاسلام - آقا سید محمد باقر ادیب - غائبین با اجازه - آقامیرزا ابراهیم خان - آقا سید محمد رضا مساوات غائبین از وقت مقرر - آقا شایخ علی شیرازی - آقامیرزا ابراهیم قمی هر یک ۴۰ دقیقه

**رئیس** - آقای حاج آقا در صورت مجلس اظهاری داشتید .

**حاج آقا** - در ضمن بیاناتی که بنده و سایر آقایان کردیم راجع راپورت کمیسیون تفسیر همچو نوشته اند که بنده عرض کرده که عایدی املاک جزء دارائی دولت نیست بنده که هیچ عرض نکردم و گمان میکنم که هیچیک از آقایان هم همچو فرمایشی نکرده باشند بنده عرض کردم که اجازه املاک جزء دارائی محسوب میشود مال الاجاره جزو دارائی هست ولی اجازه هیچ جزء دارائی محسوب نیست که انتقال شامل او بشود اجازه يك چیزی است خارج از اینها .

**رئیس** - همینطور اصلاح میشود دیگر ملاحظاتی نیست (اظهاری نشد)

**رئیس** - صورت مجلس باین اصلاحات تصویب شد - دو فقره دستخط از والا حضرت آقای مزبور بعبارت ذیل قرائت شد ( دستخط مجلس شورای منی مضمون تلگرافات خراسان این دفعه از همدان شروع شده برای این که خاطر نمایندگان محترم هر چند سرورز بگردد به مفاد آن متذکر شوند لاف ارسال شد البته موضوع توجه خواهد یافت و هر طور صلاح باشد اقدام خواهند فرمود .

**رئیس** - عین تلگراف قرائت میشود مضمون ذیل قرائت شد .

مقام منبع نیابت سلطنت عظمی دامت عظمته کوبیه - ریده ایران نو و استقلال ایران معلومات واقیه و اطلاعات آن والا حضرت بهترین گواه است که آن همه خون ریزی و فداکاری ملت برای رفع اختیارات از شخصی و دادن بچند نفر نبود بلکه جزء آزادی ملت و برقراری مشروطیت و تجدید حدود و تجزیه قوا که تضمین سعادت و استقلال مملکت است منظور دیگری نداشته و معلوم است از اختیارات در دولت مشروطه مطابقت با قانون داشت والا حضرت آنقدر احتراز از قبول آن نفرمودند عجب است از و کلائی که از طرف ملت بجهت حفظ اصول قانون اساسی انتخاب شده اند وظیفه خود را فراموش نموده اختیارات فوق قانون به هیئت دولت داده که نتیجه اش بالنسراحه نقض مواد قانون اساسی و سلب آزادی و عودت از تجاعی از دیاد نفوذ خارج در مملکت میگردد امضاء کنندگان ذیل بنا هملت از اینگونه حرکت مرعجانانه

و اقدامات قانون شکنانه پروتست نموده با کمال احترام از آن والا حضرت استعفا می نمایم که از حرکات ارتجاعی جلوگیری فرموده حفظ آزادی ملت را که مطابق اصل ۴۰ قانون اساسی تحلیف فرموده اند منظور دارند

**حاج سید ابراهیم** - بنده میخواستم عرض کنم که این تلگرافات فقط راجع بیک حزب مجلس است و باید مدافعه شود و تا بجال که جواب داده نشده رفع اشتباه نشده خوب نبوده و مسامحه در انداء حق مدافعه اکثریت شد و تمام تلگراف کنندگان بواسطه اشتباهات بر آنها این تلگرافها را کرده اند چنانچه مطلب خارج از موضوع اختیارات تام در دفع مواد فساد که بیک چیزی است که همه اتفاق در او دارند هیچ محل اختلاف نیست گمان کرده اند که مرا ساختار مطلق در هر کار و راجع به هر وزارتخانه است از این جهت این تلگرافات را نموده اند و ایراد بر اکثریت مجلس کرده اند پس اکثریت مجلس فقط باید از حق خودش دفاع بکند لایق

**متمین السلطنه** - تلگراف خراسان هم تقریباً بهمین مضمون بود و این تلگرافات تقریباً مضمون است و تصور میکنم از طرف معدودی است و هر جوابی که بخراسان داده میشود بسیارین هم داده شود بطوری که آقای حاج سید ابراهیم فرمودند به مردم اشتباه کرده اند اختیاراتی که داده شده است بهیچ وجه از حدود قانون اساسی خارج نبوده است و راجع بچیز دیگری هم چیزی از دفع مواد تروریسم نبوده است و رفع این شبهه امروز باید بشود و چون سابقاً جواب تلگراف خراسان جزء دستور بود بنده حالا تقاضا میکنم که آقای رئیس اجازه بدهند که در این باب مذاکره بشود جواب تلگراف خراسان و سایر جاها داده شود .

**رئیس** - امروز تقاضا میکنید .

**متمین السلطنه** - بله امروز .

**رئیس** - این تقاضا را خوب است کتبا بکنید و بدهید ( در این موقع تقاضائی از طرف آقای حاج آقا بعبارت ذیل قرائت شد )

بنده تقاضا میکنم که جواب این تلگرافات را همین امروزه داده و مسئله را مورد مذاکره قرار دهند (تقاضائی هم از طرف آقایان متمین السلطنه و شاهزاده حیدر میرزا و آقا میرزا ابراهیم قمی بعبارت ذیل قرائت شد)

بنده تقاضا میکنم جواب تلگرافات خراسان و غیره که راجع با اختیارات نامه رسیده است در دستور امروز گذارده شود .

**رئیس** - آقایانیکه این تقاضا را تصویب میکنند قیام نمایند اغلب قیام نمودند .

**رئیس** - با اکثریت تصویب شد .

**آقامیرزا مرتضی قلیخان** - این مسئله که خیلی مذاکره میشود و لفظ اختیارات در افواه افتاده است بطور غریبی بر مردم مشتبه شده است و تصور میکنم که این خارج است از این موضوعی که میگویند خلاف قانون اساسی است که در حایکه بکلی این فقره مخالف این مفهوم و ابدأ مخالف با قانون اساسی نیست بدلیل اینکه مجلس تا حالا مکرر در این باب مذاکره کرده است و همین

اختیارات را در هر موقعی که لازم شده داده است و قانون اساسی که این مسائل را تصریحاً موعول به تعیین قانون کرده قانون هم باید از مجلس بگذرد و اینجا تصویب شده بنده محض اینکه اطلاعات خودم را شرح داده باشم یک لایحه نوشته ام که اگر اجازه داده شود خوانده میشود و گمان میکنم که به همین لایحه بکلی رفع شبهه شود و فقط یک دفعه است از سوء نسبت با اکثریت ( لایحه مزبور بعبارت ذیل قرائت شد )

نظر به تلگرافی که با مضای همدان اهالی خراسان بتمام منبع نیابت سلطنت عظمی عرض و در تلود دستخط مبارک والا حضرت اقدس ( بشرحی که در صورت مذاکرات مجلس مندرج است ) در جلسه سه شنبه قرائت گردید لزوماً توضیحات ذیل از طرف اکثریت مجلس بمندرجارت تلگراف مزبور داده میشود .

اگر قدری تمسق در مندرجات این تلگراف بشود تصدیق خواهیم کرد که صاحبان امضای آن اگر متعهد در نسبت های خلاف حقیقت نبوده اند و بیهیضی ملاحظاتی خصوصی مقصودی نداشته اند که هیئت دولت و اکثریتی را که شاید تشکیل آن را برخلاف منافع خصوصی خود میدهند در انظار موهون و بی اعتبار نمایند و اولاً باید تصدیق کرد که برای آنسان سوء تفاهمی حاصل شده و شبهه رخ داده است زیرا که بعضی مطالب آن بکلی بی اصل و بعضی دیگر نتیجه سوء ظنی است که از مشورت کردن اذهان حاصل شده است مثلاً در این تلگراف از ( امتیازات و استقرضات و معاهدات استقلال برانداختن ) مذاکره میشود همه تصدیق خواهند کرد که از ابتدای دولت جدید هیچ معاهده بسته نشده است تا چه رسد پانیکه استقلال بر انداز باشد و اگر معاهداتی از حکومت قدیم برای مملکت باقی مانده است ایراد آن بر حکومت جدید و دوزر مشروطیت نمیتوان وارد کرد همچنین در خصوص امتیازات باید گفته شود که مذاکره دادن امتیازی در بین نبوده مجلس شورای ملی حتی هیچ هیئت دولتی هم داخل مذاکره دادن امتیازی نگردیده است خصوصاً که مطابق قانون اساسی دادن امتیاز منوط بتصویب مجلس شورای ملی است و مجلس که نماینده قاطبه ملت ایران است منافع مملکت را بهتر از سایرین حافظ و نگهبان خواهد بود و اگر مقصود از امتیازات وثیقه قرض حالیه است باز محض رفع اشتباه باید گفت و یقیناً کسانی هم که بالزوم استقرضات مخالف بودند تصدیق خواهند کرد که محل تازه بعنوان وثیقه استقرض جدید داده نشده است و همان صلح هائیکه سابقاً محل تأدیبه مطالبات بانک شاهنشاهی بود حالیه همان محل ها وثیقه هستند و فقط این پنج کرور اضافه قرض حالیه نتیجه کم کردن تنزیل و امتداد مدت استهلاك قرض ثابت شده بانک شاهنشاهی است بدون اینکه شرایط بلیتکی داخل این قرض باشد در این صورت باید گفت کلمات استقرضات و امتیازات استقلال بر انداز به بکلی در غیر موقع استعمال شده و مقصود از استعمال کردن این کلمات مشوب کردن اذهان مردم و القاء شبهه است در باب اختیارات نامه نیز اساساً اشتباه بزرگی حاصل شده است اختیارات نامه که از طرف هیئت دولت حالیه در ضمن پروگرام تقاضا شده بود و از طرف مجلس شورای ملی نیز تصویب گردید راجع بکلیه امورات

مملکتی نبوده است که در مملکت مشروطه حدود و اختیارات هر یک از اقواء مملکتی را قوانین اساسی ( که خطوط اصلیه امور را معین میکنند ) و سایر قوانین معین و محدود کرده و هیچکس نمیتواند از آن حدود تجاوز بلکه اختیارات نامه که داده شد فقط راجع بفتح مواد فساد و دفع ترور بوده است که امنیت عمومی و نظم مملکت را تهدید و برای مملکت یک وضع هرج و مرجی را تهیه مینموده است و کسانیکه از روی حقیقت طالب نظم و ترتیب باشند هیچوقت مخالفت قوه که برای دفع مواد فساد حاضر شده باشد نخواهد کرد و اگر رجوع سابقه نمایم خواهیم دید که این اولین دفعه نیست که اختیارات نامه داده شده است و در ابتدای کابینه آقای مستوفی الممالک پس از آن که وضع مرکز مشغوش شد اختیارات نامه راجع بفتح سلاح مجاهدین و دفع مجامع مضره و جلوگیری از مطبوعات یعنی در سه موضوع جداگانه تقاضا و از طرف مجلس شورای بایک اکثریت قریب با تقاضای تصویب گردید عجب در این است که در آن زمان کسی تصور نکرد که اختیارات نامه مخالف قانون اساسی بلکه همان کسانی که فلا تصور این مخالفت را مینمایند در آن زمان رای باختیارات نامه دادند و همچنین اگر رجوع بعملیات مجلس اول کنیم خواهیم دید که در آن مجلس قوانین حکومت نظامی که يك نوع اختیارات نامه در کلبه مملکتی است تصویب شده و بعبارت دیگر مجلس اول نیز تصدیق نموده است که عنداللزوم می توان اختیاراتی فوق حدود اختیارات معینه برای مواقع عادی بهیئت دولت واگذار کرد و اگر این دوسابقه مملکتی است تصویب شده و بعبارت دیگر مجلس اول نیز تصدیق نموده است که عنداللزوم می توان اختیاراتی فوق حدود اختیارات معینه برای مواقع عادی بهیئت دولت واگذار کرد و اگر این دوسابقه هم نمی بود محض رفع اشکال مجبوراً بخسود قانون اساسی باید رجوع نمایم در قانون فقط اصل ۹ و ۱۰ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ متمم قانون اساسی مینماید مربوط بتصدیق و یا تکذیب اختیارات نامه باشند زیرا که در این مواد حدود قوه اجرائیه و اهالی مملکت بالنسبه بیکدیگر معلوم گردیده است کسانی که از تجزیه اصول قوانین مطلع هستند اگر رجوع بخواهند مذکور بنمایند خواهند دید که اگر چه در این مواد ابتدائاً احکام و دستور العمل های کلی معین کرده است ولی باز در خود مواد بواسطه کلمات ( مگر در مواضعی که قانون معین مینماید ) مقنن قائل مستثنیات و تبییحاتی که قانون معین خواهد کرد گردید است اگر مجلس شورای ملی موفق میشد که مستثنیات مذکور را بر طبق قوانین معین می نمود آن وقت خواستن اختیارات نامه لغو و بی معنی بود ولی تا وقتیکه آن قوانین تدوین نشده است یا باید معتقد نصف اغلبی از این مواد شده نصف دیگر را کان لم یکن بینداشت و مثلاً در اصل سیزدهم قانون اساسی قسمت اخیراً که ( مگر بحکم و ترتیبی که قانون مقرر نموده ) باشد فراموش کرده باید فقط معتقد قسمت اول اصل ۱۳ گردید و آنوقت بسکن هیچ آدمکشی هیچ خانگی هیچ مفسدی باید قهراً داخل نگردید و یا اینکه چیزی را قائم مقام قوانینی که هنوز دائر نشده است قرارداد شق اول در نظر اشخاصیکه طالب نظم و امنیت عمومی هستند البته قیر جایز بوده مجبوراً باید بشق ثانی رجوع کرده در این صورت مقنن در عرض آن قانونیکه مستثنیات

اصل ۱۴ را معین مینماید نظر باقتصادی که يك هیئت دولتی دارد تعیین موارد استثناء ( بنظر خود آن هیئت دولت و واگذار مینماید ) قطع نظر از این استدلال و رجوع بقسقه قانون نظر باینکه در قانون اساسی اصلی که راجع بخدم تجویز اختیارات نامه باشد نیست مجبوراً برای تعیین موافقت یا مخالفت با اختیارات نامه با قانون اساسی محتاج به رجوع به مفاد و روح قانون اساسی و تفسیر خواهیم بود و باز مطابق همان قانون اساسی که اساس حکومت جدید است حق تفسیر قوانین بپس مجلس شورای ملی واگذار شده هیئت دیگری صلاحیت این امر را ندارد و قاطع هر امری اکثریت مجلس است و تا وقتی که در مملکت مشروطیت برقرار است اکثریت مجلس شورای همیشه مطاع است و کسی نیامده است که اظهار عدم اطاعت از احکام مجلس ملی نماید مگر اینکه خود او مخالف اساس مشروطیت بوده قانون اساسی را فقط وسیله مقاصد غیر مشروع خود قرار دهد زیرا که اکثریت یعنی خود مجلس بجهت اینکه مجلس بدون اکثریت نمیتواند رای داشته باشد نفی اکثریت یعنی نفی مجلس نفی مجلس یعنی نفی مشروطیت و البته هیچ مشروطه خواهی نفی مشروطیت را نمیکند در باب ارجاع استبداد میشود گفت که ارجاع استبداد بسته بحیثیات خود ملت ایران است و مسا وقتی که حیثیات خود ملت ایران برخلاف استبداد و ارتجاع باشد با کمال قوه قلب میشود گفت که بازار ارتجاع رونقی نخواهد داشت و بهترین وسیله جلوگیری از استبداد اعتماد بهمدیگر و مرتفع کردن سوء ظن بهمدیگر است اگر ملت مشروطه خواه ایران برای هر یک از هیئت های عامله مملکتی و برای خود معتقد بحدودی نبوده خود را در تحت نظم و ترتیب نباشد و تجاوز کردن بحدود بیکدیگر که ناشی از عدم اعتماد و سوءظن فوق العاده است خانه نهمه کارها منجر بهر جرم و مرج و آنداش ارتجاع و استبداد خواهد بود پس رجعت استبداد و یا ابقاء آزادی مستقیماً مربوط بحیثیات خود ملت ایران و درجه کعبارت سیاسی او خواهد بود .

**آقامیرزا مرتضی قلیخان** - چون بطوری که عرض کردم در واقع لطمه این تلگرافات با اکثریت بر می خورد لازم بود که از طرف اکثریت دفاع شود و يك پیشنهادی هم در جواب تلگرافات شده است که اگر مجلس تصویب بفرماید مطابق این مضمون جواب داده شود ( پیشنهاد جوابیه بعبارت ذیل قرائت شد )

مجلس شورای ملی از هیئت دولت تقاضا مینماید که در جواب تلگرافات خراسان مطالب ذیل را تکذیب نمایند .

۱ - از ابتدای دولت جدید معاهداتی منعقد نگردیده است .

۲ - امتیازاتی بکسی داده نشده است .

۳ - اختیارات نامه که در مواقع معینه داده شده است منافی با قانون اساسی نیست ماده يك موافق فوق - ماده ۳ موافق پیشنهاد آقای ارباب کیخسرو ماده ۳ - موافق اصلاح آقای میرزا مرتضی قلیخان با اکثریت چهل و دو رای تصویب شد رجب ۱۳۲۶

**رئیس** - مذاکرات ما باید يك مبنائی و

اساسی داشته باشد آن شرح مفصلاً که خوانندند نمیتوان مأخذ و مبنا قرارداد پس باید این تلگراف مبنای مذاکرات ما باشد یا چیز دیگری تقاضا شود جواب تلگراف مجدداً خوانده میشود. (مجدداً فرائت شد)

**رئیس** - آقای حاج آقا که موافق هستند آقای اردبیلی موافقت با مخالف

**آقای سید حسین اردبیلی** - بنده این نکته را محتاج بر عرض نمیدانم که پشتیبان و تکیه گاه مجلس افکار عمومی یعنی نظر مجلس باید با افکار عمومی باشد و مقصود از افکار عمومی هم آن نیست که تمام افراد یک مملکتی بهیئت اجتماع بدون استناده متوجه یک چیزی باشند یا اینکه در رد و قبول یک چیزی اتفاق داشته باشند افکار عمومی آن قسمت از افکار اهالی مملکت را اطلاق میکنند که بیشتر حساس هستند و مضار و منافع و حقوق منی خود بیشتر توجه دارند و در مدافعه از آن بیشتر اهتمام کرده اند و آن قسمت دیگر مردم که این احساسات را ندارد غالباً تابع حساس ترین از مردم میشوند و چون مجلس باید تکیه گاه افکار عمومی باشد هر گاه تزلزل و تشویش در افکار عامه حاصل بشود بعقیده بنده خیلی بهتر است که بایک زبان لینی رفع آن اشتباه را کرد و بنده هیچ نیخوام داخل این مذاکره بشوم که آنها چطور اشتباه کرده اند و آیا صحیح است اشتباه آنها یا نه ولی ما نباید اشتباه موهوم آنها را یک جواب بشردار زهر آگینی بدیم که بیشتر سوء اثر بکند و گمان بنده این است که مضمون آن لایحه که آقا میرزا مرضی قلبیان خواندند بدبختانه خیلی اسباب

**رئیس** - موضوع مذاکره آن لایحه نیست تلگراف است

**آقای سید حسین اردبیلی** - بله همین قدر اشتباهاتی اگر شده است آنها را باید رفع بکنیم و بعقیده بنده این اشتباهات را که میخوامیم قولا رفع بکنیم بهتر این است که فعلاً رفع کنیم تشویش افکار عمومی آنچه بنده احساس کرده ام از این است که اختیار نام پوزراء داده شده است و این اختیارات برای چه بوده است برای رفع مواد فساد این چیزی نبود که آنجا کسی مخالف باشد گمان میکنم که همه بالاتفاق در این مسئله منفق بودند فقط اختلافی که بود این بود که سوء استعمال نشود و این اختیارات بطور تبعیض استعمال نشده باشد فرض بفرمائید در نظر یک هیئت معینی یک جمعی که با آنها مخالف هستند در تحت عنوان تروریسم واقع میشوند و یک نوع تعدی آنهاست که همه اهل مملکت نمیدانند که مواد فساد بوده اند برعکس مورد محبت آن هیئت میشوند و به مقام فرمانفرمایی و حکومت میرسند و قوای دولت بطور اکمل و اتم برای اهدام یک حزب معینی و یک فرقه معلومی استعمال میشود گمان میکنم موجب تشویش و تزلزل افکار عمومی این بوده و رفع اینهم قطعاً باید بعقبت شود یعنی باید عملاً حالی کرد بتمام مردم که این اختیارات برای رفع مواد حقیقی فساد بوده

است نه میدان دادن بر تجمیع و اتفاق مجلس هم برای رفع تروریست بوده نه اینکه یک فرقه مشروطه خواه واقعی که رفع اشتباه و تشویش اذهان شده باشد بله مایک تروریسم را بیآوریم فرمانبرامی یک مملکت بکنیم و حکومت بدیم و آنوقت بکنیم پیشقدم آزادی را بیآوریم با انواع و اقسام او را دچار تضییق بکنیم این چه میشود این اختیارات آیا قانونی است

**رئیس** - از موضوع خارج شدید **آقای سید حسین اردبیلی** - موضوع چیست بفرمائید خارج نشوم

**رئیس** - موضوع تلگرافی است که پیشنهاد شده است

**آقای سید حسین اردبیلی** - خوب اگر این موضوع نبود این مذاکره ای که شد ولایحه که خوانده شد نمیبایستی بشود برای اینکه اگر آن لایحه را در نظر بگیریم معلوم میشود که خیلی ترسناک است داشته

**رئیس** - دوم مسئله که نمیشود مطرح شود حالا اگر میخواهید در آن لایحه مذاکره شود باید طبع و توزیع شود همه ببینند آن وقت مذاکره شود والا مذاکره باید یک موضوع معینی داشته باشد

**آقای سید حسین اردبیلی** - اگر اجازه بفرمائید بنده عرض خودم را با اختصار تمام بکنم پس خوب است لوایح موقوف بشود و در خصوص تلگراف مذاکره شود

**رئیس** - عرض کردم که دو فرقه نمیشود مطرح بشود این تلگرافی است تقاضا کرده اند سه فرقه مطلب دارد در آن سه فرقه باید مذاکره شود مجدداً فرائت می شود که مطالبش در نظر باشد (مجدداً فرائت شد)

**رئیس** - هر کس مخالف است در این سه مسئله اجازه داده میشود

**سلیمان میرزا** - بنده قبلاً اجازه خواسته بودم و با دو کلمه گمان میکنم که مطلب را ختم بکنم و آن این است که با این موقع حاضر بیچوجه از طرف ما حاضر نیستیم داخل مذاکره بشویم و این اشکالاتی هم که در لایحه شد بامیشود اینها فرع یک مطلب کلی است و گمان میکنم که همه بهتر از من میدانند بنابراین بنده از طرف خود و سایر هم عقیده های خود عرض میکنم که با این بهرانها داخل این مطلب نخواهیم شد و هر قدر هم تضییقاتی در خارج نسبت باقلت شده است و بشود چون برای یک مقصود است که آن اساس عمده حفظ استقلال مملکت است در نظر داریم بیچوجه مدافعه نخواهیم کرد و نظر آقایان اکثریت راجع میکنیم با این وضع حالیه و بحران مملکت و نبودن هیئت دولت مرتب خوب است که در این باب اسباب تشویش و فکر کلی میکنم و بطور کلی عرض میکنم که مخالف با این تلگراف هستیم همان طوری که آقای اردبیلی فرمودند که بطوری جواب نوشته نشود که آنها اینکه این تلگراف را کرده اند بیشتر بریشان بشوند و اگر بی ترتیبی متدلانه جواب داده شود گمان میکنم که بهتر باشد و آنچه که هست مطابق با عملیات نیست شاید ما هم حرفی نداشته باشیم

**آقای میرزا مرتضی قلبخان** - سوء تفاهمی شده است اجازه بفرمائید عرض کنم

کاگر رای گرفته شود الان همان عده آقایانی که ۴۱ یا ۴۲ رأی اختیار تا بر آن موقع تصویب کردند حالا هم بر خواهند خاست و همین صورت تلگراف را تصویب خواهند کرد و اقلیت بجای خود خواهد نشست و هیچ حسی از جانب آنها دادر نخواهد بود اگر ما بخوایم بنام مجلس شوری یک مسئله قانونی را که ساعات عدیده بلکه روزهای متواتره مذاکره لازم دارد که باید داخل فلسفه و روح قوانین بشویم و از روی آن یک مسئله را بشکافیم و بهیمیم و اگر بخوایم این را سابقه از برای خودمان قرار بدیم که هر وقت آمدند هیئت وزراء اختیاراتی بگیرند از مجلس شورای ملی و بگوئیم در فلان موقع مجلس رأی داد و اختیارات تامه قبیل مخالف قوانین اساسی نیست بنده این را جدا تکذیب میکنم و در وقت رأی گرفتن از مجلس شورای ملی خارج می شوم که اینجانبانم که یک سابقه گذاشته شود در مجلس شورای که اختیارات تام مخالف با قانون اساسی نیست بله اختیار تام مخالف است با قانون اساسی هر دولتی هر ملتی خصوصاً با قانون اساسی ما بنده یقین دارم که هیچیک از آقایان حاضر در مجلس تصدیق نخواهند فرمود که در این موقع مایک سابقه بگذاریم میگویند فرضاً این مسئله دادن اختیارات مایک سابقه داشت در کابینه آقای مستوفی الممالک دادن اختیارات تامه یک کابینه ذلیل نمیشود که مجلس شورای ملی یک اختیارات تامه بدهد که سابقه بشود از برای هر کابینه که در آتی خواهد بود آقایان اکثریت ملاحظه بفرمائید که وضع حکومت ملی تغییر میکند شاید همان آقایان که الان در اکثریت هستند در آتی که نزدیک شده است بروند در اقلیت و محقق در وقتیکه در اقلیت باشند هیچ وقت تصدیق نخواهند فرمود که مجلس شورای ملی چنین سابقه مشهوره اتخاذ کرده باشند که هر هشتی آمدند در جلو جوس کردند و اختیارات تامه خواستند اظهار کردند بدهید ما آنها حاضر باشند که برای آن ها تصدیق سکوت باشند بنده نمیبینم که هیچیک از این آقایان حاضر باشند از برای یک همچو سابقه ما میتوانیم که همین دائره را خیلی محدود بکنیم که هم منافع مجلس شورای ملی بجا باشد و هم شئون اکثریت بجا بماند هم شئون اقلیت بجا بماند هم سابقه بی در آتی برای مابقی نماند در آن موقعیکه گفتگوی اختیارات تامه بود آقایان مذاکره میکردند که اختیارات از برای چه چیز است و آن چیست اختیارات از برای دفع مواد فساد و تروریسم (گفتند حالا هم همین است)

**و حیدر الملک** - بنده در دو فرقه اولش که بستن معاهدات و دادن امتیازات باشد ضدیق ندارم معلوم است بستن معاهدات و دادن امتیازات باید با اجازه مجلس شورای ملی و همچنین چیزهایش مانده است و یقین دارم که دولت حاضر هیچگونه معاهده با خارج نیست است و هیچگونه امتیازی بکسی نداده است و مجلس شورای ملی هم میتواند با کمال جرئت این را تکذیب بکند ولی در مسئله ثالث که راجع است با اختیارات اگر نظر آقایان باشد آنوقت که پروگرام وزراء آمد مجلس بنده کسی بودم که ضدیق کردم و در ضدیق و مخالفت خودم مواد زیادی از قانون اساسی را آنجا فرائت کردم و فلسفه اینکار را در آن روز بیان کردم بنده میتوانم عرض بکنم که در آن روز هیچ جواب مسکتی از جانب مجلس شورای ملی بنده نداده نشد و هیئت وزراء هم که خودشان حاضر بودند و دفاع میکردند همیشه متمسک بودند باضطرار و تقاضای وقت هیچکدام داخل نشدند در تروریسم و تقاضای که از روی آنها جواب بنده را بفرمایند و الا این صورت تلگرافی را که آقایان اکثریت نوشته اند و تقدیم هیئت رئیسه کرده اند اینرا میخواهند باسم مجلس شورای ملی بهیئت دولت بفرستند تا اینکه هیئت دولت جواب تلگراف را بدهند این محقق است

**و حیدر الملک** - اینطور نیست و آنها از برای یک مدت معینی و یک دائره خیلی محدودی اگر ما بتوانیم این را یک طوری بفهمانیم که سابقه از برای آتی بر قرار نکنم بنده در سهم خودم آن ضدیق و مخالفت را که باید بکنیم نخواهم کرد لکن بنده چنانچه آن روز تشریح کردم و حالا هم ضدیق دارم که قانون اساسی ما هیچگونه اختیارات را ما فوق آنچه که در نص خودش ذکر میکند ما نداده است وقتی در همان دائره خیلی تنگی هم که اختیاراتی خواسته میشود از مجلس شوابی بدفت آن را تحت مذاکره بیآوریم و آن را هم اگر

بخوایم بدیم بعقیده بنده باز مخالف خواهد بود بانس و روح قانون اساسی و ما میبینیم فلسفه این کار را از همان روز اول که این مسئله آمد مجلس شورای ملی تا بحال از برای پارلمان آن نوع نتیجه که باید داشته باشد بجز نتیجه سوء نداشته است روز بروز از ابهت ما کاسته شده است و روز بروز از شئون مجلس شورای ملی که مرکز کلیه قوای مملکت است دارد کاسته میشود ارتجاع شروع شده است این هیچ خوب نیست امروز کیست از ما این ما ها و خارج از این حوره که بداند چطور ترتیبات و خیمه و شومی برای ما تهیه شده است در این موقع ما نباید یک نقطه یک سرسوزن از شئون مجلس شورای ملی بکاهیم مجلس شورای ملی مؤسس است و گذاشته شده است بر روی مجور قوانین اساسی قوانین اساسی ما باید محتاج بیعضی از تغییرات و تبدیلات باشد ولی عجلانته همینطور که هست قوانین اساسی ما دستور العملی است از برای مجلس شورای ملی و ما باید از روی نص و مطابق با روح آن رفتار بکنیم و ابهت و عظمت شأن خودمان را در ابهت و عظمتشان این قوانین ملاحظه بکنیم اگر بیاین بدست خودمان یک سابقه قرار بدیم و بگوئیم که دادن اختیارات تامه بر ضد قوانین اساسی نیست این کاستن ابهت و شأن مجلس شوری است و کاستن ابهت و شکستن شئون مجلس شورای ملی است

**رئیس** - اینطور نوشته نشده است دوم مرتبه خوانده شد حالا هم آن فرقه سیم را بازمیخوانند (فرقه ناله صورت جواب تلگراف مجدداً فرائت شد)

**حاج آقا** - من تصدیق میکنم عقیده شاهزاده سلیمان میرزا را که فرمودند در این موقع هیچ داخل این مذاکرات شدن خوب نبود اکثریت مجلس شورای ملی هم یک مقدار که مسامحه کردند جواب تلگراف خراسان از همین نقطه نظر بود که امروز هیچ مقتضی نیست که در این نمره چیزها که شاید بعضی تصورات طرفین بکنند داخل شوند ولی جد بکنیم که آن نفع از جای دیگر هم شروع نشود و بنده هیچ داخل نمیشود در فلسفه شروع شدن این نفعات از جایی بواسطه اینکه نه راجع مجلس است و نه راجع باین موضوعی است که آقای رئیس معنی فرمودند ولی در خصوص این جواب داخل می شوم در اینها و در این سه ماده که در جواب نوشته شده و مطابق واقع و جواب واقعی برای اشخاصیکه در مقام استفاده از حقایق باشند و بخوانند واقعات در دستشان بیاید جواب کافی میدهم یکی معاهدات است که البته هم تصدیق کردند که معاهداتی میشود که یکی امتیازات یعنی امتیازاتی که بخارج داده باشند نه راجع با امتیاز صابون بزی یا معنی غیره که داده اند که آقای ارباب فرمودند که اگر قید بشود آنها هم بد نیست آنگاه که میدانند چیزی داده نشده است یکی هم اختیارات نامه است که عمده چیزیکه آقایان مخالف میشوند اگر چه آن روزیکه پروگرام وزراء به مجلس آمده بود این مذاکرات بطور مفصل شد و آنچه ایراد و آنچه جواب بود داده شد ولی باز لازم میدانم که عرض کنم چون دو مرتبه شروع میشود که این اختیاراتیکه در پروگرام وزراء نوشته شده بود همان طوریکه آن روز هم گفته شد امروز هم باز گو

مرتبه میگویم راجع بچشمه هین طور که در این لایحه نوشته شده است بود ممکن است که ظاهر آ بگویند که مخالف جمله اول از یکی دو اصلهای قانون اساسی است متلا در یکی از اصلها میگوید افراد مردم از حیث جان و مال و مسکن و شرف محفوظ و مصون از هر نوع تعرض هستند و متعرض احدی نمی توان شد مگر بحکم و ترتیبی که قوانین مملکت معین میکند البته حکم و ترتیبی که قوانین مملکت معین میکند و در اصل قانون اساسی استثناء میکند دارای فایده خیلی بزرگ است یعنی یکوقت صلاح مملکت سادات مملکت این است مملکت مقتضی این است که برخلاف چیزی که در آن نوشته شده رفتار بکنند در ممالکی که این قوانین یعنی قوانین مملکتی مرتب شده و مجلس شورای ملی آنها مدنی از عبرت را گذرانده و موفق شده که قوانین را مرتب کند البته دستور العمل را همان قوانین حاضر مدارند ولی در مملکتی مثل مملکت ما که مجلس شورای ملی هنوز آن قدر سال بر آن نگذشته است که بتواند تمام قوانین را مرتب بکند میخوامیم بدانیم معنی قانون چیست در یک همچو موقع استثنائی که مقنن آن قانون را نوشته و میدانسته است که یکوقت لازم دارد در آن مواد اگر مادچار شویم و واقعاً مبتلا بشویم مثل این است که در آن مواد که اختیار داریم در موقع (تروریسم) فرض بفرمائید اگر دو نفر تروریسم در یک خانه باشند و بخواهند آنها را بگیرند و قانونی هم نداریم آن وقت از حیث جان و مال و شرف محفوظ و مصون از هر نوع تعرض هستند باین ترتیب آیا موفق میشویم بآن چیزی که روح قانون اساسی و اصل قانون اساسی معین کرده است آیا باین سادات مملکت موفق میشویم که رفع یک چنین تروریسم را بکنیم یا خیر و گمان میکنم موفق نشویم بواسطه اینکه این اصل جلو گرفته و او هم آنها نشسته قانون که اینجا معین کرده است این قانون را کی وضع میکند مجلس شورای ملی میگذرانند بدیهی است که مقنن که ترتیب قوانین را بدهد در مملکت غیر از مجلس شورای ملی کسی نیست معنی قانون که از مجلس میگردد چیست یعنی آن موادیکه اکثریت مجلس شورای ملی آن ماده یا آن مواد را تصدیق میکنند در مملکت مشروطه غیر از قوانینیکه از مجلس شورای ملی تصویب نمایند کت من گذشته باشد چیزی نیست گمان نمیکنم که کسی باشد در مملکت که استنشق هوای مشروطیت را کرده باشد و معنی قانون را غیر از این بداند یعنی چیزیکه مجلس شورای ملی برای این ترتیب قوانین مملکتی که استثناء جزء آن است چیزی غیر از این نیست چون دیده است که نتوانسته یک کتاب مبسوطی مدون کرده باشد در یک موقع لزوم تصدیق کرد که دفع مواد فساد و این استثناء با اختیار دولت واگذار میشود و هر جا را که ماده فساد ببینند اقدام میکنند و رفع آن ماده فساد را میکنند و آن روزیکه مجلس شورای ملی این را تصویب کرد این قانون شد نه برخلاف قانون اساسی قانون چون غیر از اکثریت مجلس شورای ملی چیزی نیست آن کسانی که این اعتراض را کرده اند آن کسانی که این تلگراف را کرده اند من برخلاف مشروطیت و برضد اساس مشروطیت

و قانون اساسی تلگرافشان را میباید و این يك نلمه بود که از يك چند نفر معدودی به اساس مشروطیت زدند بجهت اینکه ایراد با کثرت و حکم اکثریت قانونی که از مجلس شورای ملی میگردد کرده اند نه اکثریت بلکه مجلس شورای ملی بواسطه اینکه رای مجلس شورانست الا رای اکثریت اکثریت چیزی را نمیگوید غیر از قانون که در مملکت وضع میشود و رای اکثریت رای مجلس است و بنده عرض میکنم که این تلگراف چون مخالف قوانین مشروطه و حقیقت سلطنت ملی بود باید همینطور که نوشته شده معول کنیم به هیئت دولت و یک چیزی هم علاوه بکنیم که این حرکتی که کرده اند و این تلگرافی را که اینطور بیجا گاه کرده اند يك نلمه با اساس مشروطیت و به یارلمان بوده و کسبکه اندک حس مشروطه خواهی داشته باشد بآن ترتیب گذشته باشد خودش را مجاز نمیداند در مشروطه که اعتراض بان قانون بکنند و لازم میدانم که این مطلب هم بآنها الحاق بشود که بآنها حالی کنیم و آن راجع بحیثیات است که باید حسابات مجلس شورای ملی را تقدیس بکنیم و بنده عرض میکنم در مملکتی که حکومتی دارد حسابات عمومی حسابات حکومت است حسابات عموم حسابات اشخاص معدود نیست و الا آن سلطنت را سلطنت ملی نباید گفت سلطنت (الیکارش) اسمش را باید گذاشت.

خوب است این قسم مذاکرات را ترک بکنیم و چنانچه عرض کردم امروز ما باید يك نظریات عمده تری داشته باشیم و در صورتی که بحران هائی را که بآن مبتلا هستیم می بینم و آن امورات در نظر هست بهیچ قسم اختلافات بین اقلیت و اکثریت نخواهد بود و هر چند که در این چند وقت گذشته بعضی تضییقات دیده شده که با اقلیت وارد آمد و همه دیده اند و در خارج هست و محتاج بذکر در اینجا نیست ولی بنده خیلی متأسفم از این اظهارات که در اینجا شد که شاید این تلگراف باشاره يك عده مددوری شده بود و تکدیب میکنم بالاخره تقاضا می کنم که قطع بکنیم این مطالب را و اکثریت و اقلیت بالاتفاق گفتگو بکنیم در اموراتی که مهم تر است و در پیش داریم و يك یا بانی باین بحران ما بندهم و اقدامات از برای مملکت و فکری برای امنیت مملکت بکنیم منتهی ما نظر اتمام در این مطالبی که پیش آمده است مخالف است و در بدو امر هم مخالف بود ولی هر چه را که اکثریت قطع میکنند بالاخره همان محل عمل خواهد بود.

**محمّد هاشم میرزا** - بنده تصور میکنم که هر چه در این موضوع مذاکره بشود غیر از آن مذاکراتی که آن روز کرده شد مذاکره تازه نشود و جواب هم جوابهایی است که داده شده از اینجهت بنده لازم میدانم که پیش از این مذاکرات شود مذاکره که باید بشود رای بگیریم و مطلب را ختم بکنیم.

**آقا میرزا احمد** - آنطوریکه حضرت والا شاهزاده سلیمان میرزا فرمودند که در اول محاضر بودیم که عرض نکنیم ولی اگر بنا شود که صحبت بکنیم باید هم در اصل قانون اساسی صحبت بکنیم و هم در عملیاتی که آقایان وزراء در اینصورت کرده اند آن عملیات را هم شرح دهیم معلوم بشود به بنیم آن اختیارات چگونه عمل شده است اگر اجازه میفرمائید عرض کنم.

**رئیس** - گمان میکنم همینطور که گفته شد موقعی نیست که مذاکرات خارج از موضوع بشود **آقا میرزا احمد** - پس چرا صحبت میکنند. **رئیس** - دغدغه نفس داده میشود. بنده از نفس تشکیل شد. **رئیس** - در فتره سیم پیشنهادی شده از طرف آقای آقا میرزا مرتضی قلیخان بعبارت ذیل خوانده شد بنده پیشنهاد می نمایم که در فتره سیم جواب تلگراف اینطور نوشته شود اختیاراتی که برای رفع مواد فساد بکایتیه داده شده است منافی با قانون اساسی نیست. **سلیمان میرزا** - بنده در بدو امر هم اظهار داشتیم که حسن این بود که این قسم مذاکرات نشود و باز هم در بیان عرض میکنم که اگر بشود

و اصلا هم اظهار این مطلب را چنانچه فرمودند بنده هم عقیده ام این است که هیچ صحیح نیست که در این موضوع اظهار مخالفتی از طرف اکثریت بشود و فقط اظهاری که از طرف اکثریت شد بجهت رفع سوء تفاهمی بود که از طرف يك عده از ملت شده است که میخواهیم آن ها هم موافقت داشته باشند و بدانند که فقط از این دو موضوع یعنی که تا بحال اختیارات داده شده است خلاف قانون اساسی نبوده است برای اینکه خود قانون بعضی مواد را استثنا کرده است و این در موضوع هم از همان مواردی است که استثنا شده است پس هیچ فرض در این موضوع نداریم بجز اینکه میخواهیم يك دفاعی شده باشد از سوء تفاهمی که از طرف يك عده از ملت شده است که میخواهیم آن ها هم رفع اشتباه از ایشان بشود و با ما موافقت داشته باشند و میخواهیم دفاع کنیم از کار های مجلس شورای ملی در اینصورت **رئیس** - حالا صورت جواب تلگراف خوانده میشود با پیشنهاد آخری و رای میگیریم ( بعبارت ذیل قرائت شد ) .

مجلس شورای ملی از هیئت دولت تقاضا مینماید که در جواب تلگرافات خراسان مطالب ذیل را تکذیب نمایند .

۱ - از ابتدای دولت جدید ماهداتی منقذ نگردیده است .

۲ - امتیازاتی یکسری داده نشده است .

۳ - امتیازاتی که برای رفع مواد فساد بکایتیه داده شده است منافی با قانون اساسی نیست .

**آقا میرزا ابراهیم خان** - آقای ارباب هم پیشنهاد میکنند که نوشته شود در فتره دوم ( امتیازاتی بخارج داده نشده است ) . گفتند صحیح است ( ) .

**رئیس** - رای میگیریم باین جواب تلگراف باین اصلاحی که آقای ارباب پیشنهاد کرده اند آقایانیکه تصویب می کنند قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند ) .

**رئیس** - با کثرت ۴۲ رای تصویب شد . یک دستخط دیگری هم از آقای نایب السلطنه رسیده است قرائت میشود بعبارت ذیل قرائت شد .

مجلس شورای ملی .

تلگراف اهالی اردبیل که خطاب باولیاء امور است لفا از ملاحظه نمایندگان محترم می گذرد و حقیقتاً موقع کمال ناخر و وقت است چون قانوناً این جانب را اختیار و مسئولیتی نیست توجه وزراء عطاء و نمایندگان محترم را که مراجع قانون امور هستند به مشکلات رعایا و رنج بران و اختلال حال مملکت جلب مینمایم و با بیانیاتی که در موقع اداء مراسم کرده ام بر هر صاحب وجدانی منوم است از مشاهده حال اختلال امور مملکت چه تأثیری برای اینجانب حاصل است .

رفته تادیب و شرازش - هم مورد تاخت و تازا شراد زراعت در این موقع قریب حصول بکلی یا بمال عرض و ناموس رنج بران و رعایای دهات بایک تاجه بد دست بی رحمان طوایف اشرار بدتر از طایفه مغول اسیر و ذلیل در خود شهر شبها از شست و لول و وحشت حتی برای اطفال معصوم هرگز خواب راحت ممکن نیست هرچه تلگرافات میکنیم تا حال اتزی از اقدامات شامعلوم نیست و ابداً فکر ما را نمیکنید و بر حال حاضر معارف ندارید سهل است خیال دارم مجوسین اشرار را کدر طهران با کمال ناز و استراحت تامه مشغول میشهند علاوه بر جان ما مسلط نمایند آخر مایه چارگان چه گناه داریم و چه تقصیری نداشتیم که این مگر ما مسلمان نیستیم اگر کافر هستیم شما بجهت ما مسلمان و بامانویت دارید شمارا باسلامیت تا به مروت تا بدینتان بماند بجهت ما مملکت تا و معبود خودتان قسم میدهم چند روزی دعوی طرفیت اقل و اکثر و اعتراض شخصی و ریاست پرستی خودتان را موقتاً موقوف و کنار گذاشته در فکر بیچاره گئی ما بدینتان مافکرت گردگان ما تیره روز گردان باشید و الا نفس ما باخر و کار دیاستخوان رسیده پسر ما سوخته شد اگر علاج دارید بکنید بکنفر حاکم خیلی کافی با استعداد کامل و وافی سربماً فوراً هر چه زودتر بفرستید و اگر علاج ندارید بفرستید بوسائل دیگر چاره جوئی نمایم زیاده از این طاعت نداریم گوش اگر گوش تو بخاله اگر ناله ما است آنچه البته بجائی نرسد فریاد است .

**حاج شیخ رئیس** - امضاء کیست . **رئیس** - امضاء متعدد دارد - حالا بنده گمان میکنم که موقع مذاکره در این موضوع نیست و بجهت ما این است که این برود به کمیسیون داخله در آنجا وزیر داخله را بخواهند و مذاکره بکنند و راپورت را از برای جلسه بعد بدهند - آقایانی که این ترتیب را تصویب میکنند قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند ) **رئیس** - با کثرت چهل و سه رای تصویب شد .

باز يك فتره دیگر آقای نایب السلطنه بنده دستخط فرموده بودند که از گیلان چند نفر تلگرافی مبارزه کرده اند به مجلس و ایشان را خواسته بودند که هر جوابی که از طرف مجلس داده میشود به منضم اطلاع بدهید که منضم همان طور جواب بدهم و آن تلگراف هم طبع و توزیع شده است و همه آقایان مسجون هستند حالا اگر صلاح میدانند رجوع میشود به کمیسیون عریض و پس از مذاکره در کمیسیون بهر طور که در مجلس تصویب شد جواب تلگراف نوشته بشود ( گفتند صحیح است ) .

راپورت کمیسیون بودجه راجع به آیت الله زاده طهرانی خوانده میشود . ( ماده اول و دوم راپورت بقرار ذیل قرائت شد ) .

ماده ۱ - قریه ( آوه ) خالصه در ساوه که مبلغ هفتصد و چهل و هشت تومان نقد و مقدار دویست و هفتاد و دو خروار غله و یکصد و هشت و هفت خروار گاه جمع آن است به ملکیت بورات مرحوم آیت الله حاج میرزا حسین طهرانی نورالله مضجعه و اگذار میشود ماده دو - مبلغ یک هزار و بانصد تومان برای

مغادر مسافرت آقای حاج شیخ محمد تقی مجتهد و وزارت مالیه مجاز است کار سازی دارد . **رئیس** - در کلیات مذاکره میشود مخالفی هست ( اظهاری نشد ) . **رئیس** - در کلیات مخالفی نیست آقایانیکه تصویب میکنند داخل در شور مواد بشویم قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند ) . **رئیس** - با کثرت ۳۹ رای تصویب شد ماده اول قرائت میشود ( مجدداً خوانده شد ) . **معدل الدوله** - اینجا يك نکته است که باید متذکر بشویم که آقایان قریه را که بوره و اگذار میکنند این مبلغ و مقدار جمع دیوانی او را که هر ساله بورده آن مرحوم خواهند پرداخت بدون مالیات خواهند بود یا اینکه مالیات هم از همین موضوع میشود و اینجا بدون مالیات نوشته شده است و اگر بدون مالیات باشد باید بنده بدانم که چه مبلغ و مقدار مالیات از برای آن تعیین خواهند کرد و آیا کمیسیون بوجه قید کرده اند که مالیاتی بمذاوضه مالیات برای کلیه املاک باین قریه تعلق خواهد گرفت یا خیر اینها خوب است آقای مغیر توضیح بدهند که این چه صورتی دارد برای اینکه این ترتیبیکه پیشنهاد شده است بکلی از ترتیب دفتری خارج است .

**حاج عز الممالک** ( مخبر کمیسیون بودجه ) - اینجا خاطر آقایان را متذکر میکنم که البته عایدی این خالصه راجع خواهد بود بوره بجهت اینکه اگر بنا باشد که همین آن عایدی که حالا بدولت پرداخته میشود بعد هم بپردازند دیگر چیزی بوره عاید نخواهد شد و راجع بحالیات این محل نظر وزارت مالیه این بوده است که هر قسم که با سایر اربابان املاک رفتار میشود در گرفتن مالیات از قرار عشریه یا طورهای دیگر با آنها هم همین طور رفتار خواهد شد .

**حاج سید ابراهیم** - میخواستم عرض بکنم که این بیاناتی که آقای مغیر فرمودند از اینصورت استفاده نمیشود و اگر مقصود از آن ماده همان چیزی است که فرموده اند پس خوب است يك جمله را باین ماده بیفزایند که معنوی باشد و الا از خود ماده بدون توضیح این مقصود مفهوم نمیشود .

**حاج عز الممالک** - بخیر خوب در این خصوص پیشنهادی میشود . **رئیس** - پس در ماده دوم چون باین ماده منافاتی ندارد مذاکره میکنیم و رای میگیریم تا این که این ماده اصلاح بشود .

( ماده دوم مجدداً قرائت شد ) . **رئیس** - مخالفی در این ماده هست ؟ ( اظهاری نشد ) .

**رئیس** - معلوم میشود مخالفی نیست رای میگیریم بماده دوم آقایانیکه ماده دوم را تصویب میکنند ورقه سفید خواهند انداخت . ( اوراق رای اخذ شد ، آقای حاج میرزا رضا خان از قرار ذیل شماره نمود ورقه سفید ۳۵ ورقه آبی ( ۱ ) . **رئیس** - ماده دوم قبول نشد - رد شد - رای میگیریم بماده اول باین اصلاحاتی که شده است ( دو فقره پیشنهاد بترتیب ذیل قرائت شد ) .

۱ - از طرف آقای حاج عز الممالک پیشنهاد میکنم که باخر ماده اول اضافه شود و مالیات این ملک را وزارت مالیه مطابق مالیات سایر املاک اربابی دریافت خواهد داشت .

۲ - از طرف آقای آقا میرزا رضا خان - بنده پیشنهاد میکنم عبارت ذیل بماده اول راپورت کمیسیون بوجه اضافه شود همه ساله عشر عایدات قریه مزبوره را بعنوان مالیات بدولت بپردازند . **حاج عز الممالک** - بنده عرض پیشنهاد خودم این پیشنهاد آقای آقا میرزا رضا خان را قبول میکنم . **رئیس** - پس ماده اول با این اصلاح قرائت می شود .

ماده ۱ - قریه آوه خالصه در ساوه که مبلغ هفتصد و چهل و هشت تومان نقد و مقدار دویست و هفتاد و دو خروار غله و یکصد و هشت و هفت خروار گاه جمع آن است بملکیت بورات مرحوم آیت الله حاج میرزا حسین طهرانی نورالله مضجعه و اگذار میشود که عشر عایدات قریه مزبوره را بعنوان مالیات بدولت بپردازند .

**ارباب کمیسیون** - بنده این را صحیح نمیدانم که اینطور نوشته شود برای این که هر چه معمولی سایر املاک است از اینجا هم باید گرفته شود و وضع عشر یا ثمن داغلط میدانم . **حاج عز الممالک** - اینکه آقای ارباب فرمودند ضرری نخواهد داشت بجهت اینکه مالیات مستقیمی که نا بحال گرفته میشده است يك ترتیب نبوده است و البته بعد از آنی که قوانین اخذ مالیات و ترتیب آن از مجلس گذشت شامل این ملک هم خواهد بود و از این جهت هم پیشنهاد آقای آقا میرزا رضا خان را بنده قبول کردم برای اینکه مناسب تر بود یا اینکه نوشته شود وزارت مالیه مالیات آنرا مطابق مالیات سایر املاک اربابی خواهد گرفت برای اینکه سایر املاک اربابی همه يك حکم را ندارند تا اینکه مطابق آن قرار کلی از این ملک هم بگیرد بلکه هر جایی يك ترتیبی دارد و عجلالتاً این جمله را که در اینجا باین ماده اضافه میکنیم در حقیقت يك مالیاتی است که آلان برای این ملک وضع میشود و بعد هم که يك ترتیب و قانون کلی از برای اخذ مالیات مملکتی از مجلس گذشت البته در باره این ملک هم جاری خواهد بود .

**حاج سید ابراهیم** - بنده هم اگر آقای ارباب قانع نشده اند میخواستم همین را عرض کنم که این ملک خالصه است و آنچه دولت از این محل میگرفته است همین محصول آن بوده است که در این راپورت معین شده است و حالا اگر بیاییم و بگوئیم که این را باز بدولت بدهند دیگر چیزی باقی نماند که ما تصویب بکنیم بوره آیت الله بدهند و لکن اگر این را بملکیت وراثت واگذار میکنیم و مثل سایر املاک آن فرض میکنیم آن وقت سایر املاک را که ملاحظه کنیم میبینیم که از بعضی جاها نصف عشر گرفته میشود و از بعضی جاها دو عشر و کمتر و بیشتر و آن راه عادلانه که بالنسبه بتمام املاک ملاحظه کنیم همین عشر است که از این محل



گرفته شود (مجدداً ماده اول با اصلاح آقای آقا میرزا رضاخان فرائت شد).

**رئیس** - رأی میگیریم باین ماده با این اصلاحیکه شده است آقایانیکه تصویب میکنند ورقه سفید بپندازند.

(اوراق رأی اخذ شده و آقای حاج میرزا رضا خان از قرار ذیل شاده نمود).  
ورقه سفید ۳۱ ورقه آبی یک.

**رئیس** - ماده اول رایوروت کمیسیون بودجه تصویب شد.

**حاج عز الممالک** - اینجا ممکن است که نظر آقایان بترتیب مالیات بوده باشد که رأی ندارند ورد هم شد و بواسطه این که اکثریت باورقه آبی نبود.

**رئیس** - چطور رد نشده است وقتیکه چیزی تصویب نشد رد شده است حالا آقای ارباب و آقای افتخار الواعظین يك اصلاحی پیشنهاد کرده اند خوانده میشود (بترتیب ذیل فرائت شد).

۱ - از طرف آقای ارباب کبخسرو.  
بنده تقاضا میکنم ماده اول بدون اصلاح اخیر يك عشر مالیات رأی گرفته شود.

۲ - از طرف آقای افتخار الواعظین.  
بنده تقاضا میکنم اصلاح شود رأی گرفته شود.  
**رئیس** - این را از اول خوب بود تجربه این را تقاضا میکردند که محتاج نشویم باینکه حالا دومرتبه در رأی بگیریم.

**حاج عز الممالک** - يك ملكی بی مالیات که نخواهد شد پس خوب است این را رجوع بکنید به کمیسیون که در آنجا باحضور معاون وزارت مالیه مذاکره بشود و يك تقراری از برای مالیات آن بهمیم بعد بیاید بمجلس و رأی گرفته شود.

**رئیس** خیلی خوب چون مخیر کمیسیون تقاضا میکند بر میگردد به کمیسیون.  
رایوروت کمیسیون بودجه و کمیسیون خارجه و کمیسیون فواید عامه راجع باستخدام پنج نفر مستخدم خارجه برای وزارت پست و تلگراف خوانده میشود.

(رایوروت کمیسیون فواید عامه بعبارت ذیل خوانده شد).

کمیسیون فواید عامه در روز چهارشنبه بیست و سوم جمادی الاخری منعقد گردید در خصوص تقاضای وزارت پست و تلگراف تصویب استخدام مستخدمین اروپائی که در کمیسیون خارجه ملیت آنها را معین کرده بودند مذاکرات بمسئل آمد و اینک ماده واحده ذیل با اکثریت در کمیسیون تصویب شده و تقدیم مجلس شورای ملی میشود در خصوص اعتباری که وزارت مزبور خواسته راجع به کمیسیون بودجه خواهد بود.

ماده واحده  
کمیسیون فواید عامه تصویب میکند پنج نفر مستخدمین از سوی برای وزارتخانه پست و تلگراف جهت مشاغل مقصنه استخدام شوند.  
۱ - سمت مدیری کل تلگراف خانه یک نفر  
۲ - برای مفتش در اداره سگرافخانه و پست خانه یک نفر  
۳ - مکانسین یک نفر  
۴ - برای اداره کردن

ست و تلگراف جنوب یک نفر - برای اداره کردن پست و تلگراف آذربایجان و حدود شمال یک نفر.  
( ماده واحده رایوروت کمیسیون بودجه بعبارت ذیل فرائت شد ).

ماده واحده - برای استخدام پنج نفر مستخدمین خارجه برای وزارت پست و تلگراف که کثرت آنها باید از مجلس شورای ملی بگذرد پنجاه هزار فرانک اعتبار بوزارت پست و تلگراف داده میشود.

**حاج سید ابراهیم** - بنده در آن دورایوروت چون نقطه خارجه اش معین بود خواستم عرض کنم قرار بود معین نکنند و در کمیسیون بودجه که مذاکره شد بنده که مستخدمین خارجه باشد و مقید بجائی نکنیم که از هر جا که صلاح دولت است جلب شود اگر مقید شده نقطه معین موافق بانظر کمیسیون بودجه نخواهد بود شاید کمتر بایشتر تصویب کنند.

**منتصر السلطان** - در رایوروتیکه از کمیسیون بودجه پیشنهاد شده یک نفر چهارده هزار فرانک و سایرین را نفی نه هزار فرانک معین کرده اند و سابق بر این که مذاکره میشد بنده هم در کمیسیون بودجه و پست و تلگراف بودم هر وقت مذاکره میشد که مستخدمینی لازم داریم برای این اداره - بیش از هفت هزار فرانک مذاکره میشد که تقریباً قریب هزار و سیصد تومان میشود و اگر آقایان نمایندگان در خاطر داشته باشند در چند روز پیش از این برای اجراء مالیه که چند نفر غیر از آن هائیکه سابقاً رأی داده بودیم خواستیم و پیشنهاد کرده بودند برای یک نفر شان يك هزار و شصت دلار رأی دادیم که هر دولاری يك تومان ده شاهی می شود گاهی هم یک تومان و ده شاهی کم میشود وغالباً يك صد دینار است و بنده از این پنج نفر چون یکی از آن ها اداره کننده تلگراف است در باره او چهارده هزار فرانک را زیاد نیدام ولی آن چهار نفر دیگر که یکی نه هزار فرانک است خیلی زیاد میدانم و بیش از هفت هزار فرانک تصویب نکنیم.

**حاج عز الممالک** (مخیر کمیسیون بودجه) - این مسئله در کمیسیون خیلی مذاکره شد معاون وزارت پست و تلگراف شصت شش هزار فرانک پیشنهاد کرده بودند و ماخذش را هم همانطور که در مقدمه رایوروت کمیسیون بودجه نوشته شده است قرار داده بودند که یک نفر از قرار ۱۸ هزار فرانک چهار نفر از قرار دوازده هزار فرانک که مشاغل هم برای این اشخاص معین میشود که چه اشخاص باید باشد که در اینجا بتوانند از عهده آن مشاغل بکنند با آنها رجوع میشود بخوبی بر آید و تا يك درجه هم رجوع شد بودجه بزرگ که به بنیم چه اشخاصی در آنجا حقوقی میگیرند تقریباً دیده شد که در آنجا يك (دبیرد کتری) نه هزار فرانک مواج میگیرد و يك (شفت) شش هزار فرانک مواج میگیرد و این را باید تصور کرد که مستخدمینی را که ما از خارج جلب میکنیم باینجا بآن مواجی که در آنجا پو میدهند قائم نخواهد شد يك تفاوتی باید گذاشت یک قدری هم نظر بشماغلی که در آنجا آنها مستخدم خواهند بود بکنند و بلطوری قرار بدهند که از برای آنها هم میسر باشد قبول استخدام در يك مملکتی خارج از مملکت خودشان

میکند و يك مقامی را هم آنها باید دارا باشند که از عهده خدمتی که بآنها رجوع میشود بتوانند بر آید و وزارت پست و تلگراف شصت و شش هزار فرانک پیشنهاد کرده بود و کمیسیون بودجه پنجاه هزار فرانک تصویب کرد و این هم زیاد نیست بعلاوه باید دانست که این اعتباری است که بوزارت پست و تلگراف داده میشود که بنیجتر استخدام کنند شاید هم به کمتر از این مبلغ توانست استخدام کند و اینکه با وجود اینکه این مبلغ اعتبار است شصت و شش هزار فرانک اعتبار نداریم بجهت این بود که ما در وزارت خانه سوء استفاده شود و به همان مبلغ که به آنها اعتبار داده شده است استخدام نمایند و اگر ما بخواهیم باز به کمتر از این مبلغی که کمیسیون تصویب کرده است معین کنیم گمان میکنم آن وقت آن طوریکه لازم است و میخواهیم از آنها استفاده کنیم نمیتوانیم استفاده کنیم و اگر بخواهیم نظروزی را بگیریم آن وقت هم چنانچه عرض کردم ممکن است همانطور سوء استفاده بشود.

**منتصر السلطان** - در این مسئله که میفرمایند ما بودجه بزرگ نظر کرده ایم بنده بآنجا نظر ندارم بمملکت خودمان نظر دارم که چندی قبل با شما مستخدم که آن هم بزرگی بود و سمت مدیری داشت برای گمرک عربستان در ششماه قبل از مجلس گذشت حقوق او و شش هزار فرانک مذاکره میشد که تقریباً قریب هزار و سیصد تومان میشود و برای مستخدمین وزارت مالیه که از آمریکا خواستیم که متخصص هستند و حسابات مادر حق آنها معلوم است خودشان هزار و شصت دلار که هزار و شصت تومان باشد پیشنهاد کرده بودند و ما تصور میکنم که نتوانیم بودجه مملکت بزرگ با بودجه نقطه دیگر را در نظر داشته باشیم ما باید بودجه خودمان را در نظر بگیریم و بنده هفت هزار فرانک را بتل آمریکائی ها و بزرگی ها تصویب میکنم که داده شود و بیش از این را تصویب نکنیم.

**حاج عز الممالک** - اینجا مقصود بنده هم این نبود که نظر ما فقط بودجه بزرگ بوده است لیکن البته این نظر نظر صحیحی است که به بنیم دیدم کتری که آنجا هست چند مواج دارد و بوجه مبلغ میشود او را مستخدم کرد اما این را هم باید تصور کرد که يك مدیر کلی که برای پست و تلگراف میاید برای این است که این هر دو اداره را متوأم اداره شود یعنی در ایالات مدیر ایالتی و مفتش ایالتی هر دو اداره باشد و بنا بر این شاید از يك مدیر گمرک از درجه شان عالی تر باشد آن وقت برای مدیر کل و بیول ایران دوست و - پنجاه تومان میشود و یک نفر مستخدمی که بتواند مدیر کل بشود اداره تلگرافی باشد که از این میشود استخدام کرد و سایرین هم تقریباً ماهی صد و شصت تومان خواهند داشت و آقایانی که در اینجا نظریاتی دارند خوب است توضیحات بدهند.

**رئیس** - اینجا سه فقره رایوروت است یکی از کمیسیون خارجه یکی از فواید عامه و یکی هم از کمیسیون بودجه ولی بنده می بینم که معاون اینجا اظهاراتی میکند که کمیسیون خارجه اظهار می کند.

**مفتی السلطنه** (مخیر کمیسیون خارجه) - کمیسیون خارجه در اینجا در این موضوع که مبلغ امدت چقدر باشد و هیچ نمیتواند داخل مذاکره شود و بنده چون دیدم هنوز در خصوص ملیت آنها

میکند که نشده از طرف کمیسیون خارجه ساکت بودم این مطلب وقتی که بکمیسیون خارجه رجوع شد فقط توانست که در ملیت آنها رأی بدهد این بود که اینجا گفته شد از سویس خواسته شود در آنجا اکثریت رأی داده شد که از سویس خواسته شود حالا اگر معاون نظریاتی داشته باشند در این رأی ممکن است بگویند تا نظریات مجلس معلوم شود.

**معاون وزارت پست و تلگراف** - بله این مطلب که از طرف وزارت پیشنهاد شد فقط برای يك اجازه بود که بتواند وزارت داخل مذاکره شود از يك مملکتی که دارای لوازم و شرایط این استخدام باشد و لوازم جریان امور این اداره و ترتیبات انتظام این اداره را دارا باشد پنج نفر مستخدم را پیوروت و همین طور که فرمودند چون در کمیسیون خارجه اول بملیت اینها رأی داده شده است و چنانچه در آن کمیسیون ملاحظه فرمودند تقاضای وزارت دوم محل بود و لا بد وزارت هم در این دو محل يك نظریاتی داشته حال کمیسیون يك محل مخصوص کرده رأی قطعی داده اند و بعد از اینکه این لایحه تقدیم مجلس شد و در آنجا بنیجتر رسم با بعضی از محله داخل مذاکره شد و از این محلیکه اینجا معین شده است و بنده گمان میکنم که در این موضوع اگر چنانچه برگردد بکمیسیون و آن نظریاتی که حاصل شده است تقدیم کمیسیون شود شاید يك کاری شده باشد که بتواند آنرا ختم کرد و طوری باشد که طرف مقابل هم نتواند بپذیرد و بنظر بنده گویا بهتر باشد.

**مفتی السلطنه** با ترتیبی که آقای معاون اظهار میفرمایند بنده مانی نمی بینم که از حیث ملیت آنها بکمیسیون برگردد که مجدداً پیشنهاد کرده شود مسلم است باز آنجا توضیحات خواهند داد و بالاخره هر چه نظر کمیسیون بود برای دادند رایوروت داده خواهد شد ولی جهت دیگر که عدت کثرت و مبلغ است اگر بخواهند مذاکره بکنند مانی نخواهد بود.

**رئیس** - پس اول در رایوروت کمیسیون بودجه راجع بمبلغ حرف میزنیم.

**معاون وزارت پست و تلگراف** - بنده گمان میکنم بعد از این که مخیر کمیسیون خارجه تقاضا کردند که برگردد بکمیسیون پس بهتر این است که آن توضیحی که داده شد و آن مذاکرات غیر رسمیه که داخل مذاکره شده ایم در خصوص مبلغ هم مذاکره کرده ایم در آنجا تعیین مبلغ هم تا يك اندازه بدست ما خواهد آمد و بدون اینکه يك ميزانی بدست ما بیاید گمان میکنم صلاحیت نداشته باشد که در مبلغ حرف بزنیم پس گمان میکنم بهتر این است که برای ملیت بود بکمیسیون بودجه که در آنجا مذاکره شود و نتیجه را بیوروت مجلس تا اینکه کمیسیون بودجه هم از روی يك بصیرتی و اطلاعات کاملی رأی بدهند و رایوروت بدهند.

**شهبانی** - بنده در کمیسیون بودجه هستم و در کمیسیون فواید عامه هم ودم و مذاکراتی که شد است مسبق هستم و کاملاً ملتفت شدم و عقیده خودم را عرض میکنم مادامیکه سوء ظنی داشته باشیم و بخواهیم در حرثیات مطالب وارد شویم هیچ وقت نمیتوانیم نتیجه بگیریم يك پیشنهادی بکنند و يك اعتباری نخواهند بعد از آن این اعتبار را باید پیوروت داد با کمال سمیعیت.

**رئیس** - شما مخالف هستید؟  
**شهبانی** - بله مخالف هستم با رایوروت و میگویم پیشنهاد وزیر را که ۶۶۰۰۰ فرانک است قبول میکنم.

**حاج شیخ علی خراسانی** - بنده عقیده ام این بود که اول باید در رایوروت کمیسیون بودجه مذاکره شود تا يك اعتباری وزیر برای خودش اخذ نکند چگونه استخدام خواهد کرد البته نظر مجلس بهمان نقاط است که اظهار شده است که از سویس چون مناسب این کار است خواهند خواست که بکنند یا در فر مستخدم بیوروت در کمیسیون بودجه که این رایوروت مطرح شد و مذاکره شد نظر معاون وزارت پست و تلگراف بر این بود که ۶۶۰۰۰ فرانک اعتبار داده شود کمیسیون بودجه نظر پیوروت ممالکتی کرد همچو صلاح دانست که يك مستخدمی آورده باشد که مواج او کمتر باشد و لهذا دادن مقدار يكه وزیر پیشنهاد کرده بودند کم کرد نسبت به هر کس ۱۰۰۰ فرانک کم کرد و نسبت باعضاء بگی ۳۰۰۰ فرانک کم کرد و گفتند این اعتباری است داده میشود بوزارت خانه بآن تفصیلیکه نوشته شده است داخل مذاکره شوند و مستخدم بیوروت بعد غیر از آن در محلیکه پیشنهاد کرده بود بايك محل دیگری هم مذاکره شد ولی بنده هیچ مانعی نمی بینم در اینکه این اعتبار داده شود و این يك اعتباری است که داده میشود بوزارت پست و تلگراف از برای دخول در مذاکره و اما بعد از مذاکره بجهت مقداری قطع خواهد شد باز پیشنهاد مجلس میشود و اینکه در چه محل مستخدم میشوند البته مذاکره خواهد شد و تا این اعتبار داده نشود چگونه وزارت پست و تلگراف میتواند داخل مذاکره شود بعد از اینکه ظاهر مجلس را معطوف باین استخدام دید و دید بودجه و مخارج و حقوق آنها تصویب کرده است یعنی آن اعتبار را تصویب کرده است داخل مذاکره میشود و از محلی لابد مستخدم خواهند کرد که البته نظر مجلس به همان نقاط است که اظهار شده که از سویس چون مناسب است اینکار هسته خواهند خواست.

**رئیس** - دو مرتبه ماده را بخوانید.  
( مجدداً ماده واحده فرائت شد )  
**رئیس** - رأی میگیریم باین ماده آقایانیکه موافقت ورقه سفید خواهند انداخت آقایانیکه مخالف هستند ورقه کبود خواهند داد.  
(در این موقع شروع باخت آراء گردید و آقای حاج میرزا رضاخان اوراق رأی را باین عده احصا نموده ورقه سفید ۳۳ ورقه کبود ۴)

**رئیس** - رایوروت کمیسیون بودجه تصویب نشد رایوروت کمیسیون خارجه را که مسترد کردند بر میگردد بکمیسیون خاطر آقایان را متذکر میکنم که در جلسه قبل آقای حاج آقا تقاضای کمیسیونی کرده بودند قبل از آنکه تشریف ببرید اعضاء آن کمیسیون را انتخاب فرمایید و اعضاء کمیسیون شش نفر خواهد بود در جلسه آتی هم چیزی نداریم که در دستور بگذاریم.  
( چند نفر اظهار کردند رایوروت کمیسیون تجدید نظر در نظامنامه انتخابات را جزء دستور بگذارید )  
**رئیس** - کمیسیون تجدید نظر در نظامنامه

انتخابات رأی نداده است مگر اینکه یکی از آقایان پیشنهادی بکنند در رأی بگیریم ( بعضی اظهار کردند که پیشنهاد میکنیم ).  
**رئیس** - دستور جلسه آتی رایوروت کمیسیون انتخابات رایوروت کمیسیون قوانین مابراجم بهم وراثتیکه حقوقشان کمتر از دو تومان است عجلاناً همین دو مسئله جزء دستور است تا بعد اگر چیزی رسیده جزء دستور بگذاریم.  
( در این موقع يك ربع قبل از ظهر است رئیس حرکت کرده مجلس ختم شد ).  
**جلسه ۲۶۷**  
**صورت مشروح روز شنبه ۴ شهر رجب المرجب ۱۳۲۶**  
مجلس سه ساعت و ربع قبل از ظهر افتتاح و پس از یک ربع بریاست نایب رئیس آقای آقامیرزا مرتضی قلیخان رسماً تشکیل شد  
صورت مجلس روز پنجشنبه و آقای آقامیرزا ابراهیم خان فرائت نمود  
غائبین روز پنجشنبه - حاج وکیل الرعایا - ناصر الاسلام - حاج امام جمعه - آقا سید حسن مدرس - ابو اجازه - آقا شیخ رضا - آئینه محمد خان - ادیب التجار - با اجازه غائب بود - افتخار الواعظین - نیساعت - میرزا یاسر چهل دقیقه از حضور در وقت مقرر تأخیر نمودند.  
**نایب رئیس** - آقای ادیب التجار در صورت مجلس ملاحظاتی داشتید؟  
**ادیب التجار** - بنده قبل از دستور عرض دارم در صورت مجلس عرضی ندارم.  
**نایب رئیس** - آقای آقا سید حسین اردبیلی راجع بصورت مجلس ملاحظه داشتید؟  
**آقا سید حسین اردبیلی** - در خصوص جوابی که بمبایستی بخراسان و همدان مغایره شد شرحی بنده عرض کردم در صورت مجلس اشاره بآن نشده است دیگر در خصوص جواب تلگراف اردبیل آنچه بنظر بنده میاید گویا قرار بر این شد که کمیسیون داخله با وزیر داخله مذاکره بکنند و جوابی بنویسند که در این جلسه فرائت شود.  
**نایب رئیس** - آن مطلب اول صحیح است و نوشته میشود ولی آن مطلب ثانی چون دیروز جمعه بود مجلس نشد از این جهت جلسه آتی راجع میشود.  
**ارباب کبخسرو** - ایراد بندهم همان بود که آقای آقا سید حسین اردبیلی راجع بجواب تلگراف اردبیل فرمودند و اینکه مجلس نبود دلیل نمیشود که در صورت مجلس جزء دستور قید نشده باشد آنچه اینجا جزء دستور میشود باید در صورت مجلس قید شود.  
**آقا میرزا ابراهیم خان** - در مسئله تلگراف اردبیل مقید بجلسه آتی نشد فرار شد که کمیسیون داخله با وزیر داخله در این باب مذاکراتشان را بکنند و بعد از نوشتن رایوروت جزء دستور بشود.  
**نایب رئیس** - چون آقای شریف العلماء امر و تشریف آورده اند مقدم ایشان را لا خلی تبریک میکنیم و شنباً چون بموجب قانون اساسی باید مراسم تحلیف را بعد بیوروت تا اینکه مطابق قانون بتوانند داخل مذاکرات بشوند از این جهت

میکند و يك مقامی را هم آنها باید دارا باشند که از عهده خدمتی که بآنها رجوع میشود بتوانند بر آید و وزارت پست و تلگراف شصت و شش هزار فرانک پیشنهاد کرده بود و کمیسیون بودجه پنجاه هزار فرانک تصویب کرد و این هم زیاد نیست بعلاوه باید دانست که این اعتباری است که بوزارت پست و تلگراف داده میشود که بنیجتر استخدام کنند شاید هم به کمتر از این مبلغ توانست استخدام کند و اینکه با وجود اینکه این مبلغ اعتبار است شصت و شش هزار فرانک اعتبار نداریم بجهت این بود که ما در وزارت خانه سوء استفاده شود و به همان مبلغ که به آنها اعتبار داده شده است استخدام نمایند و اگر ما بخواهیم باز به کمتر از این مبلغی که کمیسیون تصویب کرده است معین کنیم گمان میکنم آن وقت آن طوریکه لازم است و میخواهیم از آنها استفاده کنیم نمیتوانیم استفاده کنیم و اگر بخواهیم نظروزی را بگیریم آن وقت هم چنانچه عرض کردم ممکن است همانطور سوء استفاده بشود.  
**منتصر السلطان** - در این مسئله که میفرمایند ما بودجه بزرگ نظر کرده ایم بنده بآنجا نظر ندارم بمملکت خودمان نظر دارم که چندی قبل با شما مستخدم که آن هم بزرگی بود و سمت مدیری داشت برای گمرک عربستان در ششماه قبل از مجلس گذشت حقوق او و شش هزار فرانک مذاکره میشد که تقریباً قریب هزار و سیصد تومان میشود و برای مستخدمین وزارت مالیه که از آمریکا خواستیم که متخصص هستند و حسابات مادر حق آنها معلوم است خودشان هزار و شصت دلار که هزار و شصت تومان باشد پیشنهاد کرده بودند و ما تصور میکنم که نتوانیم بودجه مملکت بزرگ با بودجه نقطه دیگر را در نظر داشته باشیم ما باید بودجه خودمان را در نظر بگیریم و بنده هفت هزار فرانک را بتل آمریکائی ها و بزرگی ها تصویب میکنم که داده شود و بیش از این را تصویب نکنیم.  
**حاج عز الممالک** - اینجا مقصود بنده هم این نبود که نظر ما فقط بودجه بزرگ بوده است لیکن البته این نظر نظر صحیحی است که به بنیم دیدم کتری که آنجا هست چند مواج دارد و بوجه مبلغ میشود او را مستخدم کرد اما این را هم باید تصور کرد که يك مدیر کلی که برای پست و تلگراف میاید برای این است که این هر دو اداره را متوأم اداره شود یعنی در ایالات مدیر ایالتی و مفتش ایالتی هر دو اداره باشد و بنا بر این شاید از يك مدیر گمرک از درجه شان عالی تر باشد آن وقت برای مدیر کل و بیول ایران دوست و - پنجاه تومان میشود و یک نفر مستخدمی که بتواند مدیر کل بشود اداره تلگرافی باشد که از این میشود استخدام کرد و سایرین هم تقریباً ماهی صد و شصت تومان خواهند داشت و آقایانی که در اینجا نظریاتی دارند خوب است توضیحات بدهند.  
**رئیس** - اینجا سه فقره رایوروت است یکی از کمیسیون خارجه یکی از فواید عامه و یکی هم از کمیسیون بودجه ولی بنده می بینم که معاون اینجا اظهاراتی میکند که کمیسیون خارجه اظهار می کند.  
**مفتی السلطنه** (مخیر کمیسیون خارجه) - کمیسیون خارجه در اینجا در این موضوع که مبلغ امدت چقدر باشد و هیچ نمیتواند داخل مذاکره شود و بنده چون دیدم هنوز در خصوص ملیت آنها

(قرآن) رامیآورند و باید قسم یاد بکنند (در این موقع کلام الله مجید را آقای حاج میرزا رضا خان مجلس آورده عموماً حضار تمظیماً قیام نموده پس از آن آقای شریف العلماء نماینده مازندران بکریسی نطق آمده مطابق اصل یازدهم قانون اساسی قسم یاد نموده و رقه قسم نامه را امضاء نمودند).

**نایب رئیس** - دستور امروز قانون انتخابات است **ادیب التجار** - بنده قبل از دستور اجازه خواسته بوم

**نایب رئیس** - همینطور که تقاضا کرده اید خوانده میشود. (دایورت کمیسیون اصلاح نظامنامه انتخابات عبارت ذیل قرائت شد)

کمیسیون تجدید نظر در قانون انتخابات در غره ربیع الثانی منقذ و قریب (۲۸) جلسه با فوق العادها انعقاد یافت در این جلسات تمام مواد نظامنامه انتخابات را از تحت نظر گذرانید و در هر ماده که نظر جدیدی برای اعضاء کمیسیون حاصل بود پس از ذکر دلایل با اکثریت رای کمیسیون اتخاذ گردید و همچنین در خصوص حوزه بندی ها موافق نظریات جدید رای اکثریت بتوسعه حوزه ها و افزایش عده و کلاسه تحصیل شد اخیراً در چند جلسه مسئله طریق انتخابات در یک درجه و دو درجه مطرح بحث شد و در این موضوع هم پنج جلسه کامل مذاکرات و مباحثات طولانی بعمل آمد آراء کمیسیون در این خصوص به نوع توجه یافت رای بعضی مطلقاً هر یک درجه و بعضی دیگر مطلقاً بردو درجه بود و بعضی معتقد بتفصیل گشتند باین معنی که شهرها و اماکن که حق انتخاب یکوکیل بیشتر دارند یکدرجه و نقاط دیگر که بواسطه بعد مسافت و کمی جمعیت حق یک وکیل را ندارند بلکه باید بضمیمه چند نقطه دیگر از میان خود انتخاب وکیل بکنند در باره آنها بدو درجه اعتقاد داشتند چون آراء در این خصوص مختلف بود و اکثریت قاضی نیشدلهذا در جلسه ۲۳ جمادی الثانیه تمام دوازده نفر اعضاء کمیسیون حضور بهم رسانیده موافق شرح ذیل کسب رای شد

قائلین یکدرجه مطلقاً (۴) رای قائلین بدو درجه مطلقاً (۵) رای قائلین بتفصیل ۳ رای چون در این خصوص اکثریت تمام حاصل نگشت و مسئله بنای اصلاً اکثر مواد دیگر نظامنامه انتخابات بوده اورا محض اهمیت مسئله کمیسیون نمیتوانست قبل از کسب رای مجلس در این مسئله رایورت مواد دیگر را تقدیم کنند این است که فقط رایورت این ماده عده را تقدیم داشت تا پس از تحصیل رای مجلس رایورت سایر مواد را متناسب با نظر مجلس تقدیم دارد.

**نایب رئیس** - بطوریکه ملاحظه فرمودید کمیسیون نظامنامه انتخابات در اینجا رأی اظهار نکرده است و فقط سه رای اینجا اظهار شده است یک درجه و دودرجه و قائلین بتفصیل حالا آقایان باید ملاحظه موافق و مخالف را در این سه قمره بکنند

**حاج شیخ اسدالله** - چون در اینجا کمیسیون اصلاح نظامنامه انتخابات یک رای قطعی نداده است از اشجهت بنده قبلاً که داخل مذاکره بشوم پیشنهادی

کرده ام و داده ام خدمت آقای نایب رئیس و خوانده میشود و عقیده بنده این است که چون بتفصیل که خیلی و اهر بنظر میآید برای اینکه یک قانونی را که وضع میکنند برای یک مملکتی نظر باصل مطلب و اساس میکنند و اگر نظر اشخاص که عقیده با انتخابات مستقیم دارند تصویب شد دیگر تفصیل ندارد و اگر هم رد شد باز تفصیل معنی ندارد و برای بعضی ملاحظاتی که در باره بعضی از قراءه و قصبات هست نمیتوان قائل بتفصیل شد و یک قانونی را از هم تجزیه کرد پس باید مذاکره فقط در انتخابات بطور مستقیم و غیر مستقیم کرد برای اینکه قبول بتفصیل را بنده به هیچ وجه قابل مذاکره نمی دانم و عقیده بنده این است که باید انتخابات کلیه مستقیم و یکدرجه باشد چرا برای اینکه غیر مستقیم اگر بنا باشد انتخاب شود بنده انتخابات غیر مستقیم و انتخاب دو درجه را مخالف با قانون اساسی و مخالف اساس مشروطیت میدانم حالا بطور مخالف با اساس مشروطیت میدانم باین دلیل که غرض از مشروطیت و سلطنت مشروطه سلطنت ملی و حاکمیت اکثریت ملت است و حاکمیت اکثریت ملت یعنی اکثر ازمالت عمقوا نماینده و وکیل خود بنمایند و مجلس شورای ملی بفرستند و زمام این سلطنت و حکومت را بدست آنها بسپارند برای اینکه مسلم است که همان نسبی که مکرر صحبت شده است و همه میدانند در خصوص انتخابات امکان ندارد که تمام مملکت یا یک ایالتی و ولایتی اتفاق بکنند در این باب یک نفر آراء هم مختلف میشود و در صورت اختلاف آراء هم حاکمیت مطابق اصل مشروطیت با اکثریت ملت است و اکثریت ملت هر کس را انتخاب کرد او نماینده ملت میشود و این اکثریت و حاکمیت در انتخابات دو درجه زیر با میورد برای اینکه ممکن است در ایالتی و ولایتی یک نفر از درجه اولش بده هزار رای انتخاب بشود و بعد عده کثیری هم در ضمن انتخاب شوند بقیه صد رای و صدوسی رای و از این فراد بسیار مختلف و چون در انتخاب درجه اول است اکثریت نسبی هم که ما کافی میدانیم آن وقت آن کسیکه صد رای انتخاب شده است با آنکس که بده هزار رای انتخاب شده است در درجه اول در یک ردیف هستند و باید در درجه ثانی حاضر بشوند و نماینده انتخاب بکنند و بعد از آنیکه این عده از منتخبین حاضر شدند از برای انتخاب شانی ممکن است که بعضی از ملاحظاتی شخصی و بعد از اسباب چنینها این دهمزار رای که بده هزار رای در درجه اول انتخاب شده است منسوب اقلیت و آن عده که بعد و صدوسی رای انتخاب شده اند واقع بشود یعنی در درجه ثانی آن صدرای انتخاب بشود و آن دهمزار رای که اکثریت داشته است انتخاب نشود و بعد از آنیکه اینطور شد آنوقت نه اقلیت حکومت پیدا کرده است نه اکثریت بجهت اینکه اکثریت ملت با آن کسی بود که بده هزار رای انتخاب شده است و نظرشان باینست که آن شخص بیاید بمجلس و حق حاکمیت آنها را بدست بگیرد و این نقش غرض شده است یعنی آن ده مغلوب صدرائی شده است آنوقت این صدرائی بجه عنوان میآید در مجلس و کالت میکند و زمام حکومت و سلطنت ملی را که اساس آن برای اکثریت ملت

است بدست میگیرد از این جهت است که بنده این را مخالف اساس مشروطیت میدانم و بعضی از معظورات و مواعینی را که در اینجا ملاحظه میشود که مثلاً اگر هر آینه انتخابات یکدرجه بشود آن لزوم تولید اشکال میکند آن ها را بنده به چه چه مانع نمیدانم برای اینکه بعضی از آقایان شنیده ام که میفرمایند انتخابات دو درجه سبب میشود که اشخاص لایق بصیر عالم تر انتخاب میشوند بجهت اینکه ملت آن علمی که باید داشته باشد و آن قسمی که باید بی حقوق خودش برده باشد نبرده است و بسا هست که اشخاص را درجه اول انتخاب میکنند که لیاقت انتخاب شدن را نداشته باشد و در این صورت در درجه ثانی آن وقت کاندیدان میشوند و آن اشخاص که لایق هستند انتخاب خواهند شد بنده عرض میکنم که این غلط است و اگر یک نفری از طرف ملت با اکثریت منتخب شد هر چه بی علم باشد و ملای را داد و وکیل ملت است و لو این که بی علم باشد و از وجود آن یک نفری که وجه ملی دارد بیشتر میتوان استفاده کرد تا آن یک نفر عالمی که لایق وجه ملی را دارا نیست و بهین دلیل که میفرمایند که هنوز ملت بی حقوق خود نبرده است بنده عرض میکنم که انتخابات باید مستقیم باشد تا اینکه آن وکیل که از آن ها بمجلس میآید از طرف اکثریت آن ها انتخاب شده باشد و او نماینده آنها باشد یا اینکه از آن خودشان شوائبی داشته باشند و برای اینکه ملت گوش بچراغ آن یک نفر عالمی که آمده است بمجلس نمیده و لابد نمیتوانیم از وجود او استفاده بکنیم علاوه بر این اینکه میفرمایند در انتخاب درجه ثانی مردمان عالم تر و بصیر تر بمجلس می آیند این اشتباه است برای اینکه در انتخاب ثانی که تقلب میشود یک تقلب در درجه اول یک تقلب در درجه ثانی بجهت اینکه آن اشخاصی که در انتخابات میتوانند تقلب بکنند خیلی برای آن ها تقلب در درجه نانی سهل تر است برای این که اگر شخصی بخواهد در درجه اول تقلب بکند باید ده هزار نفر یا پنجهزار نفر را با خود بکند و این تقریباً غیر ممکن است ولی در درجه ثانی ده نفر یا بیست نفر را یا تطمیع پول یا تهدید یا خود همراه کردن نسبتاً خیلی سهل تر و آسان تر است و آن وقت این مطلب حجب میشود که آن اشخاصی که واجب نفوذ هستند وکیل بشوند و آن اشخاصی که دارای وجه ملی میباشند انتخاب میشوند و بنده این ترتیب و کالت را هیچ صحیح نمیدانم و بطوری که عرض کردم بر خلاف مشروطیت میدانم علاوه بر این یک چیز دیگری را که میفرمایند که انتخابات مستقیم غلط است و باید غیر مستقیم باشد (ممنوع الملک - کسی نگفته است) دفع دخل بقدر آن است قلت اگر کسی بگوید در بعضی جا ها انتخابات یکدرجه ممکن نیست بنده عرض میکنم خیلی سهل و آسان است و مانعی هم ندارد اما در مرکز ایالت و ولایت که هیچ اشکالی برای اینکه ملاحظه میفرمایند کمیسیون انتخابات رای داده است و حوزه ها را زیاد کرده است و این بکفوری کار را سهل کرده است و این که میفرمایند که فلان بلوک یا در فلان محله که در جزء ایالت است حضور وکیل انتخاب میکنند این اشکال در این صورت دارد

نخواهد شد بجهت این که آن وقت در همان شهر ایالت یا ولایت انجمن نظار منقذ میشود و از اطراف میآیند رای خود را را میدهند با اکثریت وکیل انتخاب میکنند هیچ اشکالی هم ندارد برای این که با آن بیاچنان که حق انتخاب بیست یا سی نفر وکیل میدهند تمام آن ها را که مجبور نیستند بیایند در تبریز انتخاب بکنند ده نفرش را در مرکز تبریز یا جاهای دیگر است انتخاب میکنند ده نفرش را در اردبیل و باقی را در شهرها قصبات و بلوکات انتخاب میکنند و تمام افراد بحق خودشان رسیده اند ولی اگر انتخاب را دو درجه قرار بدهیم اغلب شهرهای جزء و قصبات از انتخاب محروم میشوند و اغلب و کلاسه از مرکز تعیین میشوند و آن ها بیکه از اطراف در درجه اول انتخاب میشوند در مرتبه ثانی منتخب خواهند شد و در این باب یک درجه این اشکال را نخواهیم داشت که یک جمعی را از حقوق ملیشان محروم کرده باشیم علاوه بر این اگر در بعضی از بلوکات فرض کردیم که ممکن نشود که انجمن نظار منقذ بشود در آن صورت هم بنظر بنده چندان اشکال ندارد بجهت این که اگر آن انجمن نظاری که در صورت دو درجه بودن منعقد میشود محل اطمینان و اعتماد است در صورت یک درجه بودن هم ممکن است که انتخابات را بعمل بیاورد باین ترتیب که در یک نقطه که انجمن نظار منعقد شد توسط یک صندوق رأی را ترتیب میدهند و میرند در دهات و بلوکات و در تمام جاها و نقاط میگردانند و از تمام افرادی میگیرند و اگر محل اعتماد نیستند و میگویند که ممکن است در وقتی که صندوق را میگردانند تقلب بکنند بنده عرض میکنم که این احتمال در انتخابات دو درجه هم داده میشود و این تقلب را در همان وقت هم ممکن است بکنند حالا زیاد بر این عرض نمیکند و دلیل بر انتخابات یک درجه و بطلان انتخابات دودرجه خیلی دارم عجلاناً بهمین ندر از عرایض خودم اکتفاء میکنم و باقی دلایل خود را میگذارم از برای مداخله در مقابل اشخاصی که بعد از بنده اظهار مخالفت میکنند و متکرر انتخابات یکدرجه هستند.

**نایب رئیس** - پیشنهادی است که آقای حاج شیخ اسدالله راجع بهمین بیاناتی که کردند داده اند و یک پیشنهادی هم آقای بهجت باین مضمون کرده اند هر دو خوانده میشود و بعد بطریق مخالف و موافق در آنها مذاکره میکنیم (بترتیب ذیل قرائت شد) (۱) از طرف آقای حاج شیخ اسدالله بنده پیشنهاد میکنم که در نظامنامه انتخابات نوشته شود .

ماده واحده - انتخابات در تمام مملکت ایران بطور یکدرجه و مستقیم خواهد بود ۲ از طرف آقای بهجت چون کمیسیون انتخابات بطور قطعی در کیفیت انتخابات رای نداده لهذا ماده ذیل را پیشنهاد میکنم که در جزء قانون انتخابات قید بود

ماده - انتخابات نمایندگان برای مجلس مقدس در تمام مملکت ایران بطور مستقیم خواهد بود

**بهجت** - اجازه بفرمایید توضیحی راجع باصلاح عبارت دارم عرض کنم.

**نایب رئیس** - بعد از آقای معزز الملک بفرماید آقای معزز الملک . اگر چه از فراری که حس کردم آگویا اکثریت مجلس تملاتی با انتخابات یک درجه کی بیشتر باشد (اغلب تصدیق کردند)

**معزز الملک** - به تصدیق آقایان تصور میکنم در این مواد مناط اعتبار نباشد ولی نظر باین که وجداناً مجبور می دانم خودم را آن اشکالات را میبینم در انتخابات یکدرجه کی حاصل میشود و کسی در آیه نگوید که هیچکسی این اشکالات را پیش بینی نکرده بود این است که مجبورم نظرات خودم را عرض بکنم اولاً بنده تصور میکنم مسئله انتخابات یک مسئله خیلی مهم است که حتماً وزراء باید اینجا حاضر باشند بجهت اینکه این پیش بینی برای آیه مملکت است خوب بود آنها حضور میداشتند و نظرات آنها در باب انتخابات معین میشد و در گذراندن قانون انتخابات شرکت میکردند با مقنن و بنده عقیده ام این است که پیش از این که مذاکره قانون انتخابات خودم جمع بشود و وزراء این مسئله ابلاغ بشود و آنها را احضار بکنند از برای اینکه در مجلس حاضر باشند البته هیچ جای شک و شبهه نیست که انتخابات یک درجه مستقیم معنی متناسب این یک نوع انتخاباتیست که خیلی نزدیک است بحقوق ملی و بهترین انتخاباتی است که ممکنست تصور شود زیرا که ما را نزدیک میکند بآن آرزو و آمال جلب قوای ملی و بهترین فورم مشروطیت این هیچ جای شک نیست ولی چیزی که هست برای رسیدن بهر آرزو و آمالی انسان قبل از آن که اسباب مقدماتی حاضر بکند و فراهم نبودن اسباب و مقدمات بخواهد آن آرزوی خودش را اجرا بکند بطور قطع میشود گفت که عوض نایل بآن آرزو و مقصود همیشه نتیجه بر عکس خواهد بود و این دلیلیکه که آقای آقا شیخ اسدالله فرمودند که «محرومیت اکثر» بجهت اینکه ممکن است یک کس بده هزار رای انتخاب بشود و یک کس بیست رای انتخاب بشود و آن وقت هر دو را یک تراز بگذاریم پس معلوم میشود اکثریت این را اینرا بنده تصور نمیکنم اینطور باشد بجهت این که اولاً هر قانونی که در دنیا گذاشته میشود نوشته میشود هیچوقت نمیتواند خالی از معایب باشد در هر قانونی حتماً یک مقداری معایب دارد و یک مقداری محسنات دارد و هیچ قانونی جز قوانین آسانی که البته از این قوانین و این معنی مستثنی است دیگر هیچ معننی نمیتواند دعوی بکند که من یک قانونی میگذارم که ایرادی بر آن نباشد البته باید معایب محسنات را سنجید آن وقت هر کدام محسناتش زیادت را باشد آن را قبول باید کرد و اگر بنا باشد حرف محرومیت را بزنیم همیشه اکثریت محروم میشود بجهت اینکه اگر بنا باشد رجوع بکنند باستانستیک (احصائیه) خواهید دید آن کسانیکه رای نمیدهند همیشه عده شان خیلی زیادت است از آنها کی میبهند پس نباید در اینجا این حرف های مردم را که محرومیت اکثریت از انتخاب خواهند شد بیان آورد و مندا کرده کرد باید دلیل آورد و با

با دلیل رد کرد در انتخاب نمایندگان باید دو نظر باشد یکی اینست که نماینده که انتخاب میشود مظهر حقیقت تمام موکلین خودش باشد این یک نظراست اهم از اینکه موکلین او دارای صفات خوب باشند باید یعنی نماینده که منعکس بکند در خودش تمام صفات موکلین این یک چیز است که ممکن است از یک نماینده خواسته شود دیگر اینکه باید طوری مقنن قانون بنویسد که نمایندگان علاوه بر اطمینان و اعتمادی که از طرف موکلین دارا خواهند بود خودشان هم دارای یک بصیرت و علم و اطلاعی در امور مملکتی باشند بعقیده بنده کلیه در ایران خصوصاً نظر ها اگر بشق اول برود و بگوئیم نمایندگان ایران باید مظهر اوصاف و محسنات و معایب ملت ایران باشند و آنچه در آنها هست باید آنها هم دارا باشند در تمام جاها خصوصاً در ایران بنده گمان ندارم صحیح باشد بلکه باید سعی کرد و هر دو نظر را گنجاند و باید نمایندگان که انتخاب میشوند حتی الامکان کسانی باشند (کالبته) اولاً مجلس توجه و اعتماد ملت باشند ولی در امور مملکت داری که اطلاعات بصیرت و تجربه لازم را داشته باشند بجهت اینکه چنانچه عرض کردم این مسئله در ایران مخصوصاً خیلی جالب دقت است زیرا که در سایر جاها اولاً کارهای مقدماتی خودشان را برای راه افتادن امور انجام داده اند و اصول مملکت داری محرز شده است و معین است و تقریباً تزلزل ناپذیر است پس فعلاً در واقع در اصلاح فروع هستند و با وجود سه هیئت در جاهای دیگر است که اینها اعمال یکدیگر را تصحیح و تکمیل میکنند و آن سه هیئت یکی قوه مجریه است و یکی در اغلب جاهای دنیا مجلس سنا است و یکی مجلس شورای ملی است و این سه قوه هم در یکدیگر تصحیح و تکمیل میکنند ولی بواسطه وقایعی که در این سنوات اخیر پیش آمده است و حقیقتاً شاید هم خوب بوده است بواسطه وقایع تاریخی گذشته طوری شده است که بعد از گرفتن حکومت جدید مرکز تمام قوای دولتی مجلس شوری شده است و هیچ قوه دیگری که بتواند تا یک درجه دخالت در نتیجه افکار مجلس نماید و این قوه را بکند فعلاً موجود نیست پس باین جهت باید خیلی دقت کرد در انتخاب نمایندگان ملت و همانطور علاوه بر اعتماد موکلین اطلاع و بصیرتی هم در امور مملکتی داشته باشند و دوباره تکرار میکنم که عجله رسیدن به یک امری ممکن است آن مقدمات آن میرام را هم از میان ببرد البته در وقتیکه مقنن یک قانونی را میگذارد و میتواند اختلافات مذهبی و نژادی و اخلاقی و بعد مسافت و نداشتن راهها و مدارس و هزار موانع دیگری که در مملکت ما موجود است و در سایر جاهای است و سال ها است که شاید این موانع را مرتفع کرده باشند باید در نظر داشته باشد بعقیده بنده انتخاب یکدرجه کی اشکالاتی دارد که اقلاً بدون اظهار حسابات و بدون اظهار حرارت اگر آقایان این اشکالات بنده را مرتفع کنند معتقد یک درجه کی میوم ولی دوباره تکرار میکنم بدون حسابات و حرارت بجهت اینکه حسابات و حرارت هیچ وقت